

مسائل بین المللی

مجله تفوریک و اطلاعاتی

شماره ۲ (۸۰)

فروردین - اردیبهشت سال ۱۳۵۵

مجله "مسائل بین المللی" که هر دو ماه یکبار انتشار می یابد، به تشریح مسائل تفوریک و سیاسی جنبش جهانی کارگری اختصاص دارد.

مندرجات این مجله از میان مقالات مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" که نشریه تفوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و متشکل کننده نظریات و آبدیشه های آگاست، انتخاب و ترجمه میشود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره های ۳ و ۴ (مارس - آوریل) سال ۱۹۷۶ مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" چاپ رسیده است.

خوانندگان عزیز!

باین نشانی با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034
10088 Stockholm 49
Sweden

شماره حساب بانکی جدید مجله

"مسائل بین المللی":

Berlin
Deutsche

Handelsbank A. G.
Konto-Nr. 9608-3131-0010

فهرست مقالات این شماره :

مؤلف	عنوان	صفحه
هرمان آکسن	پیدایش ملت سوسیالیستی در جمهوری دموکراتیک آلمان	۱۲ - ۲
گس هال	هواستنج نزد یکی طوفان رانشان میدهد	۱۲ - ۲۲
پاول آورسبرگ	درواه تمسوق کاهش تشنج باید مبارزه کرد	۲۳ - ۳۰
دانسکو - پاجاد	ماونیست هادرافها خود را افشا میکنند	۳۱ - ۳۵
سودیمان	راه پیروزی بر ارتجاع	۳۶ - ۴۰
ریس هولدر	یک تغییر شکل دیگر آنستیم مارکسیسم	۴۱ - ۴۹
سپاستیان گونزالس	شرایط قاطع سرنوشتی دیکتاتوری فاشیستی	۵۰ - ۵۸
ح . صفری	پلاکات های سیاسی و شرایط کار شخصی	۵۹ - ۶۰
پورتوی ۰ ۲	مسابقه تبلیغاتی در کشورهای سرمایه داری	۶۱ - ۶۲

پیدایش ملت سوسیالیستی در جمهوری دموکراتیک آلمان

هرمان آکسن

عضو شورای سیاسی ، دبیر کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان

هفتم اکتبر سال ۱۹۴۵ در بیست و ششمین سالروز تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان میان اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری دموکراتیک آلمان قرارداد جدیدی در باره دوستی ، همکاری و کمک متقابل که اعتبار آن از سال ۲۰۰۰ هم فراتر میرود ، در مسکو امضاء رسید . این قرارداد آنکه از طرف رفیق هونکر ، دبیر اول حزب سوسیالیست متحد آلمان رفیق برژیف در بیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی با امضاء رسید گواها آنست که اتحاد برادرانه میان جمهوری دموکراتیک آلمان و اتحاد جماهیر شوروی بر پایه ای مستحکم استوار است که آن : اشتراک در امر بزرگ سوسیالیسم و کمونیسم ، اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری ، وحدت سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب سوسیالیست متحد آلمان ، پیوند هر چه بیشتر اقتصاد ملی هر دو کشور ، هماهنگی ساختن سیاست خارجی که هدف آن دفاع و تحکیم سوسیالیسم و صلح در تمام جهان است و مناسبات همه جانبه و تمسوق پاینده میان اهالی هر دو کشور میباشد . هر دو طرف ضمن مذاکرات خود بر این عقیده بودند که " تحکیم همه جانبه وحدت دو دوستی میان اتحاد جماهیر شوروی و سوسیالیستی و جمهوری دموکراتیک آلمان با شکوفایی منافع بنیادی خلقهای هر دو کشور و تمام جامعه کشورهای سوسیالیستی است و با برتری یکی هر چه بیشتر منافع های سوسیالیستی باری در میانند "

(۱)
روند همین نزدیکی طلبهای سوسیالیستی اینک بر پایه موافقتنامه ای که در قرارداد های میان کشورهای سوسیالیستی ، نخستین قرارداد انزووم وجود است تثبیت شده است . در همین حال روند تاریخی که بمنزله یک نتیجه گیری نهیمن تئوریک و سیاسی بدو اثر تطبیق خلاق مارکسیسم - لنینیسم از طرف هفتمین کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان مد نظر گردید ، پشتوانه و اعتبار حقوقی بین المللیش نیز پیدا کرد و آن اینکه : پیدایش ملت سوسیالیستی در جمهوری دموکراتیک آلمان و سرآوردن آن وابسته به خاندان و روابطی خلقیهای سوسیالیستی و در درجه اول بغیر روندترین و پیشروترین کشور جهان یعنی اتحاد جماهیر شوروی است . قرارداد با توضیح کامل ، حد کما که نیاز گذشت تا بدین پرتوی پیروزی سوسیالیسم در جمهوری دموکراتیک آلمان را تأیید میکند .
روشن است که در اینجا سخن بر سر یک مسئله کاملاً تئوریک و بیافقط قابل اهمیت برای جمهوری دموکراتیک آلمان نیست . علاوه بر این سخن بر سر یک مسئله سیاسی است که اهمیت پراتیک زیادی

برای سمیت جهانی سوسیالیسم و تمام جنبش‌های کمونیستی جهانی دارد.

راه‌حلی که تاریخ بدست نداد است

در هشتاد و شش سال گذشته حزب سوسیالیست متحد آلمان پایتخت رسید که تاریخ مسئله ملی را در جمهوری دموکراتیک آلمان گذاشت. این یک نقطه تاریخی است. این نکته را نباید فراموش کرد. بطوریکه سوسیالیسم در جریان تاریخ جامعه بشری ملت‌های مختلف همیشه وجود نداشته اند. ملت با پدید آمدن پیشرفت سرمایه داری همانند معمول تاریخ مبارزه اقتصادی و سیاسی باید طولی و زیاده‌ها را در مردم برهمنی و بورژوازی بر علیه طبقه اشراف و اعیان نفوذال بوجود آورد. پدید آمدن شیوه تولید سرمایه داری ملزم به ایجاد بازار واحد با معیاری ملی و وحدت در چهارچوب دولت ملی بود. طبیعی است که این پروسه‌ها پیشرفت تکامل زبانی و فرهنگ‌های ملی را تا اندازه زیادی تسریع کردند.

ملت در همه جا به شکل کلاسیکی که در انگلستان، هلند و فرانسه در نتیجه مبارزه موفقیت آمیز بورژوازی دموکراتیک ملی و آزادی بخش بوجود آمد، پدیدار نگردید. پدید آمدن و رشد و تکامل ملت ما از جمله در آلمان پیوسته طولانی و پیچیده بود. بازار واحد سرمایه داری در اینجا نسبتاً خیلی دیر پدید آمد.

حتی انقلاب بورژوازی دموکراتیک سال‌های ۱۸۴۹-۱۸۴۸ به برطرف ساختن ضعف بورژوازی آلمان در شرایطی که نفوذ انگلیس هنوز در کشور مداخله می‌نمود و راه دست داشت، منتهی نگردید. بورژوازی آلمان از همه طبقه‌های رنج گرفته بود. وجودش همیشه با نیروهای نفوذال - نظامیان دست به سازش زد که بی‌آفت‌های دیرپواری داشت. این انقلاب خیانتکار و در نتیجه امکان تأسیس جمهوری واحد دموکراتیک آلمان کارآمد و انگلیس و همچنین انقلابیون دموکرات خواستار آن بودند. از دست رفت.

هنگامیکه در سال ۱۸۷۱ امپراطوری آلمان بوجود آمد، دولت آلمان که بالاخره تأسیس یافته بود دولت متحد دموکراتیک آریاب و نامد که در آن هم‌زمانی ارتجاع پرور اعمال میشد. این دولت در جهت حکومت سلطنتی در جهت جمهوری و دموکراسی و یکتوری و فاشیستی فعالیت فاخرانه کارلا آشکاری داشت. کمیته سرمایه داری آلمانی زمام امور را در دست گرفت. دولت نوزدهم سرمایه داری آلمان با توجه به پیچیدگی‌های طبقاتی آریاب، به وجود آمد. این امر بطوریکه در آلمان (۱) پشتیبانی میکردند. سرمایه انحصاری آلمان در قرن بیستم در وارد رزاه "امپراطوری بزرگ آلمان" در رسیدن فرمانروایی بر جهان برآمد. بدین ترتیب اروپا و تمام جهان بدو جنگ جهانی غاصت‌نمود. کما اینکه شد. سیاست امپریالیستی که در دوران و یکتوری فاشیستی خصلت بخشید و دشمنانه ای کسب کرده بود نه فقط ملیج سیاسی، بلکه موجودیت فیزیکی خود ملت را با مخاطره افکند. این سیاست تجاوزکارانه شد خلق مشهوران گردید که امپراطوری آلمان که با "آهن و خون" بسط وجود یافته بود در ماه مه سال ۱۹۴۵ در خاکستر و خون مدفون شد.

بی‌آفت‌های سیاست امپریالیستی فلاکت باری که در سال ۱۹۴۵ بروشنی آشکار گردید گناه انگار تا بدترین واقعیت است که بورژوازی بزرگ نخواست و نتوانست در فکر مصالحه، صلح یا عهد زورندگی در شرایط صلح و امنیت را برای مردن تأمین کند. حزب کارگری انقلابی آلمان در مسئله ملی در مقابل سیاست هلاکت باز طبقات استقامت کرده همیشه راه سوسیالیستی را پیش می‌گفت. این حزب به تنهایی از او واحد‌های جنبش بین‌المللی کارگری در زمین

۱ - راه "آلمان کوچک" راه وحدت در کشور بدون ارتجاع و تحت نفوذ پرور بود. هدفش تحریر بود.

مبارزه پیگیرانه و مدام فضای طبقاتی پرولتاریا را زایل و واقعی ملت دفاع میکرد. "کمیونیست‌ها همیشه سپهر پرست بوده اند، آنها همواره بخاطر این مبارزه کرده اند که ملت را با واقعی هدف است کند که آریاب‌های که نتیجه فاشیسم و جنگ است جلوگیری بعمل آید و ملت را از راه راست به پیش براند. سیماد تند هدف است که" (۱)

کمیونیست‌های آلمان به مسئله ملی همواره توجه فراوانی داشته و همانند سپهر برسان واقعی رفتار کرده اند. آنها با قاطعیت و بطور پیگیر به نظریات جهان وطنی و سوسیالیسم ملی رهم انگار روی داده تا سوسیالیستی بورژوازی و سوسیالیستی را برود فرموده اند.

در سال ۱۹۲۵ پس از آزادی آلمان از فاشیسم هیتلری هم‌تأسیس‌های این عقیده بودند که نقش ملت در تاریخ سوسیالیسم را بیان نکرده است. اما حزب کمیونیست آلمان و پس از آن حزب سوسیالیست متحد آلمان هرگز فراموش نکردند که بنا به تعالیم مارکسیسم - لنینیسم در تاریخ به معنای مبارزات طبقاتی تعیین کننده است و قانونی در پیشرفت جامعه شرایط مسئله ملی نیست. این بدان معنی است که در سرزمین آلمان هم برخورد علمی به مسئله ملی خارج از مکتب بورژوازی آن از بدگاه مبارزه طبقاتی است.

اکثر کمونیست‌های روسیه علاوه بر تأسیس و انگیزان دادن زمین ناشایست رساندند که برای سوسیالیستی تمام اشکال موجودیت جامعه بشری انقلاب اجتماعی ضروری است که بدست پرولتاریا و متحدین آن تحقق یابد. یکی از این اشکال مهم انقلاب اجتماعی شکل نیست. وجودیت ملت باید به دست هم است. در اتحادیه‌های باطل شدن مساعی انقلاب اجتماعی برای نخستین بار در تاریخ مسئله ملی هم بطور واقعی و پیگیر حل شد، که شکوفایی ملت‌های سوسیالیستی و پدید آمدن جامعه‌ای که خلق ضروری مثل آنست گواه بارز پرورش آن میباشد.

مسئله ملی در سرزمین آلمان هم در سال ۱۹۲۵ از منظر شد. قهرمانی‌های بخش اتحادیه شوروی و بورژوازی انقلاب ضد هیتلری در جنگ جهانی دوم مردم آلمان هم این شانزده تاریخی را داشتند که در پیشرفت اجتماعی خود چرخشی بوجود آوردند و کل بورژوازی استعمار و مستعمری و جنگ را برای همیشه بدو یافتند.

با باقی‌مانده تکامل متواتر کمونیسم حزب مادی در درازنای آخرین حد ممکن، میکوشید به پیشرفت دموکراتیک و مترقی و دموکراسی را تحقق یابد و در نتیجه خط بطلان بر سیاست امپریالیستی تقسیم کشور بگذرد. در ضمن از همان آغاز عملت طبقاتی سیاست کشورهای امپریالیستی اشغالی وارد شدند آنها با سرمایه انحصاری آلمان که پس از شکست کامل در آفریقا و اروپا کسوف است از آنها صحت میکشید و روشن و آشکار بود. حزب سوسیالیست متحد آلمان همواره با تمام نیروهای ضد فاشیست و دموکراتیک بطور پیگیر علیه ایجاد دولت جدید آلمان فریب و در راه جمهوری واحد ضد فاشیست و دموکراتیک مبارزه میکرد و این یکی از مصادیق تاریخی آن بشمار می‌آید.

باید بدست آوردن این خواست خود موفق نشدیم. تناسباتی که به معنای ملی وجه در همه جهانی امکان حل این مسئله را نداشت. امپریالیسم جهانی خوب نبود. اینست چرمنیست به معنی نظر است. کشور واحد دموکراتیک و ضد فاشیست و ضد فاشیست‌ها نخواستند از این تناسباتی در اروپا را از بین ببرند چنان تغییر میدادند که چنین پدیده‌ای جدی‌ترین بی‌آفت‌ها را برای تمام سوسیالیسم

1 - Aus dem Bericht des Politbüros an die 13. Tagung des ZK des SED, Berlin, Dietz Verlag, 1974, S. 18. Genosse Erich Honecker.

میتوانست در پیروزی داشته باشد. امپریالیسم جهانی از همان دوران انقلاب اکتبر در روسیه ظهور می‌کند. مانع از هرگونه تغییر در مرکز اروپا نبود سوسیالیسم کرد. کشورهای امپریالیستی غربی پس از شکست فاشیم بیشتر از پیش اینکلیب‌ها را امپریالیسم موضوع اصلی. مملکت خود را از دست بد هید. نقش حامیان سرمایه انحصاری آلمان را بپذیرد و گرفتارند بطور خودستایی در نیکار طبقه‌ای در آلمان مد اخله کرد. آنجا که هدفهای طبقه‌ای مشترکی با امپریالیسم داشتند، بعد رنگ اصول در موکراتیک وضد انحصاری را که در درجه اول در پیروزی و امتیاز رتبه بین المللی اتحاد شوروی که سهم فاطمی در پیروزی در جنگ جهانی دوم داشت، و در قرارداد پوتسدام گنجانده شده بود بد و یافتند. انحصار آلمان که در این قرارداد باره ننگ مقصودین جنگ از آنها باور شده بود در قرارداد متحدین کشورهای امپریالیستی پیروزی یافتند. نیروهای امپریالیستی هنگام باله در آن استکرازی سوسیال در موکراسی از وحدت طبقه‌ای در مناطق اشغالی کشورهای غربی در آلمان و فرانسه منتهت بهیچ می‌آوردند، و برخلاف اراده خود برای مردم جنایتکاران جنگی امپریالیست و کورهای از حاکمیت اقتصاد و سیاسی برکاشتند. در این ترتیب که در واقع در راه احیای حاکمیت امپریالیسم آلمان برداشته شد. سرمایه انحصاری آلمان با توجه به منافع طبقه‌ای خود پرستانه خویش بدین تعلل وتردد به منافع ملی خیانت کرد و سیاست چند ده ساله خیانت آمیز آن بدین ترتیب سرانجام خود رسید. ایجاد جمهوری فدرال آلمان در سیاست امپریالیسم آلمان در پیروزی بر سرانجام خود رسید. امپریالیسم جهانی در راهی که خود سوسیالیسم جهانی بوده به تجزیه سرزمین‌های این کشورها و ایجاد دو آخرین تحلیل به از میان رفتن وحدت ملت آلمان انجامید. گناه تاریخی این رویه این بود که پیروزی انحصاری آلمان است. این بخش از پیروزی از همان آغاز کار با مسائل مربوط به طبقه‌ای کشورهای آلمان که مردم در آنجا بر پایه خود مختاری آزاد ملی و اجتماعی از تاریخ درس گرفته به روند پیروزی تاریخی نوسازی ملت تحقق بخشیدند. بهین برهه جمهوری در موکراتیک آلمان، مبارزه بر خاست. برآه از هدفهای مده " جنگ سرد " کوسوله چرچیل، ترومن، دالاس، آدنایر و شوماخر برآه انداخته شد، انحلال از میان بردن جمهوری در موکراتیک آلمان و احیای آلمان واحد امپریالیستی بود.

انگیز در جمهوری فدرال آلمان آشکارا اعتراف میکنند که آن تا به هم پیوستن مجدد در اقیانوس با این شرط می‌توانست که اگر در آلمان بهم پیوستن نظم و نسق اجتماعی آزاد غربی برقرار نگردد. بدین ترتیب بهم پیوستن بر پایه سوسیالیسم منتفی می‌شود. (۱) سیاست " همفراندن " دولسیت اینها بود. دالاس کلا با منافع طبقه‌ای پیروزی انحصاری که از منافع خود در آلمان غربی استوار ساخته بود تطابق داشت. انتظار این از این قبیل که " سیاست " توسل زیور " برپا رود به شکست کوشیم خواهد انجامید. پیروزی سیاست کمپورادری غربی در آلمان شرقی ... خود بخود بهم پیوستن را متضمن خواهد کرد " از همین جا سرچشمه میگرفت. (۲)

بدین معنی که تمام روند پیشرفت تاریخی، پیروزی پس از جنگ جهانی دوم، این ننگه را تا به مید که با اصطلاح مسئله آلمان، مسئله بلتی که در سرزمین های آلمان قبل که در سال ۱۹۴۵ از هم جدا شد، زندگی می‌کنند، از همان آغاز یعنی از هر چیز بد از منافع طبقه‌ای مورد بررسی قرار گیرد.

1 - Wolfgang Pfeiler, " Deutschland - Deutschland ", eine historisch-politische Standortbestimmung. In: " Deutschland Archiv " Köln, Heft 10/1975, S. 1059.

در نتیجه انقلاب سوسیالیستی و ساختن جامعه سوسیالیستی در سرزمین جمهوری در موکراتیک آلمان نوع جدید ملت یعنی ملت سوسیالیستی بوجود آمد. و بهر طرف تمسکید. طبق بهترین شاخص ها این ملت پس از ده ساله پیشرفت و پیشرفت سیاست مناسبت پیروزی جمهوری فدرال آلمان از من وین متفاوت است. در جمهوری در موکراتیک آلمان همانند در کشورهای سوسیالیستی ملت شکست قانونمند به شرف زندگی اجتماعی بود. با پیروزی انقلاب سوسیالیستی و بسط و تکامل شیوه تولید سوسیالیستی ملتضمون کلا تازه ای کسب کرده است.

شرط سیاسی ضروری و قاطع پدیدایش و تشکیل ملت سوسیالیستی در جمهوری در موکراتیک آلمان انقلاب سوسیالیستی در کاتوری برلین و سایر بخشهای دولت کارگری - دهقانی باورده و همت. در جریان ساختن جامعه سوسیالیستی پیشرفته در جمهوری در موکراتیک آلمان سخا بهی اصلی ملت سوسیالیستی هرچه روشن تر آشکار میگردد. بطوریکه هشتاد و هشتین کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان تأکید نمود این امر " نتیجه آنست که در سرزمین ماد ولت کارگران و دهقانان بوجود آمده کسه بالا استقلال در اراضی کشور خود کسرها ی آن بطور اطمینان بخشی حفاظت میشود حکومت میکند. در نتیجه اشتراکی شدن مسائل اصلی تولید، در نتیجه پیروزی مناسبات تولیدی سوسیالیستی زیربنای کاپیالیست اجتماعی و اقتصاد ی در جامعه بوجود آمد. اقتصاد سوسیالیستی طبق برنامه جانشین هرچ طبقه‌ای (اصولاً تازه ای بدی کرده است. اینجا تحت رهبری طبقه کارگر طبقه‌ای است که با ساختن با حاصل ویژه سوسیالیستی و پیوند دوستی باید که برپا وجود آمده است. در جریان پیشرفت سوسیالیستی، باید کوشش سوسیالیستی و فرهنگ ملی نو سوسیالیستی که تمام متن انساندوستانه گذشته را در خود جمع کرده در جمهوری ما برتری و تسلط یافته است. جمهوری در موکراتیک آلمان برای همیشه به سیستم جهانی سوسیالیسم پیوسته و هم پیوندی آن در جامعه مفکوره‌های سوسیالیستی قانونمندانه عمیق ترجیح و " (۱)

دولت کارگری - دهقانی مایلند سوسیالیستی رشد یابند و در جمهوری در موکراتیک آلمان حاصل مبارزه قهرمانانه خود کارانه طبقه کارگران آلمان است. اینها گواه روشنی بر آنند که گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم، که مضمون مده در آن معاصر است، در سرزمین آلمان با موفقیت تحقق می‌یابد. بلت سوسیالیستی در جمهوری در موکراتیک آلمان هرچه بیشتر شکوفان میشود. همکاری با دیگر قدرتها ی سوسیالیستی بر پایه امتزاس سوسیالیسم پیروزی، در سطح عالیتری بسط و تکامل می‌یابد. بی‌سیاست برای کسانی که در این مسئله شک دارند که با بد چنین زمان کوتاه تاریخی طلسمی سوسیالیستی می‌تواند بوجود آید. با آورشوم که گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم که مضمون در آن معاصر را تشکیل میدهد و نفوذ و تاثیر هرچه قاطع تر سوسیالیسم در مملکت بین المللی روند پدیدایش و تشکیل ملت‌های پیشرفته را که با انقلاب کمپرس سوسیالیستی اکتبر در روسیه آغاز گردید و اینک در آسیا و افریقا جریان دارد، در همه جا تصریح کرد.

بگانه پایه ملی

نتیجه گیری های هشتاد و هشتین کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان در باره مسئله ملی بر پایه تجزیه و تحلیل ملی و مارکسیستی - لنینیستی و قیمت تاریخی در سرزمین آلمان استوار است. کلاسیکی و مارکسیسم - لنینیسم، ملی را همواره بنحله وحدت و یالکتیکی عوامل اجتماعی - اقتصادی، طبقه‌ای

۱ - کنگره هشتاد حزب سوسیالیست متحد آلمان، مسکو، ادراشفاتر سیاسی، ۱۹۷۲، ص ۲۷.

شرایطی که روند عینی جدی است سوسیالیستی جمهوری دموکراتیک آلمان دولت سوسیالیستی آلمان
 جمهوری فدرال آلمان بدین وقفه یعنی نیروی حزب و دولت تا آنچه را که به نظر می آید مستحکم است
 های سوسیالیستی باوری برسانند مورد بحثی قرار ندهند. این قانون مبارزه طبقاتی است
 ایالات و ضرورت تمرکز ریختن است
 را آنچه به بالا می آید از رشد سیستم آلمان نتیجه گرفت که با همای مابین اقتصاد و طبقاتی
 و سیاسی رشد و تکامل دولت سوسیالیستی و جمهوری دموکراتیک آلمان هرگونه "بزرگی" "سیاسی"
 "و همبستگی" با ملت سرمایه داری از نظر اجتماعی ایجاد جمهوری فدرال آلمان را پیش می آید
 مانعاً تعیین جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری فدرال آلمان به پارسی "و دوشترلی" و بلکه
 با تضاد هلدی آشتی ناپذیر بر روی طرفین است میان سوسیالیسم سرمایه داری و تحریف و توسعه سیستم
 روابط جاری میان دولت و کشور آلمان را فقط میتوان بر پایه ایولیه رژیم یعنی سلامت آمیز چنانکه
 در قرار آبروی به با همای جنبه سیاسی میان جمهوری فدرال آلمان و جمهوری دموکراتیک آلمان
 و قرار آبروی بعدی تثبیت گردیده استوار ساخت

مبارزه با انتقامجویی" روابط

استغفلی برای حزب با یک مسئله تجزیه نیست. این مسئله بخش جدی ناپذیر مبارزه در راه
 صلح و دوستی اروپا است. مایسری قرارداد های معلوم کشورهای سوسیالیستی با جمهوری فدرال
 آلمان و همچنین آخرین سندی که در هلسنکی باضا رسید با گروشن پیوسته قابل توجه در راه
 کا هفت شش است. مبارزه در راه استواری و تحقق کا هفت شش چنانکه است که در این سند
 تیز شده در سیاست داخلی میان دولت هاستنرم ازین بردن معاشره امپریالیستی جمهوری دموکراتیک
 نیز باشد. در کترین گالکین ویشلی یعنی در کترین های معاشره امپریالیستی جمهوری دموکراتیک
 آلمان راه ناپاله دان تاریخ سرزند. ولی از نظریه بهم پیوستگی" انتقامجویانه تمام احزاب
 مجلس جمهوری فدرال آلمان بطور اصولی پشتیبانی میکنند. فقط آنها حالا با احتیاط بیشتری عمل
 میکنند. و پس از پیش برآوردن د کترین هالشتین بعد در تماس های درازتری درخوشتر کرده و بسیاری
 پنهان ساختن نظریات انتقامجویانه اصطلاح ویژه این موضع کرده اند. این هم قابل درک است
 از آنجا که اوضاع واحوال و وضعیت در اروپا و جهان تغییر کرده باید با آن سازگار شد. از جمله
 رسمی بن "دویچلند آرشو" چندی پیش نوشت: "جمهوری فدرال آلمان مانند گذشته در پیس
 پیوستگی آلمان ذینفع است ولی سیاستی در این جهت وجود ندارد که چه با آن مواجه شده خود آن
 چه با آن مواجه تمام و بزرگ کردهای موجود در اروپا برخورد پیدا کنند" (۱). در واقع امروز در اروپای
 غربی نیروهای هر چه کمتری یافت میشوند که بخواهند با خطر حاوی انتقامجویانه جمهوری فدرال آلمان
 مخاطره جنگ اتمی جهانی را بپذیرند. "دویچلند آرشو" با صراحت کم نظیری در این باره که
 چنین طور جدی مانع انجام هدفهای جمهوری فدرال آلمان یعنی بلعیدن جمهوری دموکراتیک
 آلمان بطور آشکارا دستگیر کرد چنین میگوید: "سیاست سنتی زور نیست؛ به اتحاد جماهیر شوروی
 دیگر ضرر نمیگردد... و سیاسی. که هدف از آن ایجاد تغییر در وضع ثابت کنونی اروپا و سیاسی
 باشد با منافع شرکای ما در اتحاد ما هم مغایر نیست" (۲). از قرار معلوم محافل انتقامجویانه
 هدفیای بعضی خود در چرخه آبروی نمی "تشریح تحولات بقیاسی بر ما را میهن" هستند. بطور

1- Wolfgang Pfeiffer, Op.cit., S. 1068.
 2- "Deutschland Archiv" Heft 10/1974, S. 1083.

مثال گستر و بهر خارج به درسی امن اجلاس به جمع عمومی سازمان ملل متحد چنین تأیید
 کرد: "ما خواستار چنان حالت صلحی در اروپا هستیم که مرد آلمان در زمین و در نتیجه استفاده از
 حق تعیین سرنوشت آزاد و عدت خود را بخوبی بازرگاری اند... فرجه است بوجدت بقوت تاریخی
 خود باقی است" (۱)

در باره "پارسی" تعلیمات لیبرالیته ای کشورهای معینی در جمهوری فدرال آلمان
 انجام میدهد در "اسناد و یاد از گزارش دربار موضع ملت" سال ۱۹۷۴ خود آنها چنین اعلام
 میکند: "ما هدفی که اشکال سیاسی و با همای اخلاقی سیستم زندگی انسانها بیکه "ملت نامیده
 می شود مختلف است؛ همانقدر هم خود تقویت ملت گوناگون ویر میانی است. از اینجاست نتیجه می شود که
 ارتقاء نظریاتی "تئوریک صرف مورد قبول همگان برای تفهیم ملت وجود ندارد" (۲)
 این این نظریه اعتراف آشکار به ورستی است ای دولت بزرگ برزوازی انحصاری در سطح ملی است
 و نظریه دیگر هدف از آن چنین نظریه ای کشور راه برزوازی گوناگون جنبه های فوالت میانه
 ملت گوناگون است. برزوازی هیچوقت نظریه بیکار چه علمی دربار صلح است و داشتن چنین
 نظریه ای اکنون دیگر هیچوجه ممکن نیست. بطور مثال، برخی ها میگویند ملت آلمان بزرگه یک
 واحد بیکار چه ای و جان بد آن است. بعضی ها هم عقیده دارند که گویا موجودیت ملت واحد آلمان
 ناشی از تاریخ مشترک گذشته و "احساس بیکار چه" است. گروه سوم هم میگویند این ملت در زمان
 مشترک "خوشحالیاتی روانی و سرشت آلمانی" را به پیش میکنند.

این نظریات سیاستمداران جمهوری فدرال آلمان چیرازه ای نیست. از نظریه متغایر ملت
 با روشی متغایر طبقاتی در مسئله ملی تطابق دارد؛ یک بخش فاعرالیستی، تاریخی اقتصادی
 دیگری ایدئولوژی و تئوریک روانی. لنین با همین بحث تحلیل علمی تئوری اوتواژوئر "مارکسیستی
 اطریش" دربار مسئله ملی همان نظریات ایدئولوژی را که امروز در حال با هم وضع جمهوری فدرال
 آلمان در مبارزه با با آنها ناعلم کند کرد. از آنجا که میتوان متکرر موجودیت و سیستم خصم
 اجتماعی کرد به، برخی از این دولت بزرگ جمهوری فدرال آلمان میگویند "وحدت ملت" خیالی را
 با استفاده از اصطلاح "وحدت فرهنگ و سرزویت" از کینه آبنان ایدئولوژیک با عوکر با باقی عدت تاریخی ملت آتسرا
 هتاشد نتیجه نام و ایا زشانه هاتسریف میگرد نمایانگر شده است

لنین سخن باقی نظریات با فوئر آلمانی است؛ با فوئر میگوید تشکیل و قوام و دوام عدت را از
 تحریک طبقه محلی اجتماعی و تاریخی و اقتصادی است. بدین ترتیب از عدت طبقاتی عدت و
 دولت ملی را میساخته است. علاوه بر این زبان و عناصر روانی را خود سزانه عوامل قاطع سرشت ملت اعلام
 کرد و فرهنگ، استوار گران را با فرهنگ استوار گران ندگان یکسان گرفت. لنین نشان داد که شوروی
 "پستکولونیک" ملت با فوئر دشمن از ملت گزافی است و معنی بدست فراموشی سپردن کامل اکثریت ساویر
 نالیسم میباید. این تئوری در عمل با این ترتیب علمی نمی آید. (۳)

1- Bulletin des Presse-und Informationsamtes der Bundesregie-
 rung, Nr. 117, Bonn, 25 September 1975, S. 1164.
 2- "Deutschland Archiv" Heft 10/1974, S. 1083.

۳- رجوع کنید به: لنین، مجموعه کامل آثار، (زبان روسی) جلد ۲۴، صفحه ۳۸۷.

مسئله استناد هائید به فیلوگ های امریکایی جمهوری فدرال آلمان و بین آنها در جمعه اول تیرماه سال ۱۹۷۶ در مذاکرات برلین واقعیت که در جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری فدرال آلمان برهان کافی حرف میزند و همان اهالی هر دو کشور باند اول بیشتری از اهالی دیگر کشورها تلقی می شود دارد و اینکه در گذشته اهالی هر دو کشور به بلطنت سرزمین و آری کانی تعلیم داده شده اند نیز بدین قرار است. اینها برای بعضی ها کاملاً قانع کننده است. ولی در واقع امر تمام این مواضع برای تشکیل "ملت" قاطع و صلح کننده نیست. زیرا امروز هر کس هم نترسد که خلقهای آن کشورهای جهان را که بیک زبان تکلم میکنند و دارای نشانه آنتیک واحد هستند و گذشته واحدی داشته اند به بلطنت حساب کند. دست کم ما به مثال خلقهای جمهوری فدرال آلمان و آتریش و انگلستان و ایالات متحده و آمریکا و اسپانیا و هلند و کشورهای امریکای لاتین استناد میکنیم.

آنچه ای از جمهوری فدرال آلمان که در نتیجه هیرشهای انتقام جویانه خوش و رنج برهه بین المللی سفید دیده اند اینها را طرف رهیبران یکی پشتیبانی میکنند. ما توپیت هاد رسالت لومبر از یک نظرگاهت خوش نسبت به اینجا در شهری و جمهوری دموکراتیک آلمان هر چه بیشتر پیش میروند. آنها کم و بیش طبقاتی را طرد کرده اند چه از راهی "واهی" موجودیت طوطا حد آلمان و "بیم بپوشی" آلمان را. تاریخ میکند و طوطا را از شیطان میبختد در ملت سوسیالیستی آلمان پشتیبانی میکنند. این تعالیم گذشته و سیاسی و بی نهایت آنها آشکارا بر علیه امنیت و استقلال و ولایتگری - و دهقانی آلمان است که در همین اینجا بخش جدایی ناپذیر جامعه کشور های سوسیالیستی است. دست آورد سحر رونق انقلابی جهانی نیز صاف است. ما زانهای را که این تلاشها و فعالیت طلبانه ریش پستی و رهیبران بکن و وارد کرده اند مدت کم نگذرد. ما طبیعتاً میبینیم است که به امر ایست ها و تعالیم و شیوه ها قانع و مستوف ما سخن جریان پورتو تاریخ و - بازرگاری اندن این نیستند. همانطور که گریزی در پرتو براد کار و در جمهوریها شصت و نه لومبرک در سطح آتش پیوستی را پیشتر اعلام کرد. در چرخ تاریخ میگردید و پیش میروید. در اینجا مرد چکوسلوواکیه بطور استوار کرد حزب مارکسیستی - لیننیستی سوسیالیستی خود متحد عدو فاند آید و برگزاری زمین دیگر حزب سوسیالیست متحد آلمان هرگز نبرد. دیگر با گام نهادن بنامه ما به مرحله ای نوین در راه بزرگ ترقی اجتماعی شخصی میگرد. در طرح برنامه جدید حزب سوسیالیستی آلمان گفت می شود. "ما به و دستاورد های تاریخی با یکدیگر گرفتاریم و زمینکان تحت رهبری حزب سوسیالیست متحد آلمان و بنا بر این باید بهای تازه اجتماعی و جزئی بر مرحله ای که پیش ما در پیش هدف تشکیل هر چه پیشتر جامعه سوسیالیستی و پرفرته در جمهوری دموکراتیک آلمان را در برابر خود قرار دهد هر تابدین ترتیب شرایط بنیادی را برای گذارند ریحی میگویند و فرافهم میزند. (۱) تیریدی نیست که پیوستی خلق ما در این راه در دست به دست و تکلیف و شفقتات و نوع طبیعت سوسیالیستی در جمهوری دموکراتیک آلمان. به شکوفایی کامل آن چه نزد یکی میزاید و آن یاد یگر طتهای سوسیالیستی براد در جامعه ما خواهد انجامید.

هوا سنج نزدیکی طوفان را نشان میدهد

۱۷ ژانویه در آستانه سده سوم حضور ...
 گس هتال

دبیر اول حزب کمونیست
 ایالات متحده و آمریکا

برگزاری صدمین سالگرد ما هویت مناسبی برای توجه بدین نکته است که طبقات گوناگون در پاره گذشته خود چه تمرکز کرده اند و را کوی می بینند. همانطور که فشار جو (آنتسفر) از وضع هوا خیزد همدان جاگرد هاهم مانند هوا سنج حساسی میزان فشار سیاسی و اقتصادی را کسب میزند محیط فرد است نشان میدهند. اگر قریب به ازل حرکت است و راه بجز روشن است و امید موفقیت هست و جشن های سالگرد کوشی رو میزند دارند. اما اگر قریب به ازل میروند و راه امید خطرناک و اقامتوس در به بی خبری فرورفته. آنوقت سالگرد به یاد آوری خاطره گذشته افتخار آمیز بدل میشود موضوع تفسیرهای شکوفا میوزنامه ها میگرد که "جراهمه چیز چنین بد آزار برآمد" در هیئت سالگی استقلال ایالات متحده و آمریکا از یوغ استعمار انگلستان کوشی ارتقا پیدا و مقاله ها و تفسیرها، جمله ها و برنامه های زاد و بوم میرونی بوجود آورد. اکثر آنها سخن از تاریخ آمریکا میکنند و بدین آنکه از محتوی و مضمن اسامی آن گفته ای بزبان آورند. این البته تحریف است. ولی ظن این تحریف قابل تکرار است. زیرا وظیفه تاریخ نویسان بیوزواتی این است که ما به سبب روند تاریخی را اینها برهان کنند.

برای کسانیکه از این زمین بعاشق ما زعمای کوشی بماند اند و نگارش در پاره رویداد های انقلابی گذشته در دست است. و جزئی آنها میباشند چار اقلیتی و برخی بای میگویند و در حالیکه میباید حاکمیت استعماری و هیئت سال پیش انگلستان را افتاء کنند و در همین حال سیاست تیار ساز کارآنها امروز آمریکا را از نظر برد آورند ؟ گفتگو در باره اعضا صفتی و طقم و دیگر مازات تاریخی لطیفکار کرد گذشته در همین بنی این نکته کنایه است و هیئت سال گذشته در حقیقت تاریخ مبارزه طبقاتی بوده تقریباً همین است. توضیح در باره عقاید های بنیادی - سرخیز نیروهای طبقاتی و توانی و دشمنیهای داری در دوران گذشته در همین بنی اینک همان تضادها و توانی امروزه وجود دارند و تاثیر بر بخشند و موافق هستند که آید و سرمایه داری آمریکا را تضمین خواهند کرد. سرمایه داری است. همین سبب تاریخ نویسانی که در موضع دفاع از سرمایه داری قرار دارند تا چارند تاریخ واقعی و اصلی ایالات متحده و آمریکا را تحریف کرده و پنهان میکنند.

ولی طرفداران و انگس طرفتها است مسئله ای را روشن کرده اند که تاریخ نویسان بیوزواتی و بدون ملاحظه از صرف وقت و نیروی میگویند آنرا پنهان کنند. در این مضمون حزب کمونیست گفته شده است:

تاریخ تمام جوامع کفالتکون وجود داشته اند ، تاریخ مبارزه طبقات بوده است " (۱) . با آنکه این اصل در باره نظامهای اجتماعی ارتقهبهاندازی صدق نمیکند ، تاریخ دو سست ساله ایالات متحده امریکارا با مدت تمام روشن و مشخص همراز است . انگار این حقیقت بمعنی پنهان کردن واقعیت و راستی است .

صد سال پیش در نخستین سد موجودیت ایالات متحده امریکا ساختن های دراز مدت هواسنج سیاسی بعد مهورای صاف یافتن به سرمایه داری امریکا مبداء است . اکنون عقربه نرزدکی طوفان را نشان میدهد . برخی ها میگویند بحران کمونی را با اظهار اینکه در سال ۱۸۷۶ هم معضلات خطرناکی برای آند بران وجود داشته ، در پرده نمکندارند . ما هم حرفی نداریم ، و این درست است که سرمایه داری امریکا آنروزها هم از رونق و زحمت بحرانها در امان نبود ، اما انبیا واقع امر روز به پیچیده قابل مقایسه نیستند . معضلات سال ۱۸۷۶ در نتیجه پیشرفت دوره ای (سیکلیک) پدید آمدند ، در حالیکه بحران عمومی سرمایه داری سرشت و کیفیت دیگری دارد . تنزل و رکسود از همه ای پدیدار گردیده و بسوزی از این میرفتند ، بحران عمومی سرمایه داری خطی ژرف تر و بیشتر از همه دائمی دارد .

جشن های هجدهمین سالگرد در سال ۱۸۷۶ برای سرمایه داری امریکا وسیله آسیرانی پیشینگی های شایع و آرزوهای رنگارنگ آینده بود . اینطور بنظر می رسد که ایالات متحده امریکا برای همیشه ، نه فقط برای میلیونها سنا چه بلکه برای طبقات ثروتمند اروپا هم بمنزله " ارض مورد " باقی خواهد ماند . کشورها خود را برای یک دوزان در زحمت بحرانها در امان نبود ، و بسایقه آمار میگرد . سکه های امریکا بهر حال معما بود میگردید و با آرزو زمین های آبا ؛ واجدان ی خویشت که از لحاظ مواد معدنی غنی و بوسه مستعد برای کشت و زرع بود بزرگ میشد . ایالات متحده هنوز سلاحه بخت بزرگی از سرزمین های مرکزی را که از لحاظ مواد خام غنی بود بخاک خود ملحق ساخت . بازار را که بریزا از تیروی کارها سر وید وین شخصی بود . جنگ داخلی که در سال ۱۸۶۱ مابین رسید راه پیشروی جلوز ایالات برای برده داری و نظام ارباب - رعیتی پاک کرد و پیشرو استانی از اشباع سنا هیوست که بر دکی خود راه انداخت بود تدبیر صوف اشرار کاپرزدی می پیوستند . بهر گمشو بیرحمانه طبقات کارگر ، چیران سرمایه ازار و سنا فراوانی مواد خام طبیعی ، همه اینها به اثر پیشرفت سریع نیروی انجاسید .

علت این شاعر صدین سالگرد ایالات متحده امریکا ؛ " با تمام نیرو به پیش " بود نیز همین است . سرمایه داری در هیچ جای دنیا از چنین شرایط حتمی صاهد برای پیشرفت خود برخوردار نبود و این شرایط بی نظیرونگه تصور نتوانی فراوانی در باره سرمایه داری امریکا پیوسته آوردند . درست به همین سبب هم وکلا می مدافع امروزی سرمایه داری ایالات متحده و نمیتوانند بحران کمونی را با اعتبار بهین باطن عامل مینی نامساعد برده و پیشی کنند . بکنگر شرایط مینی تا امروز قسم به سرمایه داری ایالات متحده امریکای سنا سنا شده اند .

بزرگاری جشن های گزینی دو سستین سالگرد ایالات متحده امریکا در شرایط عدم اعتماد ، بحرانها و بیست هائی که از همه طرف سرمایه داری انحصاری امریکا را احاطه کرده اند چه تصاد آشکارا و با شگفتی دارد ؟ هواسنج صدین سالگرد نوسنه طلین و فنون اقتصادی را در رد و روشی نشان میدهد که سرمایه داری محور اصلی پیشرفت جهانی بود . ایالات متحده امریکا در واقع سنا بدل شدن به یک دولت بزرگ بود . آنچه هواسنج نوزدهای جشن دو سستین سالگرد نشان میدهد بازتاب منظره کاملا متفاوتی است . سرمایه داری بمنزله یکی از دو سستین اجتماعی - اقتصادی

۱ - مارکس و انگلس ، مجموعه آثار ، (بزبان روسی) جلد ۴ ، صفحه ۴۲۴ .

جهانی در جنگ بحران عمومی که هر چه زودتر میسر می شود ، این هواسنج نشان میدهد که سرمایه داری جهانی نیروی مخوف گذشته با مکنها ی سابق را بزای تعیین چیران رویداد های جهانی ناز دست داده است . اینک امریکا نسیتم نادره قبول این واقعیت است که آن طبقه کارگر یعنی طبقه کارگران سستیم انحصاری .. انحصار را در بر گرفته یعنی سوسالیسم بهر کارا صلی جاد بنسبه انحصاری است . سرمایه واید قول و قولها نقاب شده اند .

بنسین سبب که هواسنج از این یک شدن طوفان خرمید همد جشن های دو سستین سالگرد ایالات متحده امریکا هر چه بیشتر به یاد بود " گذشتنا اتفاقا آری " تبدیل میشود و موضوع صفراهی شکوفا ضروری میگردد که " چرا همه چیز بنسین " بنا را بآورد .

سرمایه داری انحصاری داملی برای خوش بینی ، پیشگویی های مسرت بختر و نقشه های خوب و خوش ندارد . آنچه صدین سالگرد از دیدگاه طبقات کارگر را بقضای میتهاریخی راست میگرد . از هسان هنگام واقعیت های شیرونا طبقاتی بهر گمشو سرمایه داری هر چه دقیق تر روشن تر و روشن تر میگردید و اختلافهای طبقاتی و مبارزه طبقاتی نسا با نگرند فاصل روشن و مشخصی میان سرمایه داران و کارگران بود . انگلس در سال ۱۸۸۶ نوشت : " ... روزی ها ما با شما فکر میکردند که امریکا ایالات متحده ها اشتی ناید بر طبقاتی و مبارزه طبقاتی قرار دارد . این تصورواهی جلال دیگر هر طوقه شده است و آخرین بهیشت ضروری روی کر زمین بسزمته بنسین " . سنا ای می شود و از تبدیل شدن آن به دولت مانند از ویاده آثار شما را بد و پیشرفت سریع برولتا برای امریکا کثرت و بال بود آرزو و میتوانید دعا ی در حد ... کارگران امریکا ، ، ناگهان با چنان جمعیت سازمان یافته ای با هر صده هزار تنه که سزا طبقاتی سرمایه داران ، دچار هم و هراس شدند (۱) .

طبقات کارگر ترقه زرقه یکن حاصل میگرد که فقط سازمان و مبارزه بمصالح آن عدت می کنند . امریکائیان سنا هیوست در آینه جشن صدین سالگرد دیدند که جنگ داخلی که زنجیرهای بردگی را از هم گسخته بود ، اگر چه گاو تاریخی بجلو خود ضرورت مبارزه طبقاتی نژاد پرستی را بر طرف نشاند بردگی ملحق شده ، ولی نژاد پرستی باقی ماند ، و طبقاتی تحاکم تغییراتی پیوسته آمد ، ولی سرچشمه های نژاد پرستی در سلسله خود ماند .

در باره پیشروانه جمعیت رفاهت بین المللی کارگران ، که بنیانگذاران بزرگ مارکسیسم در زمان آن قرار داشتند ، نه مردم ایالات متحده امریکا گفته شده است : " اجازه بدید همد سخن در مقام مشورت برآوردن ، آینده بهیشت بگویم . اینجسه بلا ی نسیتم موضع نابر این بخش از اهالی کشور صفا است . بنسین این امریکای رانان بود گنید . آزادی و برابری تمام اقیان خود را بد وین مند ویت اعلام دار رسید . اگر شما به این بختر از اهالی در حالیکه شما وظایف مربوطه زارا آنها می طلبید ، حقوق بد تی همد خطر مبارزه دیگری در باره شما باقی میماند که از نوا گیر خاک سرزمین شما را با خون خلق رنگی میکند " (۲)

شرح این زا کلا تا باید کرد : مارکسیسم با سنی سنی و بطور دقیق در کنگره عقربه هواسنج سیاسی بازتابه بمغفل نژاد پرستی در ایالات متحده امریکا چه چیز نشان میدهد . همانطور که هواسنج از روزهای صدین سالگرد نشان داد نیمه اول صد سالگی دوم رشد سرمایه داری در امریکا دوره عظیمترین رشد ها در تاریخ سرمایه داری جهانی بود . در امریکا مجتمع نیرومند

۱ - مارکس و انگلس ، مجموعه آثار ، (بزبان روسی) جلد ۳ ، صفحه ۴۱۸ - ۴۱۷ .
۲ - شورای عالی انترناسیونال اول ، ۱۸۶۶ - ۱۸۶۷ ، کنفرانس لندن ۱۸۶۵ . صورت مجلسها (پروتکل) ، سبکو ۱۹۱۱ ، صفحه ۲۲۷ .

صفتی ایجاد گردید و یکسره در رشته علم و فن، پیچیده اشکال
 اینک امریالیسم امریکای نوزدهمین هفت پای در تمام تاریخ سرمایه داری جهانی جدید
 است که با نتیجه این تمام گوشه و گوشه جهان نفوذ وسیعتری گشوده شده است. این امریالیسم
 در زمان حال با بخار سرمایه داری جهانی پیوسته است. امریالیسم امریکای تکلیف و صنعتی نظامی
 و سیاسی ارتجاع جهانی و با یکا شرکت های چند ملیتی و مرکزها و شعبه های فراوانی میباشند
 امریالیسم امریکای جدید پس از جنگ جهانی دوم بیش از هر کشور دیگری در امر ساختن
 مختلف کمر زمین را استثمار میکند و زیر کنترل داشتند. امریالیسم امریکای وجود آرزو که گوییم
 " قرن امریکا " فراموشه است و امریکا میباید تا زمان اتمل بقوله مذکور بپوشد.
 پرده های درختانی تقارون فوستر و لیبنت و ولینتا ریت وزیر امور خارجه اسبق امریکا هم
 بازتاب پیدا کرد. او میگفت: " امریکا دوست ندارد، بلکه فقط منافع دارد ". برای پشتیبانی از
 اندیشه باطل لاجرم " قرن امریکا " اقتصاد امریکای همیشه بهمنبر خود متوجه امور نظامی میگردد
 ضرورتی که اجتنابناهی خصلت ملیت امریکایی بود. " جنگ سرد " در جلیقه جنبه ظاهر شد
 تا اینچنین سیاست داری اجلی به این بیان شکل گرفته است تا استعمار و کار را به امریالیسم
 شده است.

امرالیسم امریکای معنی را در پی جنبه سیاست امریکایان فاشیست ایجاد کرد که در
 جنگ شکست خورد. این امریالیسم هرگز نتواند هی تجاوز امریالیسم بر علیه جهان سوم را
 و نیروهای آزاد و ملی جلد شده است. امریالیسم امریکای که بدلائل کافی در موجودیت
 شوری طبع عمده و بر سرزاد محقق نقشه های خود برای جلیقه برجها می بیند بازار سرمایه
 ایدئولوژیک و نظامی بر ضد اتحاد شوروی و امریالیسم را و باقی عمده خود قرار داده است. امریالیسم
 امریکای که طبق در ستروا جلیقه هرگز نمی تواند امریکای برین شیوه های ضد کمونیستی در روغ
 بزرگ " پشتیبانی معنا باشد.

اما حتی از قضا هم می گویند که با قدرت فراوان گشوده شد و اغلب نتیجه ای حاصل نمیکرد. این
 با همه دستخط طوری شد. گرد اندگان و اولاد زینت استریت بدین درون گرفتار قواست بیشتر
 اجتماعی و اقتصادی و تقاضای توطئه های خود را میسر نکرد. اگر نبود آیدرنگ این " قرن
 امریکا " به جواسنج تاریخ نظری افکندند تا آن بروشنی میدیدند که قهر و وحال نزول است و
 طوفان نزدیک میشود. اما آنها ترجیح دادند این واقعیت را که در دوران ایجاد امریالیسم استوار
 مدتهاست صبری شده و " بنیاد " آنها میخواهند با این حقیقت که نیروی مخفی جدیدی در انقلاب
 جهانی پیدا شده است و آنرا بزرگ کرد. آنها نمی خواستند با ورگندگانه تبار شوروی یعنی " نخستین
 دولت طبقه کارگر در هر صحنه پا بدین نهاد و است مضر آغاز دوران تازه ای در بشریت و تکامل
 جامعه بشری است. این در همین نشانه آفسیاز با بیان امریالیسم بود. نه این تقصیر است
 تناسب نیروهای جهانی شرایط تازه بین المللی وجود آورد که ترقی اجتماعی را منکسر ساخت.
 اتحاد شوروی سبز نمونند برای نیروهای گردید که در آغاز از بی و گذار انقلابی سوسیالیسم
 مبارزه میکردند.

امرالیسم امریکای قدر تمام خود را بر این تکیه میسازد که انحصارها و کشورهای قدر است
 ولی از آنجا که این امریالیسم در حال نه با یکا عمده و قدر و عمده ترین و غیره امپریالیسم
 تمام جهان است و داری متحد شده و تاجی حرکت است و اغلب نتیجه که این جهان با آن روز
 میگردید بسواحل امریکا میرسد و با یکا امریالیسم امریکای متزلزل میساخت.

امرالیسم در جهان تعمق بحران بدین تنگه میگرد که در واقع هم " اود و ستن
 ندازد " کساد ی بازار سرمایه داری تضاد های آنرا شد بد میکند و نتیجه " پیوند های دوستی
 سست میشود و اتحاد جهانی امریالیستی که ایالات متحده امریکا در سرهم بندی کردن آن با نتیجه
 جد و جوی بیخ و بخت کشید رویه پراکندگی و تقاضی میدهد.

توسندگان مقاله های مربوط به دستگیر ایالات متحده امریکا میگویند این واقعیت
 را بدست فرافروشی سپارند که صد ساله اخیر هم در آن روح و هم سقوط امریالیسم امریکا بوده است.
 بر ناه " قرن امریکا " بروی خرابها افتاده است. از نتیجه جهانی تجاوز کاران چندگان جدا جدا
 باقی مانده است. محاصره های که در قتل متفر ساختن جهان سوسیالیسم بود اکثر شکست روسو
 شده است. نقشه های سرکوب نیروهای آزادی ملی هم سرنگرفت. امریالیسم امریکای هنوز هم در کسار
 زخم بندی شکست های خود در ویتنام، لائوس، و کامبوج است، در روز امیک، گنیه بیاض و پاکسولا
 هم با عدم موفقیت روبرو گردید. سازمان ملل متحد دیگر آنچه دست ایالات متحده امریکا نیست.

نیمه دو دهم صد ساله تاریخ امریکا برهان زیادی با تمیق بحران عمومی سرمایه داری تطابق
 میکند. این پدیده عمده ترین و قاطع ترین عامل تعیین کننده تغییر و تحول سرمایه داری امریکای پدید
 است.

بحران عمومی سرمایه داری با تنزل تولید سوسیالیستی آن روندی است که در چند سمت تحقیق
 مییابد. هم قوا تین پیشرفت سرمایه داری و هم تناسب کلی نیروها در جهان در آن بازتاب پیدا میکنند.
 پدیدایش تغییر و تحول در تناسب نیروها برهان امریالیسم به عنصر قاطع بحران عمومی بدل گردیده است.
 در گذشته چنین بود که رویداد های تکان دهنده و انفجارها سا انا از مراحل تازه بحران را خبر میداد. اما
 نوحی از مراحل با کیفیت نومی هم می تواند وجود داشته باشد که آغاز آنها با چنین انفجارها همراه نیست.
 گاهی از تازمین زمان تربیت ها هیچکس مطلع نمیشود مگر تا آنکه ساختاری که پایه هایش را خورد و تراشید هاند
 در هم فرویزد. عواملی که خصلت مرحله کنونی را تعیین میکنند هم انفجاری و هم تحولی میباشند و تاثیر
 چنین این عوامل به آغاز مرحله تازه ای میانجامد.

قریبایدگی امراتوری استعماری بر تقابل پیروزی مردم هند و چین بر امریالیسم امریکای ازیرواد
 های با خصلت انفجاری بود. این واقعیت که امراتوری بر تقابل آخرین امراتوری استعماری بود پیروزی
 ویتنام پیروزی بر زمین ترین کشور امریالیستی، بدین رویداد ها اهمیت ویژه ای میبخشد. بی شائبی
 میبست سرمایه داری در نقطه مقابل ثبات سوسیالیسم گوشه گشود تازه ای کسب میکند. یعنی رشد
 اقتصادی کشورهای سرمایه داری نقاط ضعف تازه ای سیستم را بر ملا میکند. آهنگ سریع رشد تولید
 اینک فقط ویژه کشورهای سوسیالیستی است.

از آنجا که تضاد های کشورهای سرمایه داری در چهار چوب تناسب تازه نیروها در صحنه جهانی
 بروز میکند، کیفیت تازه ای بخود میگرد.
 نیروهای ترسخواه که بر سر حوادث جهان عمده ترین تاثیر را میبخشند، می توانند بشکل تازه ای
 از این تضاد ها استفاده کنند. ناچیزی ذخیره های اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک در اختیار
 امریالیسم است یکی از ویژگیهای مرحله نوجوان عمومی است.

بحران عمومی سیستم جهانی سرمایه داری بشکل روز افزونی در اوضاع و احوال امریکای تاثیر
 میبخشد. در مرحله بعدی که در پیش است میزان این تاثیر را هم بیشتر خواهد شد.
 هوا سنج اجتماعی - اقتصادی سرمایه داری همچوقت به طبقه کارگران کسانیکه با کار روز محست

لغمان بدست میآورد ، نه هوای صاف و آفتاب و نه نسیم روح پروری مزه نداده است . واقعیت زندگی برای آنان همواره بهره کشی ، تبعیض نژادی ، عدم اعتماد به فرای خویش ، بیکاری ، نگرستی و زلفه نشینی بوده است .

انگلس اندکی پس از جنبشهای صد بین سالگرد ایالات متحده آمریکا ، درباره این جمهوری در آسوی اقیانوس گفت: این کشوری است که " در آنجا انتقال از صفوف طبقه کارگر به صفوف فرمراه، بازرگانان و سرمایه داران هنوز نسبتا به سهولت انجام میگردد (۱) . اما این انتقال هیچوقت کار ساده ای نبوده است . در بهترین حالات برای عده کمی از مردم میسر بوده و اینک مدتهاست که چنین امری امکان پذیر نیست . سرمایه داری انحصاری این روند انتقال را معکوس کرده است ؛ از صفوف سرمایه داران ، قشرهای متوسط و زیرمیان فرمراه و بازرگانان بسیاری به صفوف طبقه کارگر برده ، زیادی هم به صفوف بیکاران می پیوندند .

صفوف مغلقلی که مردم و از جمله طبقه کارگران آن روبرو است ستم بیرحمانه سرمایه انحصاری در تمام جوانب زندگی است . این ستم همانند سفت کردن تدریجی گره طناب دار است . یاریش و تکامل سرمایه داری دولتی - انحصاری بتجداد افراد بخشنده نموده امانی همواره افزوده میگردد . تعداد هر چه بیشتری از طبقه های زیرین کسانیکه بکار مفید اشتغال دارند بهره میگیرند و با آسایش خاطر زندگی میکنند . استثمار و شورش و خرید و فروش کنون امری عادی و عاقلانه است . میباید خون آشامانی هستند که میان چنین طبقه هایی در ریف اول قرار دارند . تعداد پسمان زیاد (establishment) های نظامی با بخش افسری روز افزون آنها زمین قماش اند . به صفوف کارمندان دستگاه دولتی یعنی بیوروکرات ها که دستگاه پلیسی FBI و سیا که هر دو دارای سازمانی نظامی هستند و همپا ارگان دگر حکومت پلیسی نیز بیطور ستم افزوده میشود . به عرض و طول دستگاه دولت اضافه میگردد ، کارهای مراکز بارز آید ثلوثی که بودجه آنها از طرف دولت تامین میشود ، تکمیل میگردد . رشد بخش غیرمولد که محصول فرعی بیشتر سرمایه داری دولتی - انحصاری است ، تضادها و بحران های تازه ای ایجاد میکند . این جریان با افزایش درجه استثمار و زحمت کشان همسرا است .

با گسترش یافتن این بخش بالا بردن هر چه بیشتر میزان مالیتها ضروری میشود . دولت مجبوره گرفتن قرضه و درخواست معاف بریادی وام از بانکها است . این پدیده امکانات تازه ای برای ناخوشایان و فرودست شدن آنان فراهم آورد . ولی افزایش مدام پدیده اعتباری بدون بنا نهادن قرضه اساسی نظریه بیست مالی می آنجا مد . برای برخی از کشورهای بزرگ روز جزایزودی فرامیرسد و ساختن باید گفت فرارسیده است . اکثر رجال سیاسی بیوزواری بجای پنداختن بدی خود به بانکها راه مقیم گذاردن رشته خدمات ، بیکار کردن کارگران کارمندان شهردارها و کاستن از نقد ارتحق ماها نسرا در پیش میگیرند . " بحران شهرها " چیز دیگری جز انزایب تعمیق بحران عمومی سرمایه داری و مشکلات تازه ای که در برابر سرمایه داری دولتی - انحصاری پدید میآید نیست . اعتبار دهندگان مانند کوسه های گرسنه حلقه محاصره گرد شهرهای بزرگ را تنگ تر میکنند .

ارگانهای دولتی مجبورند برای گرفتن وام بیمان بازارهای پولی رجوع کنند که شرکتی خصوصی بد آنها مراجعه میکند . چنین رقابتی باعث بالا رفتن شدید بهره وام ها میگردد . در همین حال سرمایه مانی برای شدید نظارت خود بر اقتصاد و سیاست آمریکا امکانات تازه ای به دست می آورد .

هر قدر سرمایه داری دولتی - انحصاری بیشتر به ستم میکند بیمان اندازه هم افراد بیشتری قربانی جورت ستم انحصارها میشوند . در این مرحله بیشتر سرمایه داری آمریکا تمام جریانها و تکیه های مبارزه تمام جنبشهای ایجاد اختلاف ضد انحصاری می انجامد . این پدیده تشکیل چنین جنبشهایی در آمریکا برای مردم فوئی میگردد و در تمام جنبشها و اقدامات جمعی عامل تعیین کننده میشود . جنبه اشتراکی توده های مردم را متحد میکند و سرافرازد جنبش گسترده توده ای دموکراتیک میشود . در این راه میتوان توده های مردم را به جنبشهای جلب کرد که بتدریج آنها را شرکت در مبارزه انقلابی و امیدارد . جنبش های آونوزده ای از نظریات تدریست ها و اندیشه های اجتماعی مایه میگردد . امروزه روزگارا ملا روشن نیست که این جنبشها چگونه وجه اشکالی در همین آیزند ، ولی تعداد هر چه بیشتری از امریکائیان وابسته به قشر های گوناگون اجتماع و سازمانهای آنها به جنبش جلب میشوند . نقش قاطع را در اختلاف ضد انحصاری در درجه اول طبقه کارگران ۴۰ میلیون امریکائیان است که قربانی ستم نژادی هستند ایها خواهند کرد . جنبشهای گسترده توده ای دارای منطبق درونی خود میباشد . باتشدید و گسترش میابند طبقه کارگر هر چه بیشتر صفوف مقدم می پیوندد و آماده انجام رسالت تاریخی خود پهنزله پستان میشود . راهها و مقیاس رشد و گسترش جنبشهای توده ای تا اندازه زیادی وابسته به میزان وزواری شرکت طبقه کارگر در آنهاست .

رشد تشکیل و تبلور اختلاف ضد انحصاری هسته مرکزی تمام رویداد های آینده است . این مرکز است کتتام جنبشهای مترقی و تمام مخالفان سرمایه داری در اتحاد با گسترده ترین جنبشهای خلقی در آینده ماید آرآن بگذرند .

این پرسش که " چرا همه چیز چنین بد آزار بد آمد ؟ " هر چه بیشتر برای امریکائیان مطرح میشود حتی برای ژرژینوس ، حواری هشتاد ساله همکاری طبقاتی و یک انبره اقربان ترین مدافعان سرمایه داری انحصاری ، حالا اینطور سئوالی پیش آمده است : " آیا ممکن نبود همه چیز شکل دیگری بخود بگیرد ؟ " و ایام و اندوه شکایت سر میزند که : " آیا کمونیست ها در رانیهایی خود از سیستم مایه حق اند ؟ " " چرا همه چیز چنین بد آزار بد آمد ؟ " سئوالی بهیچوجه سفسطه آمیز نیست . این سئوال با سئوالهای دیگری نظیر : " چه چیز در انتظار ما است ؟ " و " آیا نواقص گذشته در آینده هم ادامه خواهد یافت ؟ " به اندیشه مردم خطور میکند .

اکثر کسانی که دست سالکی موجودیت امریکارا تغییر میکنند با کمال بی میلی به پیشگویی میرند از نسد آنهایی که بخونا چاره پیشگویی کردن میدهند یا مظلوم خود را بجای واقعیت میگیرند و بایه فال گرفتند و طالع بینی میرد از نسد . در مرحله کنونی سیر تحول سرمایه داری هیچ زمینه ای برای کوچکترین تصور خوش بینانه وجود ندارد . ولی اکثریت آینده نگرها (فوئیولوگ) به سرمایه داری چنان چسبیده اند که قربانیان کشتی طوفان رزد به تخته پاره های کشتی در حال غرق ، برای نمونه سخنان د . پل از دانشگاه هاروارد را نقل میکنیم : " اوینتومد اگر مایه این مسئله بپندیشم که اشکال جامعه پس از چهل یا پنجاه سال چگونه خواهد بود ، برای ما کابلا روشن میگردد که نظام " کینه " صنعتی بگذشته ما همینند که میرد ایست " جامعه نو " آقا زگر دیده است . به بیانی کلی ، اگر کارفرمایان ، بهیژنمن ها یا مدیران چهره های اصلی صد ساله اخیر بودند ، " چهره های تازه " دانشمندان ، یاضی دانها ، اقتصاد دانسان و مهندسان تکنیک جدید الکترونی مایهین های حساب میبایند

بنا بر این نظریه تحلیلی پلی سرمایه داری بدون تغییر مینداند فقط تصمیم گرفتن بیوشنکران مبتذل میشود . بعقد به بل عوامل تعیین کننده " منافع دراز مدت ملی " خواهند بود و سود شرکت ها . هدف چنین

«عصوات» آینه متغزانه زین است و آن بوجود آوردن تصویرانی واهی در باره آینده است که در انتظار سرمایه داری میباشند. ولی بیجان نسبت که چشم انداز داری سرمایه داری تنگ تریزه بود پیشگویی است که گذران که دیدشان به افق هائیک تنگ بپروازد. محدود است بیشتر به بن بست دچار میشوند. پس گویند: «از ادبانی که مایل است با چشم روی خود بپزد هدیه با شکرش را بپوشد ای است که و بیشتر آنچه ای است که خود را از ادبیکال قلند اندام میکند. ولی در واقع درمیدارد اولی تولوری بیروزی در حرکت اند؛ گودن میبوسد: «از ادبانی که نتیجه هر چه کمتری برای بهبود زندگی حاصل میشود. امروز بعضی غمناک و بیسوزیانی عده بسیار زیاده شد است که موقتی های عظیم در تنگ و بجراسی و تنگک طبعی های حساب و روشک و دست یافتن به انرژی اتم فقط به افزایش رنج و آند و انسانها میماند. همین علم که می توانست تسبیحاره حقیقت بوده و فضا را پاکیزه کند، آتزان را آلود ساخت، به فریب مگره ها و اندیشه ها و ساختن سلاحهای نابود کننده کمک کرد».

این اعتراض بیجا است. گناه بگردن سیستم اجتماعی است اقتصادی است که از علم و تکنیک در راه شراستفاده میکند. بل؛ گویند من قادر به دیدن آینده نیستند، چون هر دوی آنها سرمایه داری بیروزی اند. بل؛ هائی «آیند بینش نیست» در زمان واهی شرکت های خیره ای که در تصور خود ساخته اند، شرکت های که گویا فقط در فکر منافع ملی اند و نه سود خویش زندگی میکنند. اگر گویند من هاجمه های خود را بر علم به پایان منخل میبرسانند باید جامعه بهتری را دوست بدارد. بازگشت به فارشینی کند. پیش بینی مارکسیست ها که کاری از بعد دیت سرمایه داری است با چنین مفصلاتی بیروزی است.

آینده امریکا را بخورند. بل؛ راسا سن قوانین بیشتر اجتماعی - اقتصادی تعیین خواهند کرد. امریکسا به جلوگیری از تازیه هلاکت ناپهجران عمومی سرمایه داری و به عقب بازگرداندن عقربه آزاد ای ملی موقتی نخواهد شد. امریکا مجبور است قدرت روز افزون نسبی سرمایه جهانی را بحساب آورد. ابالات متحد ضمنی توانست به زود انقلاب جهانی بی اعتباری شود و آران بد و ماند. سرمایه داری امریکا در جنبه داخلی هم نمیتواند دیگر را از بازار طبعی برهانند؛ فساد میان طبقات تشدید خواهد شد.

چشم انداز سرمایه داری در امریکا باید با توجه به واقعیت جهانی که در آن بسر میبریم ارزیابی کرد. و اوضاع و احوال بین المللی جاش برای راه حل های آسان باقی نماند. البته این افکار را هم نباید نادیده گرفت که تجار و کارترین محافل امریکایی سرمایه امریکا بی اعتباری است. این امریست که موانع ملی نسبی میکند از راه و منحصراً خود انحصار است. سلطه خود را برقرار سازند. این اندیشه هرگز از ذهنی که دیوانه و ارشاد یازد بر گوشه های تاریک پنهان گزین و «فایرک هائی اندینگ» با بیوفه که کلان بینر هائی وجود دارد که مکرر مکرر از بیم تحقق آن سخن میگویند. ولی چنین مشی از نظر مردمن که عقل سلیم داریت نه فقط یک بازی خطرناک بلکه خود کفشی است.

راه دیگر از امریکایی سرمایه امریکسا است. می تواند برگزیند عبارت از این است که بگوید از طریق هراسنا شدن با ملیت نسبی و شاننا و دیدن تاریخ را متوقف سازد. ولی این امر می تواند افزایش بی حد و حصر هزینه هستی نظامی است و پاره ای اندام های هلاکت باری برای اقتصاد همراه است. چنین سیاستی میتواند نتیجه کوتاه مدتی داشته باشد ولی برای آینده است دور تصور باطلی است. همین راهی که در رمکای امریکسا است، به پذیرش واقعیت های تازه سیاسی و تطبیق اقدامات خود با آنست. این راهی واقع بینانه ولی در زمانیکه برای امریکاییست. پیشرفت جامعه بگفتی بر خلاف جهت منافع امریکاییست. تحت تاثیر این واقعیت اجتناب ناپذیر بود سازگاری امریکایی با واقعیت های تازه منصرف نشینی راهم در بردارد. امریکاییست فقط هنگامی عقب نشینی کند که چاره دیگری نداشته باشد، یعنی زمانی که از راه امریکایی عقب نشینی میکند.

اینها هستند راههای دشواری که امریکایی سرمایه امریکا در دسترسین سالگرد کشور برقرار خواهد دارد. امریکایی خود را با شرایط جدید سازگار کرده است، ولی با اعتراض عام به سیاست کهنه و ایست بهصوات واهی قرن امریکا «جسید» است. اگر همان در جهت سازگاری شدن در ورشه های بازرگانی و تعاضد های علمی و فرهنگی برداشته است، «عاطیه افزایش قدرت نظامی خود را راه میدهد یعنی از سیاست درگرمی نظامی بپوری میکند».

این باقیات میسراند که امریکایی سرمایه امریکا با تکلیف سازگاری شدن که برخی گذشت ها را شامل میگردد. روی آورده است، ولی از نقش های استراتژیک تنگ تنگ از راه خویش صرف نظر نکرده است. در همین حال در ورشه مناسبات بین المللی یگانه راه واقع بنامه ای که در زمین حال پاسخگویی منافع مردم ابالات متحده است، همیش مسالمت آمیز میباشند. افسوس که تنها عوامل عینی هیچوقت برای واداشتن طبقه سرمایه داری که پیش راه واقع بینانه کافی نبوده است.

آینده امریکایی سرمایه امریکا را گرایش ها در عده بیشتر جهانی بشرح زیر تعیین میکند: نه ریشه نبردهای گریز از مرکز زین در نهای سرمایه داری تشدید تضاد های وابسته بدان. - تضعیف بازهم بیشتر میدان منفاطیس اولی تولوری بیروزی، عدم اعتقاد توده هایدان هر چه بیشتر میگردد. - آلتی امریکاییست حالاندر که جهان بینی توده های انبوه مردم شده است، و اکثریت بزرگی از مردم بدین جهان بینی پیوسته اند.

تند تغییر سیستم ترانسپنیرها در جهان است. در نتیجه آن کشورهای امریکایی هر چه بیشتر توانایی این را که شرایط اقتصادی خود را از جمله بهای مواد خام را بدیگران تحصیل کنند از دست میدهد. امریکاییست هیچگاه دیگر نخواهد توانست جهان استعماری تازه ای برای خود بوجود آورد. امریکاییست امریکایی تا آخرین حد ممکن به پیشرفت تاریخی خود دست یافت. این با واقعیت زمانی کابلای روشن میگردد که ابالات متحده به بهایهای سه سوم موجودیت خود گامی نهد. نیروی عمده ای که در سر برود اد های جهان و از جمله امریکا خارج خواهد کرد رشد سیستم سوسیالیستی خواهد بود.

دوره ای که سرمایه کلان امریکایی در زمان برقرار قرار گرفته از لحاظ کیفی با آنچه در گذشته بود تفاوت دارد. در گذشته ناچار بود راه توسعه طلبی با کمکانات گوناگون رشد را برگیرند. دوره ای کنونی به اشکال مختلف کرد و انحطاط محدود میگردد. آینده سرمایه داری امریکایی از قوانین روش پیشرفت سرمایه داری انبوه تعیین کرده است. نظریاتین تشدید هر چه بیشتر تضاد های اساسی طبقاتی استنتاج ناپذیر است.

البته سرمایه داری دولتی - انحصاری با استفاده وسیع از راههای کنترل و تنظیم میکوشد زندگی ابالات متحده امریکا را هر چه محکمتر در چنگ خود نگذارد. درباره «برناه پوزی» حرف زیاد زده خواهد شد. ولی سرمایه داری از ماهیت آثارشستی خود جدا نشی ناپذیر است. سایه انحصارها در راه دست آوردن حد اکثر سود تشدید میگردد و تقسیم جامعه بدو قطب متضاد حد تری میبوسد.

هر حال موقت هرگونه مفصلی تضاد های نوی با خود میآورد. چنین «راصل هائی» به بهه عقب انداختن بحران ها کمک میکند ولی این امریست که تشدید ناگزیر آنها در آینده تمام میشود. رشد اقتصاد ای مانند گذشته نا استوار و نامنظم خواهد بود. هیچ دوران دراز مدت ثبات اقتصادی و سیاسی پیش بینی نمیشود.

چنین اوضاع اجتماعی بطور عینی بوجود آورنده جنبش مقاومت گسترده روز افزون مردم است. روند شکل اختلاف طبقاتی ادامه خواهد یافت. بالاتر رفتن کلاه های طبقاتی روحیه پیکاری جنبش کارگران

سادم ز اوقه ترمینکند ؛ با تشدید تضادها و استواری جنبش ، کارگران بیاد طرفدار مبارزه طبقاتی نیروی مسلط در جنبش اتحاد به های کارگری میفرستند نه کارگران طرفدار همکاری طبقاتی .

مبارزه در راه الهای نژاد پرستی نیز تشدید بیشتری پیدا میکند . کارگران سفید پوست با درک اینکه نژاد پرستی ملاحی در دست سرمایه داران است و کلیه تزاران طبقه منافع پنیایدی تمام زمینکشان بگزار برده میشود آنرا محکوم میکنند . جنبش قریانیان ستم نژادی یعنی سیاه پوستان ، اهالی پورتوریکو ، امریکاییانی که اهلستان آسیای است و همچنین سرخ پوستان امریکا ، تا فیر خود را بر اوضاع کلی کشور تشدید میکند . اتحاد میان قریانیان ستم نژادی و طبقه کارگر سفید پوست محور اصلی تمام جنبشهای مترقی میگردد .

نظارات در سنجش و جنبشها هر چه بیشتر جنبه سیاسی پیدا میکنند و از ناله روی و تبعیضت از هر دو حزب قدیمی بورژوازی سرچینی خواهند نمود . این جریان باعث پیدایش سازمانهای سیاسی جدیدی میگردد که حزب سیاسی تازه مکی به توده های مردم از آن جمله است
رشد تعمیق و قطعیت جنبش ادامه خواهد یافت . جریان یعنی حوادث مردم رابه جستجو از راه پیش راه طلبهای اساسی تری و اید دارد . در چنین شرایطی بر تازمه حزب کمونیست امریکا را مباحثه انبوه هر چه بیشتری فرا گرفته و از آن خود میدانند . تجربه مبارزه و نتیجه گیریهای کمونیست های رشد آگاهی سوسیالیستی مردم کمک خواهد کرد . بدین ترتیب در ورنمای سوسیالیسم بهتره بگانه راه حل در از دیدن مفصلیات ایالات متحده امریکا بنیایه محکم استوار است . جریان یعنی رویدادها این در ورنمای ضرورت تاریخی و میدل نیساراد . برای تحقق آن سازای و مبارزه طبقه کارگر متعلق خلق ضرورت دارد .
پیشرفت آینده امریکا در چهار رهبوب این اصل نشینی است که " سرمایه داری دولتی - انحصاری کاملترین تدارک بلادی سوسیالیسم است ، آستانه آنست ، آن پله ای از تریبان تاریخی است که میسازد آن (پله) پله ای که سوسیالیسم نامیده میشود . هیچ پله بنیابینی وجود ندارد " (۱) . نشین کیه بطور صریح در زیاره آینده سخن میگفت تا پدید کرد که حالا فقط سوسیالیسم " از تمام پنجره های سرمایه داری در زمینه این سرمایه داری نشین گاهی جلوشما را پید نمایان میگردد " (۲) .

معلوم است که سرمایه داری دولتی - انحصاری و سوسیالیسم در حدیه آشنی ناپذیر اند . اما روند پیشرفت سرمایه داری دولتی - انحصاری بطوریکه زمینه را برای تحولات انقلابی بنیادی آماده میسازد و طبقه کارگرو تیا مردم رابه تفکر رباره ضرورت آنها تشویق و تحریک میکند . بدین ترتیب هواسنج هایاد های طوفان نژاد گرگونیهای انقلابی را پیش بینی میکند . این چندان پیش بینی است که آنرا از بزرگترین تاریخ نوسان و آینده متکران بورژوازی هم نمیتوانند پنهان کنند .

در راه تعمیق کاهش تشنج باید مبارزه کرد

پاول آفسبرگ

فکونکمیته مرکزی حزب کمونیست
چکوسلواکی
دبیر مسئول مجله

کاهش تشنج بین المللی نتیجه مستقیم تشبیر تنا سب نیروها بقیاس جهانی بسود سوسیالیسم و بدین مفهوم حاصل پیشرفت اجتماعی جهان است . کنفرانس امنیت و همکاری اروپا سهم مهمی در این روند مثبت داشت . این کنفرانس پایه گسترش کاهش تشنج را استوار کرد و گام اصولی مهمی در راه تثبیت اصول همنیستی مسالمت آمیز و برقراری مناسبات همکاری با حقوق برابر میان کشورهای دارای نظام اجتماعی متفاوت بود . کنفرانس هلسنینکی که در نتیجه ابتکار کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و موافقت کشورهای اروپا و ابالا شغفند امریکا و گاناد تشکیل گردید به بهبودگی و زیان بخشی " جنگ سرد " را تا پدید آمدن واکنشات تازه ای برای استواری جدی صلح و امنیت قاره بوجود آورد . بنا بر این حاصل این کنفرانس مهارت است از هر روزی بخرد و ببرد تمام کسانیکه به صلح و امنیت در سیاره ما ارجح میدهند . این هر روزی عظیم سوسیالیسم در زیند تاریخش با سرمایه داری است .

اینک ، پس از کنفرانس هلسنینکی ، امکانات واقعی برای پیشروی در راه کاهش تشنج بین المللی و تکمیل آن باضمین ماندن مشخص هر چه بیشتر بوجود آمده است . اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی نسبت به تعهداتی که در نتیجه توافق در کنفرانس بعهده گرفته اند احساس مسئولیت بزرگی میکنند و سندن نهایی آنرا واحد یکپارچه و مجموعه موازین و تعهداتی بشمار میآورند که نخواستن آنها را به " منیم " و " کم اهمیت " تقسیم کرد . طبیعی است که ضمن برداشتن گامهای مشخصی در راه تحقق واقعش کاهش تشنج ، آنها بمسئله عهده ای که با خطر آن راه در شوار بسوی هلسنینکی پیوسته شد توجه ویژه ای میدول میدارند . آن مسئله عهده به بشگری از جنبه جهانیه تحکیم امنیت اروپا و کاهش تشنج بین المللی و تکمیل کاهش تشنج سیاسی با کاهش خواست نظامی است .

این نکته را باید مورد توجه قرار داد که برخلاف چنین برخوردی ، در جهان سرمایه داری هستند کسانی که میبایند از سندن هلسنینکی برخی از مواد درجه دوم را که از لحاظ تاکتیکی برای خود مطلوب ترند میبایند بیرون کشیده و " دیپلماسی " را بر پایه آنها استوار سازند و در ضمن اینطور اظها را عقیده کنند که حدی کمتری از هلسنینکی گام بعدی در راه کاهش تشنج " مربوط به طرف سوسیالیستی " است . اما جنبه کشورهای سوسیالیستی از خود ابتکارهای سازنده تازه ای در جهت بسط و تکمیل همکاری سوسیالیست را در نظرین جد ستا آوردن در نتیجههای مشخصی نشان میدهند که مبتدا آنها به دینسار

نمایندگان کشورهای اروپا و بلژیک که برای سال ۱۹۲۷ تعیین گردیده شایسته و چنین ابتکار هائی در واقع بلا مجرب میماند.

تعلیمات امپریالیستی در این اوخرمیست که چنین منظره ای بسازد که گویا که هفت تن شتی بطور کلی در پیکرنا برود و درت خود را از دست داده است. گویا در بر سر او که هفت تن شتی بوانع اید لظونیک بر طرف نشدن پدید آمده است. رویداد هائی انگولا هم گویا که هفت تن شتی را بسوی بحران کشانند بحرانی چنان صمیم که برخی دست اندر کاران تعلیمات پرورائی با شتاب فراوان حتی آنگاه جنگ سرد دوم را اعلام داشتند. آنگاه تلاش در پیکر سیرن که هفت تن شتی باز گردانند جهان بحالت و خامت و شتی دارند تنها از وساطت تعلیمات استفاده میکنند. آنها منابع مادی به سبب سارا مجتمع های جنگی - صنعتی و اهرمها و فشارهای سیاسی در اختیار دارند.

بنابراین ، که هفت تن شتی به پیچیده روند نیست که در نهایت آن وسیله شرایط یعنی زمان ما از پیش کاملاً تعیین شده باشد. بعکس ، تجربه نشان داد که بدون مبارزه شدید تود هائی میسر نم ، بدون کوشش های هدفمند کشورهای و جامع مترقی امکانات تازه تحکیم صلح همگانی تحقق نمی پذیرد. بدون بدین جهت است که امروز هم با وجود سالم شدن جدی زندگی بین المللی به پیشرفت خود بنسبند که هفت تن شتی نمیتوان اطمینان کرد.

در راه تعیین که هفت تن شتی باید مبارزه کرد ، تعلیمی که در سیاست جهانی ، مشاهده میشود در ارضی کیفیت دیالکتیکی است . هر چه پیشرفت که هفت تن شتی میسر میشود ، مخالفان آن پیشرفت هم اندر شدیدی تحمل کنند . چرا چنین میشود ؟ زیرا امپریالیسم در این اعتراف بقوا قیمتها و تازه ای که در جهان پدید آمده به پیچیده بطور قطعی استیاریا و نپذیرفته است . در این ناکت که هفت تن شتی از نقطه نظر سیاسی میانگرتن سیرتوان قوا میسود سوسیالیسم است ، نه فقط بی موجودیت و پیشرفت آن بلکه پایه های مخالفت با آن از طرف ارتجاع امپریالیستی هم نیفتده است .

البتتئورهای مخالف با یستی هم سستی مسالمتاً امروز چنان موقعیتی برخوردار نیستند که بطور انبساطی گسترش گرایشهای سالم در زندگی بین المللی واقع کنند . آنها با این قوا میسود پیشرفت آنرا میگزینند ، یکی از علل بنیادی باقی ماندن یک سلسله مسائل حل نشده بک منابع پیچیده و در راه صلح استوار است نیز در همین میماند .

این مسائل را میتوان چهار دسته تقسیم کرد . اول آنها آنکه در حقیقت امر باید آنها را حل شده بشمار آورد . این مسائل در درجه اول عبارتند از مجموعه گسترده ای از توافق هائی که در سستد نهائی گفترانس هلمسکی قید شده و همچنین سیمت قرارداد هائی که کمیته استیام جمهوری ویدنرال آلمان را بایک سلسله امپریالیستی سوسیالیستی اروپا هادی کرده اند .

بطور مثال ، اغلب زرمه هائی شنید میشود که مواد سنده هلمسکی گویا طرز کند ضمیمتند . کاربرد انجائی انجامد که میگویند گویا به این مواد نیازی هم نبود ، زیرا از لحاظ مضمون آنها چیزی بالاتر از به دستور العمل تریاتونجی نداشتند (۱) . پیشنها میشود که بدان مواد هم چنانکه لازم است یعنی مانند آرزوهای خوشی که فاقد هرگز نه است حیث حقوقی بین المللی هستند بهر ضرورت دور .

۱ - ضمیمه قومی این قبیل نظریات بویژه هنگامی روشن میشود که گویندگان آنها را در نظر میگیریم - بطور مثال از رویکه در باره " دستور العمل های تریاتونجی " آوریم از آن آخرین زمان دور سلسله هاسبرگر ها از این هاسبرگر ترجمه و واقعه است که یکی از ارتشهای ترن لیسباک موجود در جهان یعنی روزنامه بلاتسکیان شناخته شد مالکان غیر " Sudeten Deutsche " " Zeitung " (۲) ذکر کرده است .

بدین ترتیب وضع را بحدل ضابطی که گویا حل شده اند پدید میآید .

سلسله مربوط به برلین غیرن همگی به نظر بحدل شد میآید به همین شکل از مسئله تریاتیکی میشود و خطر آن هر دو که در نتیجه اختلافهای جمهوری و فدرال آلمان برای تعیین سرحد سرانه قرار داد چهار جانبه به شرحه بهر ضرورت هائی و خبیسی مدل گردند . در این موافقه میگویند برخلاف آن واقعت موجودی که بموجب قرارداد هیم به تأیید رسیده است حل کنند ، و آن اینکه برلین غیرن جزئی از جمهوری فدرال آلمان نیست و نمیتواند بوسیله آن اداره شود . چنین اقدامی اینستروکسیون آشکاره امر هائی ساختن شایسته متقابل میان جمهوری فدرال آلمان و جمهوری دموکراتیک آلمان و همچنین در پیکر کشورهای سوسیالیستی و که هفت تن شتی در اروپا بطور کلی است .

سند کل گفترانس که هفت تن شتی بدین ترتیب و قرار داده شد بدین آن به روند نظام و مقیاس جهانی را پایه از مسائل گروه دوم دانست .

حل مسالمتاً میز معضلات خاور نزدیک از وظایف درجه اول مربوط به این گروه مسائل است . برای اخلال این معضلات فرمول واقع بینانه و عادلانه ای هم پیدا شده است که تخلیه تمام جزیرین های اقیانوس اطراف تجا و دیگران اسرائیلی از ژوئن ۱۹۴۷ به بعد ، قبول حقوق قانونی خلقهای منطقه و از جمله حق تشکیل دولت مستقل و همچنین قبول حق بیستادست برای تمام کشورهای منطقه را عمل میگردند . بر پایه این فرمول که گویا به (پلاتفورم) مشترک کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی ، جهان عرب و دیگر کشورهای در شمال رشد بوجود میآید . اغراض و مقاصد سیاسی ضمیمت است اسرائیل که از جمله در همین مذاکرات در باره قطعنامه مشهور مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز انعکاس یافت هر چه صمیمت تریسگرد . صمیمت جهانی در چنین شرایطی با آنکه به کمک حامیان خوش شتابرزه و وسایل جدیدی برای مقابله ، نه فقط با حل مشکل خاور نزدیک ، بلکه با پیشرفت که هفت تن شتی اندر ارضی بیند و در همین حال میگوید با دعاوی باطل و جعلی و تحریف در باره آنتی سیمتسم ، نقش شوم خویش را منفرده در ضمن صلح ، آزادی ملی و سوسیالیسم از افکار پنهان سازد .

بایان دادن به مناقشات خاور نزدیک نه فقط بمعنی برداشتن گامی بزرگ در راه استوار صلح در این منطقه از کره میسر بلکه گشودن راه برای تحکیم امنیت در دیگر نقاط از جمله امنیت مقیاس قاره آسیا است . میدانیم که مبارزه در راه که هفت تن شتی در آسیا که از تضاد نزدیک باند پشه سیست امنیت جمعی در این ناحیه جدی از طرف رهبری مائوئیستی روبرو است . ولی شرایط لازم برای تحقق این اندیشه و خلاصه بدان در کشورهای آسیای جنوب و قفه از این مضمون باید ، بطوریکه حل این مسئله با هوسر تدقیقاً و تمامی تمام رویکردن بجای هر چه استیاریا در سستروزیست است جهانی پیدا میکند .

برای عادی ساختن اوضاع بین المللی ، اضافه که هفت تن شتی در قرارهای امریکائی تین و افترقا با در نظر گرفتن شرایط مشخصی ویژه در این مناطق و در کشورهای جداگانه نیز به همین انداز صمیمت استیام در تریاتونجی جدی از طرف رهبری مائوئیستی روبرو است . ولی شرایط لازم برای تحقق این اندیشه و خلاصه بدان در کشورهای آسیای جنوب و قفه از این مضمون باید ، بطوریکه حل این مسئله با هوسر تدقیقاً و تمامی تمام رویکردن بجای هر چه استیاریا در سستروزیست است جهانی پیدا میکند .

اهمیت مذاکرات شعوری و امریکاد را بر محمد و ساختن سلاحهای استراتژیک ، ابتکارهای تازه و ایجاد شعوری و دیگر کشورهای سوسیالیستی و سازمان ملل متحد در جهت جلوگیری از تضاد به تعلیمات و خلاصه کوشش آنها برای بدست آوردن بهر ضرفتهای لازم در مذاکرات بین دو طرفه که هفت تن نیروهای مسلح و تعلیمات و در اروپا مرکزی را بد شواری میتوان بطور کامل ارزیابی کرد .

کاهش تنج، طایفه‌های نیروهای تجار و کارمندان را در شرایط مساعد، نقشه‌های آنان را برآوردید و
 آشکارا در وقت آموختن انقلاب بجهت پیشرفت شرایط مساعد ترخاری برای پیشرفت مبارزه انقلاب فراهم
 می‌آوردید. در همین حال با اغراض اخلاقی و سیاسی ارتجاع داخلی کک می‌کنید، اما کاهش تنج پیش از
 این می‌تواند کاری انجام دهد، زیرا خود کاهش تنج هم در شرایط ویرانه موجود برای جهانی که به
 طبقات تقسیم شده جریان می‌یابد.

تاثير متقابل بفرنج همیستی مسالمت آمیز با طبقاتی امکان نمیدهد که تمام شکست‌ها
 امپریالیسم در سالهای اخیر را نتوانستیم جرجش در سیاست جهانی بدانیم. البته با این دید به
 هم نباید که به یاد آید که پیشرفت آن در این دوران تا اندازه زیادی تحت تاثیر شرایط کاهش تنج
 بوده است. اما بسیاری از صدماتی که برای آن وارد گردیده و یک سلسله از دستاوردهای
 ضمیم اجتماعی و سیاسی خلقها در درجه اول مبتنی بر رشد پد تصادف‌های طبقاتی داخلی و همچنین
 تغییرات جنگ در ترازون جهانی نیروها بود و سوسیالیسم بود است. از جمله پیروزی تاریخ در وقت
 و پیشرفت و رشد از هادریون تا برتقال و کشورهای دیگر هم این نکته را نباید می‌کنند.

درک جمیع جهات ارتباط متقابل دیاکتیکی کاهش تنج و مبارزه طبقاتی امکان میدهد از
 گوشه‌هایی که به عمل می‌آید تا به نظر گرفته و کند که کارها و عملی شدن زندگی بین المللی بر پایه اصول
 همیستی مسالمت آمیز معنی استوار و ناخوشی وضع ثابت موجودی است که در جهان پدید آمده.

خلیج‌گویی مجدد تبلیغات بورژوازی چنین اندیشه‌های را به هم گسترده و روح میدهد و تلاش برای
 تبدیل کاهش تنج به سلاح مبارزه بر ضد جنبش‌های انقلابی و آزاد بخش ملی نیز مسلماً بازنسایت
 خود را و این اندیشه‌ها می‌کنند. استاندارد و برضد و راست به کاهش تنج برای آید کولک‌های
 امپریالیسم در کشورهای آنها برای مناسبت از همیستی ارتقا سوسیالیستی نیروهای انقلابی جهانی در
 حکم " دلیل برهان " است. حتی پشتیبانی از ولجتهای قانونی که بر علیه ارتجاع داخلی که با
 داخله گران خارجی متحد گردیده و مبارزه می‌کنند نقض موازین کاهش تنج احلا میگردد. و جابجایی
 که در اطراف و ریدهای آنکلا برپا شده و نمونه درخشان چنین اظها نظرهای است. در آنکلا

باید که در اینها به همین پرستی که در اطراف آن رخ داده اند تا چارند سلاح در دست از استقلال
 خود و در این حوض غوش بر علیه تجاوزات پرستان افریقای جنوبی و گروههای انشعابگر
 طرفدار امپریالیسم است. پشتیبانی و اشگمن و یکن هستند و بر علیه تلاشهایی که برای پسر کردن
 " خلا " ای که پس از رفتن سوسیالیسم بر ترقالی بوجود آمده و بر علیه سلطه استعمار ایدج پسند
 در این کشورها است. در جنبش‌های سوسیالیستی در مرحله مبارزه با اقتصاد معمار می‌بصیر پرستان آنکلا کرده اند و هنوز
 هم به کار می‌آید هند، با اصول کاهش تنج، در تضاد است. اگر چه ما هم در این باره صحبت
 کنیم که چنانچه این اصول مبارزه است و در این کشورها به این باید از سیاست امپریالیسم که تلاش دارد
 جنبش‌های این کشورها را خفه کند در میان ما نشاندن از برای پیش خلقها.

در این کشورها به این وسیله بد و تغییر با رجاست است. نگاه باز این واقعیت است، اگر چه بطور غیر مستقیم
 این است که این سیاست کاهش تنج در کشورها مستقیماً بر علیه ارض نورد هم که در خدمت
 توسعه طبقاتی امپریالیست است از جوانی تازه گرفته اند. میدانیم که یکی از اهداف و اعلام تقسیم جهان
 به مناطق نفوذ است. آن کشورها است. دیگری ممکن از ارضی " ردهای باز " و رسمیت شناختن
 آن در آنجا می‌کنند. اولاً کشورهای استعمارگرا برای غیر می‌کشند تحقق بخشد. در این بشمار
 سیاست امپریالیست که در این کشورها به این وسیله راه را برای سرمایه‌های خود در تصرفات رقیبان بگشاید.

مانع کار در این است که در کشورهای سرمایه داری هنوز نیروهای " هستند که می‌بایند بحمل با کتبا
 بدست آوردن برتریهای یکطرفه را با کاهش تنج در زمینه‌های نظامی در آمیزند.

با لاجرم گروه چهارم از شورویها در زمینه کاهش تنج همکاران در رشته اقتصادی و بیرونی است.
 آن مربوط میگردد. بسط و تکلیف روابط اقتصادی پنج سال اخیر به حد و بی رسیده و امید که
 آشکارا نشان میدهد که " جنگ سرد " از به امکان تا به تنظیم نمودند بحال هر دو طرف در رهگیری سازی
 مناسبت بحمل می‌آورد. اما هنوز هم بحالت وجود انواع تمسین ها و توانی که بطور ضمنی با یکدیگر
 شده و بناحق اصول برابری حقوق در مناسبت اقتصادی می‌باشد از تمام امکانات باقی مانده است.
 شده است. در روزگاری که برای امپریالیستی را مناسبت و انگری می‌بینیم
 مساعد ترین شرایط بازگشتی به کشورهای سوسیالیستی و تلاش برای آنکه یکم " برخورد جدا گانه "
 این وسیله سالم کردن مناسبت اقتصاد بین المللی را به سلاح ایجاد انشعاب و تفرقه میان کشور
 های سوسیالیستی بدل سازند نمیتوان از نظر دور داشت.

خواستار شدن نخل حمله مسلطی که بر مضمون معنی خواستار شدن تکمیل سیاسی است
 همیستی مسالمت آمیز با مضمون مادی هر چه بیشتر خواستار شدن تالیل لمس سا بختن کاهش تنج
 است. حقیقت امر این است که تمام جریحتهای اصلی هم اینک در اطراف همین مسئله در می‌گردد
 زیرا مخالفان کاهش تنج همیشه به مخالفت با توافق‌هایی که حاصل شده بر می‌خیزند. در عمل گریه
 آنها عبارت از این است که با تعریف و تمجید از این توافق‌ها در حرف مانع تحقق آنها در واقعیت
 کشورهای سوسیالیستی که از پشتیبانی نیروهای شرقی بتمام افراد واقع بین در کشورهای سوسیالیستی
 داری برخوردارند. در این راه مبارزه می‌کنند که نگذارند سیاست جهانی در مرمزهای محکوم بدخشن
 زبانی جنگ متوقف گردد. بلکه آنرا راه ایجاد ساختارهای تازه در تمام زمینه‌های روابط
 بین المللی جلوه‌گری در و مکرر تیره شدن همه جانبه زندگی بین المللی ناله کردند. تا در سلسله
 کاهش تنج به روندی بازگشت ناپذیر که هدف احزاب کمونیست و کارگری کشورهای سوسیالیستی
 برادرت تمام احزاب کمونیستی - لنینیستی است یعنی تحقق این هدف نیز فقط در زمینه‌های
 امکان پذیر است.

تجدید بد ساختن سیستم مناسبت بین المللی در جهانی که وسیله طبقات تقسیم گردیده و
 بحمل می‌آید. این امر مسئله تناسب کاهش تنج با مبارزه طبقاتی و انقلابی را بسیار حاد و شدید می‌کند
 این واقعیت که سیاست همیستی مسالمت آمیز حق خلقها را به حل و فصل امر داخلی محدود
 بنا بر مستقل بود و در حالت دیگران بد و چون وجرا تمسین میکند، برای درک در دست مسئله فوق و جلی
 آن اهمیت بسیار دارد. این حق بد و ن تردید به خلقهای کشورهای هم گفتند و تلاشند تا در سلسله
 داخلی روند انقلابی را برکت و بر آورد و کمواضع استعمارگرا نه امپریالیسم استعمار و ولگا رقی ملی
 را بر سر می‌گذارد و زندگی نوآزاد در برای رستمکشان بی برزی، منباید و تعلق می‌گردد.
 کاهش تنج بین المللی نقطه به مناسبت میان کشورهای دارای سیستم‌های متضاد اجتماعی
 مربوط میشود و هیچ وجه منبمانی تصدیق مبارزه طبقاتی است و همچنین چیزی را بد نبال ندارد.

چنین چیزی را خود خصلت عینی تصادف‌های آتش ناپذیر جهان سرمایه داری متغیر می‌آورد. مبارزه
 طبقاتی و رهایی بخش ملی کیفیت مناسبت بین المللی را تعیین میکند و به نظر هر که تجربه بی بسال
 اخیر نشان داد در راه سعود راجه در شرایط " جنگ سرد " وجه در شرایط کاهش تنج می‌باشد
 البته کاهش تنج در روندی برای زندگی اجتماعی داخلی هر ملت و در تضاد با مبارزه برای
 طبقاتی و سیاسی تاثیر می‌کند. اما ویژگیها وجود و دشواری این تاثیر را باید بروشنی دید. بد و ن تردید

کسانی که بریز میگویند که هفت تشنج را بمنزله نوعی تضمین حفظ وضع اجتماعی - سیاسی موجود چنانچه بحال ثابت تضمینکنند در واقع این دعوی را تکرار میکنند که باید منافع ویژه ای برای امپریالیسم متفائل گردید و حق سلطه آثار بیختم بخبرهای فیروسوسالیسم کریمین پذیرفتند. اما در همین حال منافع تاویذ شده ای از ذکر کریین "درهای باز" را هم بدقت تبلیغ میکنند. این باور سخن بر سر راههای در جهان سوسیالیسم و دعوی امپریالیسم زامیر این است که در اینجا آزادی کامل انجام اقدامات ضد سوسیالیستی برای آن تامين گردد.

خوب است آزادی تبلیغ اندیشه و عقیده و ادعای مردم - پیروزه با اصول آزادی و گاهی بشکل اولیایا تنوع به پیش کشید میشود. برهان روشن است که در شرایط موجود در مرحله نهائی هلمستکی تا حد زیادی در زمین نوع دعوی بیجا و محاسباتی که نمایندگان کشورهای سرمایه داری هنگام مذاکره مسائل "سید سوم" در باره تبادل اخبار و اطلاعات، همکاری فرهنگی، گسترش جهانگردی و روابط میان سازمانهای اجتماعی و تشابههای شخصی، پیش میکشیدند مربوط بود. بالاخره راه خلبای قابل قبول طرفین پیدا شد و واقع بینی پیروز گردید.

بسیار واقع بینی در این زمینه یعنی چه ؟

طبیعی است که گسترش تحقیق کاهش تشنج بدون گسترش تشابههای فرهنگی و روابط میان خلقها که اهمیت فوق العاده ای برای ایجاد شرایط تمام متقابل دارد، ضرر قابل تصویب است. اما این نکته نیز همان اندازه قطعی است که هیچگونه کاهش و خامت اوضاع بین المللی برخوردار از عقاید رازمانی نیز پیروزیه "همزبانی صالست" میزاند بشما "نی انجاد" بنا بر این مسئله تفسیر همکاری فرهنگی و تبادل اخبار و اطلاعات میان کشورهای دسیستم با فرمهای اصولی آنها در پیشرفته اید ثلویزی وجود میاید. حل واقع بینانه این معضله تنها هنگامی امکان پذیر است که این موضوع در قیاد و روش خود که همکاری بین المللی فرهنگی - خبری اطلاعاتی همانند یکی از عناصر مهم کاهش تشنج چه از لحاظ شکل و چه از لحاظ مضمون باید از هرگونه تظاهر پیروز و خصومت متقابل پاک گردد. این همکاری، راه نظریه که جان کلام و متن سندی که در هلمستکی تصویب رسید مطلقاً بشکل دیگری غیر از توافق برابری طرف در زمین توجیه و احترام کامل به سازمان اجتماعی، قوانین و عادات شان نمیتواند پیشرفت کند.

کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و از جای کمونیست و کارگری که رهبری آنها را میسرند دارند هم درست همین شکل با این موضوع برخورد میکنند. بقول رفیق هوساک ما طرفدار "گسترده ترین بهره گیری متقابل از ارزشهای فرهنگی و تبادل اندیشه و اخبار و اطلاعاتی که به تمام متقابل جهانی و پیشرفت و تکامل همه جانبه انسانها کمک کند میباشیم. ما طرفدار اکثریت متزین رفت و آمد و هائی هستیم که به همکاری سازنده و مفید و موفقیت آمیز و شناخت متقابل باوری رسانند" (۱)

فاکت ها بطوری قانع کننده گواه بر این اند که همین کشورهای سوسیالیستی متفکر سازمان دارند فعال کاهش تشنج سیاسی - در امر گسترش همکاری فرهنگی جهانی هم نیروی اصلی و محرک اند. نمونه چکوسلواکی از این نقطه نظر را سخن قابل توجه است. در جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی در سالهای ۷-۱۹۷۱ ترجمه ۴ اثر نویسنده گان بلژیک به چاپ رسیده و منتشر شده است. در حالیکه در بلژیک طی همین مدت ۲ کتاب نویسنده گان چکوسلواکی انتشار یافته است. در چکوسلواکی در سال ۱۹۷۴ ترجمه از زبان فرانسه با تیراژ ۲۷ میلیون نسخه انتشار یافته و در حالیکه در جهان دور در فرانسه تنها سه اثر مترجمه از زبانهای چکی و اسلواکی به چاپ رسیده است. اگر فرض

۱ - "روز و بیاو" ۱ Srpn ۱۹۷۵

جهانگردی بین المللی را در نظر بگیریم، معلوم میشود در اینجا هم تعداد جهانگردان چکوسلواکی کلانگروههای سرمایه داری در بدین گروه اند به نسبت درصد جمعیت و از شاخص هر کشور سرمایه داری با توجه به جهانگردانی که به چکوسلواکی میآیند، بیشتر است.

در باره سازمان اید ثلویزیک در اطراف ریدنگ کاهش تشنج که اینک در صدف مقدم قرار آورده بر خلاف گفته بسیاری از مخالفان مانده اند و حتی شدت روز افزون آن با سیاست هلمستی مسالمت آمیز تضاد یزد آرد. بعکس یکی مستلزم دیگری است. در جهانی که دسیستم تضاد تقسیم گردیده از زیر بارش سیاسی - نظامی حیوان باید اهتزاز کرد. ولی ارتضا و بنیادی طبقاتی این دوران، نمیتوان برنگراند. کاهش تشنج فقط بسط و پیشرفت آبراه اشکال مسالمت آمیز است و حق هند کسبازره اید ثلویزیک از جمله آنها است. به معنای اید ثلویزی همانند مانی در راه هلمستی مسالمت آمیز تنها کسانی میتوانند استناد کنند که آگاهان مایل نیستند شانسهای در راه هلمستی جنگی میان کشورهای سازمان اجتماعی مختلف را قبول داشته باشند.

در همین حال مبارزه اید ثلویزیک فقط زمانی خطری برای کاهش تشنج بوجود میآورد که بهمان شکل مبارزه اندیشه ها باقی میماند و به تظاهرات و تبلیغات سیاسی که هدفشان بطور مستقیم برهم زدن کوششهای است که در راه تامين صلح و امنیت خلقها اینجا میگردند، مبدل نمیشد. بدین معنای است که میتوان به معنی تازه آنتی سوتیسم و حیطه های خشونت آمیز و طبعی جامعه کشورهای سوسیالیستی که اینها را خریدارگانهای امپریالیستی و سائل ارتباط جمعی باشد فاست توجیه نکرد.

این نکته شایان توجه است که تبلیغات ضد کمونیستی پیروزه به حدی که با اصل و هلاکسه مرتدین و مخالفان جامعه سوسیالیستی عرضه میکنند اراج مینهند. بطور مثال، این اخبار از روشنگرهای خود را بر نیروهای ضد انقلابی چکوسلواکی بطور گسترده استفاده میشود. این اشخاصی که در زمین خود کلام و بیگانه شده اند یکجا جسی و اتهام اید ثلویزیک های امپریالیستی به پای "شخصیت ها" و "کارشناسان" در مسائل مربوط به سوسیالیسم ارتقا داد میشوند. لازم به تذکر است که تنها بعضی آنان در واقع تمرین جدی و حقایق و آنتی کمونیسم لجا کسب شده است.

این نکته جالب است که حیطه های خصومت آمیز تبلیغات پیرو زوای بر طبقه ایتحاد شوروی دیگر کشورهای جامعه سوسیالیستی با فاصله بین از هلمستکی شدت پذیرد. آ تا این بینکن تطابق تعدادی زمانی بود ؟ - به پیوسته، از جمله هدفهای جدی و آشکار "تنقیدی" که روزنامه ها و روزنامه های پیروزترین پیرو زوای یکدیگر با آن برافتناد، سیاست دولتی و سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی و نظری مارکسیستی - لنینیستی می تاوند جلوه گیری از آن مفسی سیاست جهانی است. این اشخاصی کشورهای اروپائی به تحکیم آن کمک کرد. در واقع بنیاد شوری میتوان تصور کرد که قسطنطنیه و گان این تظاهرات و تبلیغات همانند بسیاری در این سوتیسم هدفهای اول و ثانوی ای نظامی است که گویا هستری تبلیغاتی آنها میتواند باین بیان شکل زندگی اجتماعی در کشور های جامعه سوسیالیستی را تغییر داد و با منحرف سازد. با اطمینان کامل میتوان گفت که آنتی سوتیسم تنها در کشورها بر طبقه ایتحاد شوروی یا کشورهای سوسیالیستی نیست. بعضی راههای تبلیغاتی نیز در سرتیبه اول از اهالی و جوامع خود کشورهای سرمایه داری تشکیل میدهد. اگر آنگاه و در کشورهای دیگر تبلیغات کنونی آنتی سوتیسم درست در همین جا است که مخصوصاً به جهت به حسرت و ایتحاد شوروی و کشور ایتحاد شوروی، نسبت به حزب و کمیسوری که نقش کلیدی در گرسازی سازمانها و سیاست بین المللی و افزایش اعتبار و حیثیت بین المللی

و نفوس سوسیالیسم ایضا کرد و میبکند بر اعتمادی بوجود آورد . بدین ترتیب هدف آزادی و ساختن آگاهی اجتماعی مردم باطنی سوئیسم ، برای آنست که زمینه اجتماعی گاهش تشنج را در کشورها و سرپایه داری ازین ببرد ، در جنبه مشترک مبارزه بر ضد ارتجاع و خطر جنگ که امروزه در آن کشورها و سوسیالیسم ، طبقه کارگر جهانی ، نهرهای آزادی و مبارزه را در پی بخش ملی متحد شده اند تفرقه اندازند و با افروخته توجیه محضشان را از بحران همزمانی که در سوئیسم سرپایه داری را فرا گرفته و نظیر آن در تمام دوزخ بر این جنگ سایه افکنده داشته منحرف سازند .

سوئیسمی که در این کشورها و این منطقه با رزاین است که گاهی سوئیسم و مخالفت با گاهش تشنج از هم تفکیک ناپذیرند . در یکن ، برخلاف پایتخت برخی از کشورهای غربی ، اینطور جلوه نمیدهند که گاهی سوئیسم گویا مربوط به جنبه مبارزه با دولتی و مسائل ملی جنگ و صلح ، مربوط به رشته و گریه می نماید . در اینجا دسته بندی ضد شوروی آشکارا با اقدامات ضد بد برای همه مردم گاهش تشنج و پشتیبانی همزمانی از مخالفان آن در اروپای غربی و آمریکا و فشار بر آن رجال با نفوذ و نمای بیرونی ، کمترین دارند واقع بین باشند و در کشورها سازند و برای تحکیم امنیت همگامی شرکت میکنند ، در هر جا محخته شده است .

رویدادها در این همه زمینی با سلامت سازمان کشورهای داری نظام اجتماعی گوناگون آغاز شده است . تا حال کارهای بی مورد حرکت است . رهائی خاصیت بین المللی از همه سوئیسمی خطرناک از خصمات قاطع سیاست جهانی در سالهای ۷۰ کردید . ولی اظهاراتیکه ، سوئیسم در شورویها پشت سر نهاده شده است پس هنگام است . برای آنکه گاهش تشنج استوار بر راه پیشرفت بر حرکت و بدون وقفه بگذرد و در هر چه که پیشرفت سازند ، در امور و برام و شکستهای بسیار و قاطعیت در شرایط بحرانی نیاز است .

در چهارماد کنونی آورنده در راه گاهش تشنج ، بخش قاطع بجهتد ، خلفای کشورهای با هم و کشورهای سوسیالیستی و سیاست خارجی ، هم هنگام ، هدف نمند و بر حرکت و دلشهای آنها است . محیط و تکامل آتی عمومی صلح که در جریان تحقق برنامه صلح و صوب بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی آغاز کردید و مورد پشتیبانی دیگر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و تمام اقشار غربی قرار گرفته و نیز هوای دموکراتیک و صلح دوستی جهان حاضر برابری تثبیت و تصویب موافقت های گاهش تشنج تجویز میکند و آبان را پس بر جنبه همگامی جهانی در راه و در گسار و سیاست بین المللی بر پایه اصول لنینی ، همزمانی سلامت کمونیست های داری ، نظام اجتماعی ، متضاد می افتد .

ماتویستها در افریقا خود را افشا میکنند

آیات دانسوک فراسویب باخاند

ره د های آنکولا روند تا کزیر تا ری مریند ی هر چه میقتیرمان نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه افریقا و نیز هوای ارتجاعی افریقا و محافظه کاران محلی و محافظ نواستعماری را تسخیر نمود . این رویدادها نیروی محرکه بر توتانی به جنبش ضد امپریالیستی کشورهای این قاره بخشید . در جریان یکبار در سرزمین آنکولا افریقا پیشروشن و آشکار دیدند که در مرصه بین المللی چه کنی با روش قاطعی و بیخس دشمن سوگند خورده آنهاست . بطلان تصورات خواهی نسبت به نیروهای معینی در مرصه بین المللی که خود را بجای مبارزان راه آزادی خلفا و علیه امپریالیسم جا میزنند ، تشدید شد . اینجاد در رج اول سخن درباره ماتویست ها است . سیاست آنها در قاره افریقا و نیز به توجه به رویداد های آنکولا بار دیگر نشان داد که ماتویسم در راه حیات به مبارزات انقلابی و رهائی بخش تاجه حد پیشرفته است . از آن هنگام که در اواسط سالهای شصت یکن " اصول پنجگانه " سیاست چین در افریقا بارایی یعنی بر پشتیبانی از مبارزه ضد امپریالیستی و جنبش کشورهای غیر متعهد ، حمایت از تبادل و کوشش خلفهای افریقا برای وحدت و صلح و هت آنان برای حل اختلافهای بین کشورهای از طریق مسالمت آمیز اعلام نمودند . از آن که در این حال حق حاکمیت دول این قاره را محترم بشمارد ، پیش از آنکه سوال سیری شده است . اینک زمان آن فرا رسیده است که هشداراته بیبینم تحقق این اصول در واقع بچه شکل بوده است . واقعات غیر قابل انکار گواه آنستکه رهبری ماتویستی از همان آغاز توسط نفوذ خود افریقا سازا یکی از زحله های سیاست بین المللی خود میدانست که هدف آن زیر نفوذ یکن در از آن مناطق معیش از آن زمان برای ارتقاء و باطو کامل بود . ماتویست ها در افریقا استراتژی ایجاد نقاط اتکا را کاستند و در نتیجه اول توجه خود را به کشورهای بزرگ زایر ، تانزانیا ، زامبیا و برخی کشورهای دیگر معطوف داشتند .

نفوذ در این کشورهای افریقایلی طبق معمول زیر پرده اظهارات مواظفیهانه در ساره پشتیبانی همزمانی از جنبشهای بخش تحقق میافت . این را که چنین " پشتیبانی " در واقع امری محض و ظاهری داشت اظهارات ماتویست ها در همان سالهای ۶۰ در کنفرانس بلژیک سابق نشان دادند . زبان های زاکه یکن پشتیبانیهای رهائی بخش این کشور افریقایلی صمیمت زده وارد آورده دشواری میتوان تعیین کرد . پس از نقل و تحولات با تریس لوسویبا ماتویست ها موفق شدند عده ای از طرفداران وی را بر او و روش افراطی بکشاند . بکویا مشاهده ترویج عدم اعتماد نسبت به کشورهای سوسیالیستی و مشیم کردن اتحاد شوروی به تسلیم بی قند و شرط از طرف افریقا و لوسویبا که جنبش بیرونی لوسویبا را بر نظارت خود قرار دهد تا بهرات سوسیالیسم بجهت ها و نیز در این هیئت جنبشی کرد بد که زمانی بسیار زیر روند بود . یکن در تمام این مدت ، بکویا تلاشهایی برای جذب عناصر میمن پرست افریقایلی بسوی خود ،

تاکید متحد شدن با گروهها و سازمانهای ضد خلقی خلق را بکار می بست . پکن مدت مدیدی در تالیسی
از " اتحاد ملی جنوب باختری افريقا " (سوازو) حمایت میکرد و در حال انقباض است . سازمان
ملی جنوب باختری (سوازو) امتناع میورزید . با وجود اینکه بعد ها رهبری چین ناگزیر شد (سوازو)
را بر مسند بنشاند ولی اقدامات خرابکارانه مائوئیستها در پیشرفت های بیخفتنای بی قطع نیستند :

پکن در جمهوری آفریقای جنوبی همشکست خائنه ملی که مورد توجه خاص مخالف امپریالیستی هستند
مکنی شد . منظور ما لنگره پان افريقائی است که طبع کنه ملی افريقا رهبر جنبش ملی رهائی بخش مسده در
این کشور اقامت میکند . اکنون متجاوزان دلسال است که مائوئیستها به ضد کمونیستها مرتدین گرد آمده در
کنگره پان افريقا تک سیاسی و کمکهای مالی سرشار می کنند . هم آنها خاقان کنگان با اصلاح کمونیست
انقلابی موزامبیک (کورو) را مورد پشتیبانی قرار دادند و آنها بر ضد میهن پرستان (فرانسوا) برانگیختند
قول و قرارهای پکن در مورد پشتیبانی از جنبش کشورهای غیر متحد که تقریباً همگن در راه های افريقائی
در آن شرکت دارند حرفهای بیچ و میان تپسی از آب درآمد . مائوئیست ها با رشد و گسترش این جنبش پسر
مبنای امپیل ضد امپریالیستی آن مخالفند و تلاش آنها تنها در آن نیست است که کشورهای افريقائی را به
حیطه نفوذ خود در آورند .

مائوئیست ها خود را مساند نیروی مخالف واحد ضد امپریالیستی خلقی افريقا نشان دادند .
مائوئیست ها در این قاره سیاست انشعاب و تفرقه را اعمال میکنند و میگویند جنبه کشورهای شرقی در این قاره
را متلاشی سازند . افريقائی نیرومند شرقی برای پکن که هدف تلاش در راه فدایی سطره جهانه خویش
است مطلوب نیست . مائوئیست ها با برانگیختن اشتها شاد داخلی در کشورهای افريقا و استفاده از اقتصاد
های تکیه ای بمناوین گوناگون روحیات و جنبشهای محلی تجزیه طلب را تشویق میکنند . پشتیبانی آنان
از تجزیه طلبان " بیا فرا " نتیجه یکی از برجسته ترین نمونه های چنین روشی است .

کلا و بر اینها پکن طیرم اطمان های پرآب و تاب در مورد آشنی ناپذیری خود نسبت به نژاد پرستی
در افريقا مانند نادری " جنگ نژادی " میان جهان سوم " و " جهان سلفی و پستان " عمل کرد .
مائوئیست ها آشکارا نقش مورچین ارتجاعی ترین و خرافی ترین اندیشه ها را بعهده گرفتند . رهبری چپ ست
ضمن حلقه به اشتراک سوسیالیسم و مواضع طبقاتی ضد امپریالیستی این هدف را متعقب میکند که ایدئولوژی ارتجاعی
ملت گزائی ، نژاد پرستی و سوسیالیسم را در کشورهای افريقائی رسوخ دهد . همکاری های روز افزون مائوئیست
ها با نژاد پرستان افريقائی جنوبی در زمینه این اقدامات آنها دیگرانقدر راه ما هم شکست آورند . این نیز
عیادت نیست که همین پکن اکنون نیات توسعه طلبانه پرتوری را تشویق و ترغیب میکند و به اصطلاح از سیاست
" تشنج زدائی " رژیم فوئستر (۱) پشتیبانی مینماید . مومکبری مائوئیست ها نسبت به آن " سیاست
در واقع همان است که مخالف امپریالیستی آنها کرده اند .

افريقائی تفرقه خواه و مکزاتیک بنایه تجزیه خود کرده است که اتحاد مائوئیست ها با امپریالیستها
در صلح چه معنی است . خلا اگر فقط به نوشته های مطبوعات پرزوازی مائوئیستی در مورد بودا ایدئولوژی
آنکولام نظری افکنده شود حتی خواننده کم اطلاع هم به آسانی به " اتفاق کلام " شکست انگیز میان این
اعظارات با رزنیاییهای میرد . هم این وهم آن را لایق طراز " مد اجله شوروی " و " استعمار شیوروی
د مبرزند و به اتحاد روش خشونت آمیز علیه اتحاد شوروی دعوت میکند و برای تشنج زدائی " فاحه " مسنی
خوانند .

پکن نیز مانند امپریالیستها برای اتحاد با رزمیهای مخالف افريقائی اهمیت بسیاری قائل است . با

۱ - رجوع شود به " آفریقا " " تشنج زدائی " که شیوه فوئستر منط " متشکل تشنج و سوسیالیسم " شماره ۲
۱۹۷۱

این عمل مائوئیست ها آگاهانه و با خونسردی برای آن نیروها سازمانهای مخالفی که تا چندین سال پیش
آنها را مبارز با امپریالیسم حاکم تشویق میکرد ، خطرگرایی ایجاد کرده اند . طبق اخبار برخی از
راگسترهای مطبوعات مائوئیست دین اظهار داشته است که پشتیبانی از جنبش نیروهای " اشتباه " بوده
از سنتی ویرای چین " بسپارگران " تمام شده است . خلا مائوئیست ها حتی از پیشوایان علیی زماغاسل
معنی در قبال پشتیبانی خود از طرفداران لومومبا فرگذا رنکرده اند و مخالفان " حسن نیت " خود
و استحکام مناسبات خویش با رزمیهای رسمی ، حتی به انحلال سازمانها نیکه تاد پرز مالا در کامیون ،
تجزیه ویرخی کشورهای دیگر را زود احوالیت میکردند . رعایت دادند . هم این اقدامات گواهی سیاسی
پرسنوی کامل میستنداران چین است که پیرو نظریات مائوئیستی بر اگاتیکیش پسرمانه ای هستند .

اکنون در مقابل امپریالیستی و مائوئیستی گرایش آشکاری به واگذاری " محیط وسیعترین شرایط
مساهد متقابل " بیکدیگر در تحقق اقدامات مشترک تبلیغاتی و سیاسی مشاهده میگردد . تبلیغات
بیخروای بیرو قاره افريقا مائوئیسم را تیره میکند و صیقل آن میرد از و دین ترتیب به پکن در تلاش
های جهت تحکیم واقع خویش در این قاره خدمات زیادی میکند . مائوئیست ها نیز متلاش با دین خود را
ادام میکنند . پکن ضمن تلاش برای معتقد ساختن کشورهای افريقائی به لزوم متحد ساختن روابط اقتصاد
و هرگز نه روابط دیگر با اتحاد شوروی ، در بین حال برای رشد و گسترش همه جانبه روابط میان " بسا بازار
مشترک " واقع قاره دارای ماهیتی نو استعاری از است تبلیغ مینماید . اتحاد مائوئیسم و امپریالیسم
در آنکولام برجسته دیگری بر این است که پکن از اقدامات رنجهای ترین مخالف امپریالیستی که مایه
نیروهای تفرقه خواه و رسپاری از مناطق حیوانی و توطئه و تخریب می برد از نژاد بطور منظم میگویند شپاشی
میکند . در قلعنا به کمیته مرکزی حزب کمونیست افريقائی جنوبی خاطر نشان شده است که " مائوئیسم
خود را مانند سیاست خطرناک ضد کمونیستی ، ضد شوروی و طرفدار امپریالیسم فاشیست میبندد . این
نکته را تادرب بسیاری از کشورهای در حال رشد مانند شیلی ، بنگلادش و غیره تأیید کرد .

پایه اتحاد مائوئیست و امپریالیستی کین شوروی نسبت به اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه
کشورهای سوسیالیستی است که ارتجاع امپریالیستی چپ گرایان وجود آنها را مانع صده در راه تحقق
سیاست خود در افريقا در یک مطلق جهان بند اند . با توجه باین موضوع لیه تفرقه امپریالیست ها مائوئیست
ها متوجه اتحاد نیروهای سوسیالیسم آزادی ملی است .

مایل است که پکن صراحتاً میگوید خلقهای افريقا را از متفقین مطمئن و قابل اعتماد آنها در درجه
اولی از اتحاد شوروی در سازد . مائوئیست ها برای نقشه های دامن زدن به تبلیغات ضد شوروی اهمیت
خاصی قائلند . چه در نظریات مبتذل " ابر قدرت " کشورهای " فقیر و بی " و غیره به این هدف ها
تکیه میکنند . مخالف تبلیغاتی پکن با تبلیغ اندیشه مضمون از ملت گزائی و نژاد پرستی " وحدت کشورهای
فقیر " و غیره پکن است . جهان سوم که مائوئیست ها همین سوسیالیستی در حال رشد هم جزو آن بشمار
میآورند " اتحاد شوروی را " دشمن درجه اول " اعلام مینمایند ، زیرا بقیده مائوئیست ها گام امپریالیسم
جلا خطر زدن آن بجهت بیخار نسورد .

زمانه داران مائوئیست پکن از ابراز هرگونه دروغ و تبهت و افترا نسبت به اتحاد شوروی در مخند ازند
باید گفت تسبیح توکوان " جزو ابرازها هر چه چون در مجلس نیافتی که به اقتضای بد اعتقاد بد اعتقاد است و نیز از
جمله یکتوده ای چین ، در پکن ترتیب داده شده بود ولی نطق خود که مضمون از آنها مات خشن و نسا
هناجر ضد شوروی بود . گوییم سبقت را در این زمینه از همگان برود . تسبیح توکوان خواهن سخنان خود پر ابرامون
حوادث آنکولام " بیخار " مضمون آنها مات و سازگوشی های پکن نسبت به اتحاد شوروی ضد افروزد ، زیرا
پکن تلاش دارد بدینوسیله مائوئیست ها یعنی پهران سیاست مائوئیستی در افريقا را که در سراسر قاره سا

و بدین وجه اول، بی‌شکایت مواضع جمهوری توده ای چین در آنکولا مورد انتقاد است، استعمار می‌باشند، رهبری مائوئیستی، کسب نفوذ خرابکارانه خود را با سیاست امپریالیستی و تئود پرسیان افریقای جنوبی هماهنگ ساختن و تشکیلاتی، سازمانهای پوشالی، ف. ان. ال. آ. و لوتیلا، کومپارت این دو سازمان، هلدن و ریتر و ساچمی بی را بجمعه گرفته است خود را رسانند ضمن خطبای افریقا کلاماً متضاد مباحث

چهره آوری مائوئیست ها از طرف اکثرین دشمنان استقلال آنکولا در حقیقت بمنزله نقطه اوج خسود رسوائی سراسر میسّم شیوه های است که یکن در مبارزه علیه نیروهای انقلابی اصل چینیهایی رها نشی بخش بگام میرسد تاریخ این خیانت را با زبانه های شصت شروع میشود رهبری جمهوری توده ای چین از زمان نوبت نیست به پیشا هنگ خلق آنکولا جنبش خلق جینش خلق جینش آزادی آنکولا (پ. ال. ال. ال. ال.) موضوع خصمانه آن اتحاد نمود " دولت باصطلاح انقلابی آنکولا در خارج از کشور " برپا میسّم هلدن ریتر و مزد حسن نظر خاص یکن قرار گرفت در زمین حال مائوئیست ها تلاش میکردند " م. پ. ال. ال. ال. را از داخل متلاشی کنند آنها از طرف اگرات مذبحخانه و انحلال طلبانه دبیر پیشین امپریالیستی اینست جینش خلق آنکولا که بعد ها به ریتر گردید پشتیبانی میکردند بدین سبب نقش نگارانه کومپارتیسی مائوئیست ها در آنکولا قوت مندانه بر زمینگی گشته آنها رفته و نمود کرده است

هلدن ریتر و خود ستایانه اعلام نمود " همه سرازان من بوسیله جینش ها آموزش دیده اند " " هرگز بر این باور جینتی نباید بود نقد و شرطه یکن تک میکند " تا به امروز هم بر این نظامی ایالات متحده امپریالیستی جمهوری توده ای چین گروه خائنین علی را تعلیم میدهند و فعالیتات آنرا علیه تمام آنچه نیک و پسندیدگ است بر سر نهادند نهایی همین پرستانه در جنبش رهای بخش این کشور هدایت میکنند کینه سرکشی حزب افریقای استقلال سنگال با نزد هم نوامبر سال ۱۹۷۵ علی اعلامیه ای نگارین عقب خود را بیانشیت اقدامات اتحاد مائوئیست ها و وسیله در آنکولا ابراز اشت و این توطئه کند علی راننگه آونیشما را آورد

در نتیجه های مائوئیست ها در آنکولا طوفانی واقعی از خشم و تفرقده قاره ما برانگیخت متضاد ترین رهبران رژیمهای انقلابی سه موکراتیک افریقا مواضع رهبری چین را مورد انتقاد شدید قرار دادند اهالی آنکولا نیز رهبری چین را بصیقا محکوم میکنند آگیشیونستو رئیس جمهوری آنکولا ضمن انتقاد موضع یکن اظهار داشت چین در وجهه دشمنان دولت قانونی جمهوری قرار گرفت شناسائی بین الظلی گرفته جمهوری توده ای آنکولا و هم جرمه از طرف اکثریت قریب با تخاف کشورهای عضو " سازمان وحدت افریقا " و در آمدن آن بعضی این سازمان گواها نمس که یکن در مسئله آنکولا تا چه اندازه منفرده شده است کفران بین الظلی فوق العاد مهمیستی یا با ره خلق آنکولا که در آغاز ژوئیه سال ۱۹۷۶ در بنیاد تشکیل یافت و شخصیت های اجتماعی و سیاسی برجسته بسیاری از کشورها و ویژه کشورهای افریقای در آن شرکت داشتند وجهه و نظر کلی مخالف اجتماعی مترقی جهان را نسبت به سیاست خرابکارانه و کسین ا بر این باور داشت شرکت کنندگان در این کنفرانس ما نورا مائوئیست ها را شدید محکوم کردند و آنها را مانسیب اقداماتی که با منافع جنبش رهای بخش علی میسّم مغایر است افشا نمودند کنفرانس لوآند در میان نه اصل خود مائوئیست های یکن را که در مواضع دشمنان خلق آنکولا قرار گرفته و " اتحاد فرمادی " بسسما تئود پرسن افریقای جنوبی " هیلتا ریسم ایالات متحده " امیکادوست نشاندار آنها بیوسه اند " محکوم نمود

برای یکن ترویج و اشاعه اندیشه ها هلدن را فریاد روز شوارتر میسّم " ج " نیروه رئیس جمهوری تا تزانیا علی صاحب خطبواتی در ژوئیه سال ۱۹۷۵ این امکان را که از روابط اقتصادی با چین بستاری تاثیر در هائی معنوی و سیاسی کشور استقامه شود ایدارد نمود درکنگه تانزانیا جمهوری کیمسسه

به کار تسان نظامی چین اخلال رفته است که فعالیت تبلیغاتی در ارتش قدین است جریان تنکسر شدن میدان فعالیت و نفوذ یکن شدید میگردد اتهامات و حملات مائوئیست ها علیه اتحاد شوروی و کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی اینک در قاره ما با پاسخ های دندان شکن و موثر روبرو میسّم در قاره ما هم بسیاری از مخالفان حکومتها و کشورهای همجناقی افریقا این اقدامات را محکوم میکنند این موضوع را بیوزر با توجه به نمونه آنکولا بخوبی میتوان مشاهده کرد " ستوره رئیس جمهوری کیمسه خاطر نشان نمود که پیروزی سیاسی و دیپلماسی " م. پ. ال. ال. ال. " به برکت کمکهای قاطع و موثر مادی و نظامی و دیپلماسی ای که قبل از همه از جانب اتحاد شوروی و کوبا برده آنکولا رسانده شد امکان پذیر گردید تمام مخالف اجتماعی ترش خواه افریقا ضمن توافق با این ارزیابی اهمیت پشتیبانی کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی برای مبارزه رهای بخش هم تاکید میکنند " لئود ونا سیمتسو نخست وزیر جمهوری توده ای آنکولا میگوید من حتی یک کشور هم در افریقا سراغ ندادم که در مبارزه علیه اشکها و امپریالیسم انشعباتی اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی برود ارتشده باشد در کشورهای منطقه ما نیز مانند همه جا آگاهی بایسکه کرایش معدنزدگی بین الظلی عیارت از استحکام مبعترت افریقا مقابل نیروهای انقلابی معد جهان است روز روز بیشتر میشود

رهبری مائوئیستی در بزمانی است یا ما کرسیس بد لنینیسم قطع ارتباط کرده است یا سباحت تفرقه افکن و خرابکارهای اید تئودیک به جنبش کومینستی جهانی زیانهای سنگینی وارد ساخته است یکن اکنون باز دیگر خود را افشا میکند و حوادث اخیر همید است : جهانیان همه دیدند که یکن شه تشابهاغف سوسیالیستی سبیطیکارگر بین الظلی بلکه نسبت به منافع جنبش رهای بخش علی هم خیانت کرده و با امپریالیسم و تئود پرسن در یک جبهه قرار گرفته است

تشدید زور افزون بیداد و ستم بعضی از منکلمات عهد و اوضاع سیاسی داخلی است . دولت در سال ۱۹۷۵ قانونی را گذراند که بموجب آن فعالیت احزاب متحد و دموکراتیک ، ابتعا ، البشیه سخن بر سر سازمان گنگا که یک سازمان تروریست دار است نمی باشد . رژیم به پیشروان خود میگوید که آنها اجازه فعالیت آشکارا در هند و فعالیت دست سازمانندهای گوش برقران خویش مبدل کند ، این احزاب اینک طبق قانونی که تصویب رفته است مکلف اند مقررات رسمی را بپذیرند خود فرار دهند .

دولت نسبت به زندانیان سیاسی بویژه با خشونت رفتار میکند . بیش از ۱۰۰ هزار نفر از افراد مینهن پرست و مبارزان بر علیه امپریالیسم بدون داد و رسمی و بیگردد در زندانها وارد و گاههای کار اجباری بسمیرند . آتیاد رواقع بهرگز تذیحی و عذاب آوری محکوم اند . بهر حال زندانیان سیاسی افزون میگردد . شکنجه و تضییق و فشار شدت می یابد .

رژیم نظامی در تمام فعالیت های ارتجاعی خویش کوشش بزرور سزیه است از پشتیبانی امپریالیسم برخوردار است . این وضع را در رشته سیاست خارجی نیز آشکارا میتوان مشاهده کرد . درین قبول و تراضیهای بیچارهانه مخالفان حاکمه در اروپا و اداری بعضی عدم تمهید شناختی که در ماهیت امر سیاست طرفداری از امپریالیست ها است نهیقت است . برکنی پوشید تمهید که برپزد نت سوار تو پرازانکه خلقهای ویتنام ، لاوس و کیمبوج به پیروزی تانخی بر امپریالیسم بانق وصال آن نایل گردیدند ، بهشتاب خود را به ایالات متحده امریکا رساند و خواستار کمک نظامی بیشتری گردید و حفیوز نظامی امریکا در جنوب شرقی آسیا را رزم شروع . بعد ها به پرا ز اعلان " کمترین جد بد اقیانوس آرام " برپزد نت فورد بویژه آشکار شد که در این قضیه چه " غاصب مقابل " صقی میان جا کارتا و واشنگتن وجود دارد .

مض سیاست خارجی رژیم نظامی در منطقه ما با تغییرات شتی که در اینجا آغاز گردید ، مانند ازهم افتادن کامل سکتو ، آغاز بیرون رفتن واحدهای نظامی امریکا از تایلند و رشد همه گراخوان روهیه ضد امپریالیستی ، عمقا در تعداد است و این رژیم ضد خلقی در واقع برخلاف چیز زمان رفتار میکند . تجاوزات و تیزی بر علیه تیمور شرقی بهترین دلیل در اثبات این مدعا است . جا کارتا رسمی و دولتی از آغاز استعمار زاری در این سرزمین متعلق به برتقال نسبت به جنبه ستم پریشتر فرتلین (Fretlin) که از طرف مردم پشتیبانی میشد ، موضعی آشکسار داشته است . اشغال کرد و از روی ویتنام برقراری حکومت سترقی ضد امپریالیستی در آنجا فوق العاده متکرار شده بود . چنین عقیم اندازی پنهان اندازه باور کثرت مخالف امپریالیستی رهبر میگردد . مشکل بتوان این واقعیت را که تجاوز ۷ دسامبر سال ۱۹۷۵ دوازده ساعت پرازد پرازدی سوار تو و تیزور انجام گرفت ، تصادفی بشمار آورد .

تجاوزات و تیزی به تیمور شرقی با اشغال کردن آن آشکار حق مردم آنجا در تعیین سرنوشت خویش و استقلال آنها است . این تجاوزات انکارناامدی جهان با طاعت محکوم کرد . مخالف حاکمه اند و تیزی با اشغال بعضی از سرزمین های این کشور و تشکیل یک حکومت دست نشانده در پایتخت آن دلیلی است به جنایت تازه ای بر علیه ملت تیمور شرقی زنده ، مطنی کا زاد بخوای و مخالفت با امپریالیسم از مخالفان اتی است . اما آنها موفق به درهم شکستن نیروی مقاومت همین پرستان تیمور شرقی نشدند . کمونیست ها مانند تیزی این تجاوزا بحدت محکوم میکنند و خواستار محرمتر شدن حقوق مردم تیمور شرقی در تعیین سرنوشت و استقلال خویش اند . آنان برای اینکه رژیم قطنامه عسری امنیت سازمان ملل متحد را (دسامبر ۱۹۷۵) در تاز به خروج بلاد رنگ تما نیروهای اند و تیزی از این سرزمین بموقع اجرا گذارد به بارزه خود ادامه میدهند و در این راه احیای حیثیت و اعتبار اند و تیزی ، در مرصه بین المللی

راه پیروزی بر ارتجاع

ماتی با جا سورمان
عسور هیری حزب کمونیست
اند و تیزی

بیش از ده سال است که در اند و تیزی خود کامگی سیاسی حکمرواست . بسیاری از ستاد و های انقلاب ملی که به بهای قربانیان زیادی بدست آمدند ، بود با پائل رژیم نظامی شده است . امپریالیسم و متحدین محلی آن یعنی مالکان و کسبراد و رها موفق شده بود مواضع خود را در اقتصاد و زندگی اجتماعی کشور احیا کنند . گرایش به تبدیل اند و تیزی به کمپوزی نو دستمخاری آشکارا نمایان است . در نتیجه سیاست " درهای باز " که از طرف مخالف حاکمه اعمال میگردد سرمایه گذاری شرکت های چند ملیتی در اقتصاد اند و تیزی ، تشدید در طرف سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۲ به بیش از دو میلیارد دلار و رسید (۱) . قاعد قانونی بی اند و تیزی به لبرال سرمایه گذاری بدین شرکت ها امکان میدهد . بلا مایع شروتی با طبیعی مارا غارت کنند و شرکا روهیمت مردم را به خود اختصاص دهند . هیئت حاکمه با کمپوزی در راه بروی کمپانی های چند ملیتی وابستگی اند و تیزی به اقتصاد سرمایه داری جهانی را تشدید میکند و بدین ترتیب آنرا به گرداب دشوارترین بحران ها می کشاند . بهای اشیا ضروری اولیه در کشور بمرسوت بالا میرود ، تورم و بیکاری شدت در افزایش یافته است (در زمان حاضر در اند و تیزی ۶ میلیون کاملاً بیگانه و ۱۵ میلیون نفر به نیمه بیگانه وجود دارد) و اجازت ورشکستگی صاحبان کارخانه های محلی و بازرگانان را یکی پس از دیگری بر میگردد . بحران خونبار هم برانجا افزون میگردد . کسری عظیم بروج و شکرمورد نیاز را باید با وارد کردن آنها از خارج جبران نمود (۲) . نسی از جمعیت ۸ میلیون جزیره جاوه در کسری مزمن بسر میبرد .

بدی دولت به کشور های امپریالیستی افزایش میدهد . اگر بزران این بدی به کسری سوسی که در سال ۱۹۶۶ از طرف این دولت تشکیل گردید ۴۰۰ میلیون دلار بود ، در سال ۱۹۷۵ بدی تقریباً به ۵۰۰ میلیارد دلار رسید . کشور ما با تها بیت ریح این ترفوش در ساله ۲۷۵ میلیون دلار بدین کشور ها باید پرداخت کند !

- ۱ - انحصار داران خارجی بطور عمد در رشته هایی که سرمایه زیادی نیازمند است (مانند صنایع استخراج معادن و صنایع تهیه چوب) فعالیت میکنند . در صنایع سبک ، تولید در رشته های کارهای حرفه ای و صنایع دستی سرمایه های داخلی بکار انداخته میشوند .
- ۲ - طبق آمار رسمی تشدید در سال مالی ۷۵-۱۹۷۴ اند و تیزی یک میلیون و شصت تن بروج ۲۰۰ هزار تن قند به بهای ۵۷۵ و ۴۰۰ دلار برای هرتن بروج و قند وارد کرده است . میزان کود وارداتی در همین مدت ۱۳ میلیون بوده است . وابستگی اقتصاد کشور ما به بازار سرمایه داری جهانی در شرایط کمونی بالا بودن بی اندازه قیمت کالا های وارداتی بویژه اثرات منفی خواهد داشت .

رهشود آسانست - مار و عین حال بدین نیکه و توف کاپیل در پیج که اجماعی کامل جنبش و اعتراضات و نیز در عرصه بین المللی شنیده می شود. صیور است که همین طرز دید و بند های نو استعمار را آزاد کرد و به بعد از گری های ارتجاع ، خرابی و زواریزون اوضاع اقتصادی و وضعی طرفداری از او برین است که تقریباً نشانیان جاکم بر او مکتوب در میان می کنند طلب اصلی ناراضی ، فرزند به مردم و پیش پند فعالیت نیروهای است که با رژیم مخالفند .

بعقد حزب کمونیست اند و نیز اینکه در کشور وضع تازه ای بد بد می آید که بدینستین صالی های بحکومت رسیدن زوال ها نمیتوانست بوجود آید . در آن دوران در کرگمراهی افتد اما ت و بیاتوار ضد کمونیستی با قاعده اند کردن خود بمنزله "رهانندگان" همین از پیج کمونیسم "هنوز به فریب سواره لوچان و پنهان کردن ماهیت ضد خلقی جاکمیت خویش در زیر این هایت موفق میشدند . ولی خود زندگی نقاب از روی افراد مرتجع برگرفت .

نیروهای مخالف رژیم در این اواخر فعالیت خود را تشدید کرده اند ، بسیاری از جامع وسیازها به ایختماهی خواستار بهبود شرایط زندگی اند و رشوه خواری و کلاهبرداری را که برانضه گسترده ای یافته است محکوم میکنند (۱) و آنها به فرمانروای اجناسهای امپریالیستی خارجی اعتراض نمودند و در سنگ و چاکه رانگوشن میکنند و خواستار احادی و موزکاس در کشورند . نیروهای اینجوسون طبقات و قشرهای مختلف جامعه را در بر میگیرد که کارگران ، دهقانان ، جوانان و دانشجوسان و دانشموزان ، روشنفکران و مردم بدین اوجوشن بخش از نظامیان از جمله آنهاند (۲) .

در سنده تازه حزب مباحث عنوان ، " در راه دموکراسی ، عدالت اجتماعی و رفاه مردم " خصوصیات ایسانی اوضاع کنونی تشریح کرد بد و آرایش نیروهای طبقاتی که اینک بدید آمده نشان داده شده است . در این سند پیدایش "جانان تغییراتی که بسود وحدت و دموکراسی است " قید کرد بد و ایست بد و نتیجه میبششدین فاصله و تضاد فرزند به میان طبقات و قشرهای اجتماعی و زواریزون تریبشود که بد و رواج امری کمسانی پشیمان رژیم وجه کسانی از مخالفان آئیند . صفوف گروه اول هرچه کوچکتر و وسع و در تروان چاکه در کم گسترده و استوار تر میشود . پایه طبقاتی حکومت موجود هر چه متزلزل تر میگردد و درست است که این رژیم نظامی هنوز با جان نیروی مخالفی که قادر بر سرنگون ساختن آن باشد و سرور نیست . نیروهای همین پرست و دموکرات تازه قدر را دست میبکشند و هنوز متفرق و پراکنده اند ، بد گمانی های متقابل میان آنها هنوز بر طرف نشده است و حتی نشانهای از شستی باقی است . ای که کمونیست ها بر این عقیده اند که زمان آن فرا رسیده است که تمام همین پرستان و دموکراتها این را بد و لایکنندگی دشمنان اند و نیز یعنی امپریالیسم و رژیم نظامی که حکومت را در دست دارد و بر تفرقه میبکشد کنی نیروها مخالف بد بنفع اند .

حزب ما میگوید بد گمانی و دشمنی دیگر بر است ، وقت آنست که همین پرستان بر طبقه بد یعنی که اگر چه هنوز نیرومند است اما بر سرانجیب ضعف و انحطاط افتاد است و بد گمرد . راه پیروزی بر اعدا

۱ - رشوه خواری میان اشرافیان رئیس جمهوری و کسانی که با محافظ حاکمه و شرکتها ای ولتی و کمسانی های متوقف مربوط اند نیز رواج دارد . یکی از کارکنان بلند پایه اند و نیزی گفت : " ما میدانیم که رشوه خواری باعث سقوط دولتهای دیگری در آسما شده است ، ولی ما قادر به جلوگیری از آن نیستیم . رجوع کنید به :

"International Herald Tribune" 3 January 1976
 ۲ - در باره میثاق ناراضی از رژیم در طبقات و قشرهای کنونی اهالی رجوع کنید به مقاله س . سورمان (ساختار حکومت و مسئله اتحادها) " مسائل صلح و سوسیالیسم " شماره ۱ ، سال ۱۹۷۶ .

جنبه موجود شملی است که کارگران ، دهقانان ، جوانان ، کارمندان ، روشنفکران ، موزکاتگان و پیروانی ملی و بد همین ، سبهازان و افسران سپهن پرست را در وجود متحد گرداند . وجود شتیان نیروهای سپهن پرست از آنرو ضرورت مرهمبدل شده که بد بطوریکه بدید میشود هیچ نیروی وجود ند اید که میتواند شتیان بر حکومت ارتجاعی طبع کند . این موضوع در سنده تازه حزب ما هم آمده است .

حزب کمونیست اند و نیز در حال حاضر در شرایط کار فزاینده ای عصب بر سر میبرد . این حسنرب بالتمام بخشیدن به جدا شدن کنی کار فزاینده ای ارتجاع بد آن وارد گرد بد و بارهایی با شتی از سبب مافوقست ها که در شکست و تار و مار شدن حزب مانگه مایع میبده دارند ، تازه بهیاخته و سبب و سبب میگرد . اگر چه حزب کمونیست اند و نیز هنوز بقدر کافی نیرومند نیست ، در مبارزه رهائی بخش نش پشتر از اینا میکند . این کمونیستها هستند که با قاعده ایت هر چه بیشتر و بر میگردد حکومت کونس و امپریالیسم مبارز میکنند . دشمن نیز سنگین ترین صدمه ای خود را در مستقیمه کمونیست ها میکند .

ولی فشار ارتجاع قادر به درهم شکستن انقلابیون نیست ، تشدید فعالیت جنبشهای توده ای در سالهای اخیر امید های تازه ای بمانیخشد . با قاعده کارگروه هتانی نیروی محرکه عده انقلاب مسا و عیارت و تیرگی جنبه وحدت شلی خود هستند . این عیارت که از لحاظ تعدد در شمارترین باقیات جامعه اند و نیز است پیش از سایر طبقات و قشرهای اهالی مورد استتار قرار میگیرد .

حزب ما معلوم و مشخص کردن دقیق اصولی را که پایه آنها میتوان وحدت را بنوعی آورد ضروری میدانند . اول بدین جنب که جنبه پایه بد صوری رهبران را در طبیعت همین پرستان و وابسته به جریانهای گوناگون سیاسی وایدلولوژیکی که بر سرحد فبا ووا ایست مبارز مشترک بتوافق رسیده اند باشند . از این بر استقلال سازمانی وایدلولوژیکی شرکتکنندگان در آن شرط لازم تشکیل : چنین جنبه ایست ، تا نهایت برسد در سنده تازه حزب کمونیست اند و نیز تاکید کرد بد مسئله رهبری جنبه رانیا بد شرط شرکت در آن قرار داد . مسئله رهبری باید در جریان خود مبارزه با دشمن حل گردد و آنچه حزب ما میبوی میشود این است که رسالت خود را بمنزله فعالترین و پربانگترین شرکتکننده این جنبه بانجام خواهد رساند .

معلوم است که در اوضاع بسیار دشواری که هرگونه نیروی سپهن پرست مخالف رژیم و هر سزاران متفرقی با هراند بشمتفرقی برحمانصورد تعقیب قرار میگیرد ، جنبه پیرو خودا بد و در شرایط فیزیکی فعالیت کنند و این هم البته مانع جدی بر سر راه فعالیت آن خواهد بود . همین جهت مسکولیت و عیاری میبده قاتان است . آنها باید با خود مهارت فراوان سازماندهی نشان دهند و استتار افراوان برای تطبیق در سرتئوری انقلابی بشیراط مبارزه ای که در اوضاع فوق العاده دشوار و خطرناکی : چیرگی دارد . داشته باشند . آنها باید ترمش ، اهلویت ، دلوری و اختیاط را با هم حلقی کنند . غتایر گی و تامل به " پیرو شدن سریع " باعث از دست دادن هششوری میگردد و خطر افراوان بد استحقکات دشمن و مغلوب شدن را دارد . موضوعی را " سبب " در انتظار " انقلاب ماندن " هم موجب از دست دادن ابتکار و گذشتن از شتی پشتر از میگرد و رشوه خورد شکست در پی دارد .

برای جلب توده های مردم باید شعاری داد که قاعده آنها نگارگران و آرزوهای سنده بد ترین طبقات و قشرهای جامعه باشد . همین دلیل است که با چنین احساس مسکولیتی بشتمه برنامه مبارزه ای که بتواند نیروهای سپهن پرست و دموکرات را متحد سازد برخوردار میکند .

بتوانیم سنده " در راه دموکراسی ، عدالت اجتماعی و رفاه مردم " از طرف حزب ما هم در واقع گام جدی بد میبوی . در همین سمت است ، آنچه مربوط به مبارزه در راه احیای دموکراسی در اند و نیز است (و این عهدترین مسئله در شرایط کنونی است) حزب کمونیست اند و نیز میگوید همه چیزهای همین

زیست و اینجا طریقتی خواستهای زیرین متحد سازد :

— تشکیل حکومت ملی د موکراتیکی گمده افیع منافع کارگران ، دهقانان ، پشه‌وران ، بخششی از کارمندان دولت و موسسات ملی ؛ جوانان و دیگر قشرهای د موکرات باشد ؛

— نابود ساختن د پکتاتوری و خودکامگی نیروهای مسلح ، د موکراتیزه کردن د دستگاه د ولتستی و گانه‌بای د ادگستری و پلیس ؛

— پایان بخشیدن د بحران محاکمه‌های تنگین بر طبقه زحمال د موکرات ، آزاد کردن همه زندانیان سیاسی و رضایان بر زن ارد و گانه‌بای کاراجاری ؛

— انقادی حقوق فوق العاده د نیروی اجرائیه ، انحلال سازمان امنیو د یگرا گانه‌بای معانیستر قانون اساسی ؛

احیای آزادبهای سیاسی از جمله آزادی بیان ، آزادی فعالیت احزاب ، اجتماعات ، تظاهرات و اعتصاب ؛

— اجرای قوانین مترقی مربوط بجه انتخابات د تمام ارگانه‌بای دولت ؛

— خواستار شدن آزادی سازمان‌بهای کارگری یعنی اتحاد بهما و تشکیل د دهقانان د اتحادیه‌بها های د دهقانی ؛

— انقادی قانون تنگین غرضن بودن د سوسیالیسم علمی و سوکراتونیسم (۱) ؛

— تأمین آزادی‌بهای د موکراتیک برای د انشگاهها و دیگر آموزشگاههای عالی کشور .

برنامه‌ای که از طرف حزب کمونیست ایند ونزی تهیه‌بوند وین شد محافظ مبین نرست را بهتشدد بد و گسترش برآزده د برآه بهنود وضع زندگی د دهقانان ، انجام اصلاحات ارضی ، تشدد بد رفعد و تکامل بخشش دولتی د روشنها ی عمده اقتصاد ، برقراری کنترل موثر بر سرمایه‌بخارجی و اتحاد سیاست خارجی فعال ضد امپریالیستی و مستقل فرامخواند .

کمونیست‌ها باین د ارندگفت‌حقیق تمام این خواسته‌بایگانه را مفروض از بحران است که رژیم نظامی کشور را باید آن کشته است .

ما بهتجربه خود میدانیم که رژیم پشامی با تمام نیروها و منابع استواری وحدت ملی مبین برستان میگردد و می‌کوشد با زرد دیگر حزب را زیر غریبه قرار دهد . به همین علت است که کمونیست‌ها تحکیم حقوق حزب و ارتباط با توده‌ها و تشدد بد کارهای سیاسی و ادب تلویزیونیک را با نیروی مستتر از اصل همگاری مقابله با احزاب برادر رد و چهار وجوب جیتش‌جهانی کمونیستی و همگاری با تمام حقیقت‌خدا امپریالیستی تا این د رجه نیروی نمیدانند .

ما بیقین داریم نیروی کمیت‌بوند مانع از این شود که مردم ایند ونزی کشور خود را به کشوری مستقل صلح دوست د موکراتیک و مترقی تبدیل کنند که آینه‌بند خود را د روسو سوسیالیسم ببینند ، وجود ند آرد .

۱ — سوکراتونیسم - د راند ونزی سیستم نظریات مرحوم پرویز نت سوکراتور که خصلت ضد امپریالیستی و مبین پرستانه دارد ، سوکراتونیسم می‌نامند .

يك تغيير شكل ديگر آنتی مارکسیسم

اتون هولد

مؤسسه مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان
زیس د انشکده علوم اجتماعی وایسته به
کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان

افزایش بام تأثیر مارکسیسم — لنینیسم د رجه‌ان یکی از عمده‌ترین مشخصات د دوران ماست . با تشدد تأثیر سوسیالیسم موجود ، تعمیق بحران عمومی سرمایه داری و از جمله بحران اید تلویزیونی و بازی نیازتوده‌های مردم به تئوری که بتواند رهنمود مطمینی د شرایط بفرنج بهشت اجتماع معاصر باشد افزایش می‌یابد . در این شرایط حیات گروه‌های ارتجایی به تعالیم مارکسیستی — لنینیستی آشکارا شدت یافته است .

کوشش برای رد تعالیم جاودانی مارکس — انگلس — لنین و تحریف آن تا سرحد پای و سرانی بدون ن و پنهان‌ادامه دارد . اما این د حقیقت رنج و زحمتی شبیه رنج سینف است . نسل‌های متعدد د اید افعا یونیورسیتی در جریان چنین کوششهایی با شکست و ناگامی روبرو شدند . با راجانین تصور کردند که روشنگری مارکسیسم " که پیشگوش کرده بودند به حقیقت پیوسته است و خواست‌های آن‌ها بر آورده شده است . ولی فلکت‌ها چیز دیگری را نشان میدادند : هر بار از نیا و به وین اساس بودن د پرچانگی آن‌ها د باره " و روشنگری " که د انتظارش بودند آشکار میشد .

طبقا نسل‌های تازه نقد بین مارکس‌ها را می‌کوشند از روشنگری متقدمین خوش‌د رس بگیرند ، اما هنوز با باگذاری که آن‌ها د انتخاب اشکال گوناگون و شیوه‌های حمله به مارکسیسم — لنینیسم بفرج میدهند و مکتبان نمی‌توانند ، به پیوجبه این حظه‌ها را موفقیت‌آمیز نمی‌کنند .

د فعالیت متقدمین مارکسیسم میتوان د جریان را از هم متا بزرگد . این سوکراتی‌ا زور و جمله میکنند ، " به جنگ " با اصلاح بی پرده و رک و راست تن د رسیدند تا بطور قطع برای همیشه " مارکسیسم را رد کنند . دهقان مارکسیستی را که ده‌ها بار " مرده " اعلام کردند ، اما زوی د دیگر آن‌ها این عمل نیستند د ضمن ارتقا تکلیک پرتزیش‌تری نظیر تکلیک " اسب ترویان " هم استفاده کنند (۱) . ما میخواهیم د زیاره خصلت و فضیلت بر همین بدلائل تازه شد مارکسیست‌ها د شرایط تشدد بحران تمام سیستم سرمایه داری برشی از نظریات خود را بیا این کنیم .

۱ — مثلا : فن نل پرویشنگ نامه ب تعالیم اجتماعی کاتولیک اعلام میدارد که " ما همه روی شانه همسای مارکس ایستاده‌ایم " .

دوره ثانوی اقتصاد واید تولوژی بورژوازی

تغییر تحول در تنقید بورژوازی مارکسیسم از بسیاری جهات وابسته به وضع اقتصاد سرمایه داری است. در واقع هم در دوران پیش از آغاز بحران اقتصادی، و بویژه در سالهای ۶۰، هنگامیکه رشد نیروهای تولیدی تسبیح گردید، میان اید تولوگ های مختلف بورژوازی واز جمله "متخصصان نظریات مارکس" این عقیده مسلط بود که سرمایه داری گویا بطور قطع و یقین "کوفت سرمایه داری را از دست داده" و "به جامعه مرفه و وفور رحمت" به "جامعه صنعتی" و نظایر اینها تبدیل شده است. بدافعان انحصارها اعلیایت میکردند که در کشورهای سرمایه داری در نتیجه تغییرات کیفی در اقتصاد گسترش دامنه فعالیت های اقتصادی و دولت و انقلاب علمی و فنی در آن آسایش فراخ و رشد اقتصادی فرا میرسد، زمانی که به دستمزدها کارگران رسود سرمایه داران افزوده میگردد و معضلات بنیادی اجتماعی حل و فصل میگردد.

خلاصه عقیده غایت از این بود که ثابت کنند، و اولاد راهیت جامعه سرمایه داری تغییرات بنیادی بوجود آمده و ثانیا زمانیکه مارکسیسم - لنینیسم از اصول جاهد قرن نوزدهم دست برنزدارد پیروسه های تازه را نمیتوانند "درک کند" تا نتیجه های لازم را بگیرد.

اید تولوگ های بورژوازی میگفتند مارکس تغییراتی را که در جهان معاصر از جمله در سرمایه داری بسوق و پیوسته پیش بینی نمی کرد: "تا تاریخ جهان براه دیگری غیر آنچه مارکس وانگلس انتظار داشتند رفته است (۱) گویا آنها" به استناد سرمایه داری برای دگرگون شدن و به قابلیت زیست و تحرك آن کم به ادا نند (۲) یکی از عده ترسین ترهای ضد کمونیست ها در آن زمان همین بود. برای اثبات آن هم بدین استناد میکردند که مارکس در قرن نوزدهم میزیست و بررسی و تجزیه و تحلیل آن گویا فقط برای سرمایه داری آن دوران خوب بود. ولی حالانچه در قرن بیستم است و همین جهت بعقیده منقدین "تخلف فرضیه های او (۱۰۰۰) کهنه شده است (۳) (۲)

نتیجه گیریهای منقدین مانع تنها گواه افکار واهی بلکه بی اطلاعی و عدم تخصص آنانست. حداقل به این فاکت توجه کنیم "بطوریکه میدانیم، مارکس وانگلس در همان "مانیفست حزب کمونیست" درباره

- 1 - Iring Fetacher, Nachwort zu Karl Marx und Friedrich Engels: Manifest der Kommunistischen Partei- Grundsätze des Kommunismus, Stuttgart 1969, S. 94.
- 2 - Hermann Weber, Einleitung zu "Das Kommunistische Manifest" von Karl Marx und Friedrich Engels, Hannover 1966, S. 30.
- 3 - Kurt Pentzlin, Marxisten überwinden Marx, Düsseldorf- Wien 1969, S. 108/109. Natürlich gab es unter den Kritikern des Marxismus auch Ideologen vom Schlage eines John K. Galbraith, der heute bekanntlich eingesteht: "Marx durchschaute einen Großteil der kapitalistischen Entwicklungstendenz." um sich sofort wie der davon abzuwenden und diese Aussage mit der Behauptung zu widerlegen. Marx konnte "damals noch nicht wissen, was sich daraus ergeben würde" (John K. Galbraith, Wirtschaft für Staat und Gesellschaft, München-Zürich 1974, S. 46.

قابلیت تحرك تمام جنبه های زندگی اجتماعی که از خصائل نمونه و انتظام بورژوازی است نوشته اند. در آنجا از جمله چنین گفته میشود: "بورژوازی بدون ایجاد دگرگونی و تحول دائمی در وسائل تولید و سایر بنیان بدون اینکه از زمان سابقا نتواند بی ولذات در مجموعه کل مناسبات اجتماعی دگرگونی بنیادی بوجود آورد نمیتواند بوجود بیاید خود ادامه دهد" "بمسکن نخستین شرط موجودیت تمام طبقات صنعتی پیشین حفظ شیوه کهن تولید بدون هیچ تغییری نبود" است (۱)

کارل مارکس بعد ها پیش از همه در "سرمایه" ماهیت تندید تولید گذشته در سرمایه داری را آشکار کرد و این ویژگی سرمایه داری را بوسیله آن روشن ساخت. چنین تحریکی در فرمال کونوسی پیشرفت سرمایه داری همچنان خود را نمایان سازد. اما باید بدین دینا نیم آنچه نوع است؟ لنین در اثر "امپریالیسم" نیز از آخرین مرحله سرمایه داری "نوشت": "اشتباه نبود آنگونه فکر میکردیم که ۰۰۰ گرایش بسوی انحطاط و سوسیدگی مانع رشد سریع سرمایه داری میگردد. اما این رشد نسبتا بطور کلی تا بر ابر تر میشود. بلکه تا برابری همچنین در انحطاط کشورهای که از لحاظ سرمایه داری هنوز در تراز همه اند نیز بروز میکند. (۲)

در آغاز سالهای ۷۰ در اید تولوژی بورژوازی گرایش ویژه ای پدید آمد. طراحان بورژوازی بر آن زمان آیدند که گویی با تکرار جریان دوره ثانوی اقتصادی در رشته اید تولوژی و کشیده شدن بدنیسبال آن جریان، از نقطه ای که در نتیجه شرایط مساعد بخوش بینی آورشست به فقر بخش بودن و توانایی سرمایه داری برای تحولات مثبت پدید آمده بود، به پایین در رفتند و بد زحالی که هرچه پیشتر به دشنام و فتنن متوسل میشدند به باطلاق نوبدی فرورفتند. از سر صدهای مربوطه "از بین بردن" مارکسیسم و توانایی سرمایه داری برای مبارزه بد بحران اثری هم باقی نماند و این تغییر شکست (متامورفوز) طبیعی و قابل درکی است.

درست همین در یوزاید تولوگ های بورژوازی جاز و جنجال نپاکرد بود که بالاخره و مسائل با هم بر مبنای برای هدایت مطمئن اوضاع پیشرفت اقتصاد در اختیار دارند. و میگفتند چیزی ساده تر از تحلیل اعتلای اقتصاد "طبق سفارش" نیست. اما ما هنریایی پس از دیگری شهری شدند و عیسه ها انجام نشده باقی ماندند. علاوه بر این، حالانچه میشود که همواره قدرات آلمان - سال پیش پیشی های اید تولوژ را بدست اقتصاد "رایگارد" یکی از کارشناسانی که برای دولت جمهوری فدرال آلمان بطور منظم گزارش های مربوطه وضع اقتصاد را تهیه میکند گفت: "اگرچه تعداد درست در آمدن پیش بینی های ما پیش از زمان آوردن در رابطه های بخت آزمایی است، اما این تصدیق اینقدر راه هم زیاد نیست". "بعینار در دگرگونی انقلابی دگر هیچکس جز آن نمیکند این که را بطور جدی نفی کند که تصورهای سابق رشد اقتصادی که توانایی سرمایه داری را برای غلبه بر پیشرفت ثانوی تولید میگردد ندادند درست بوده اند. بطوریکه "دیستات" روزنامه آلمان فری میگوید: "امروز ۰۰۰۰۰۰ دهوت کارشناسان مشخص در ایجاد شرایط مساعد بجهت است. زیرا بجای افسوسگران مورد نیاز نیست برده فقط تشدید بازار بازاری بیرون آید که علیرغم خواندن ورد های مکرر و مکرر خروش هم از کلاه سیلند رهنمونانند بیرون بیاورند" (۳)

۱ - مارکس - انگلس، مجموعه آثار (بزبان روسی)، جلد ۱، صفحه ۴۲۷
 ۲ - لنین - مجموعه کامل آثار (بزبان روسی)، جلد ۲۷، صفحه ۴۲۲
 ۳ - "Die Zeit" Nr. 29. 11 Juli 1975, S. 1.

سابقه و تحولات صنعتی

شایان توجه است که هدفان سرمایه داری و رشد کمونیست ها در چنین شرایطی به منظور اجرای يك سئو مصرف کننده و چیز غیر منتظره اد اختراع کرده اند: حال آنکه میگویند که " سوسیالیسم همس بحران بود خود را میگذراند " در کشور حزب سوسیال دموکرات آلمان که اواخر سال ۱۹۷۵ در بنایم برگزار کردید درست اینطور گفته شد " اقتصاد جهان اینک در مان تنزل خود را میگذراند و چنین تنزلی در ده ساله های اخیر نظیرنداشته است " این تنزل باستانی کشورهای مبادرکننده نفت در تمام کشور های صنعتی و کشورهای در حال رشد و در ضمن در تمام کشورهای کمونیستی هم چشمه خورد ... تمام سیستم های اجتماعی و دولتی موجود را بحران اقتصادی جهانی فراگرفته است ... (۱)

مسای سیاستمداران و ایدئولوگ های امپریالیست ها و سوسیال دموکراتهای راست ، امروز در این جهت است که بحران سرمایه داری را تقریباً بحران تمام جامعه بشری و بحران سرمایه داری که هم سیستم سرمایه داری و هم سیستم سوسیالیستی را فراگرفته قلمداد کنند . آثم امپریالیست های سئو میگویند چنین تصور می شود آوری که گویا بحران نتیجه بحران مقدروا - کتاب ناپذیرتد ن بطور کلی است نه زائیده شیوه تولید سرمایه داری . بنظر ما این دلیل ویران نسبتاً ناید تئوری بیروزی در پیازده برهمنیست رکیسم - لننیزم شایان دقت خاص است .

بدیهی است که کشورهای سوسیالیستی از طریق کانال ها و رشته های بسیاری از دی با اقتصاد سرمایه داری جهانی ارتباط دارند . بخش قابل توجهی از بازرگانی خارجی کشورهای سوسیالیستی با کشورهای غیر سوسیالیستی است . به همین جهت اگر گفته شود که بحران اقتصاد سرمایه داری به چه چه در بهشت با اقتصاد جامعه کمونیست های سوسیالیستی تأثیر میگذراند درست میبود . احزاب کمونیست کشورهای شورای تعاون اقتصادی در این اواخر متصل به بررسی این مسئله پرداختند و برای دفاع از اقتصاد سوسیالیستی تدابیر لازم در برنامه های جدید پنجاه ساله انعکاس یافته اتخاذ کردند . ولی این راهم نمیتوان از نظر ورداشت که در نیمه اول سالهای ۷۰ جامعه کشورهای سوسیالیستی آهنگ رشد اقتصاد را نسبت به کشورهای غیر سوسیالیستی اقتصادی آنها تسخیر کرد . (۲) به تذکرند فاکتور تفاوت میگویم :

در نیمه دو دهه (سال ۱۹۷۵) کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تأیید شده که " اگر فاسد افزایش بلطقی تولید اجتماعی را در تمام رشته ها و بخشها به پیش بریم ، آنوقت برنامه پنجاه نیمه بهترین برنامه پنجاه ساله در تاریخ شورما خواهد بود " (۳) آهنگ های رشد صنایع در جمهوری دموکراتیک آلمان طی سالهای اخیر دیدن و نکته تسخیر کرده است . آهنگی رشد (ضمیمه رسید) سال ۱۹۷۱ - ۱۹۷۲ ، ۵۶ - ۱۹۷۲ ، ۶۳ - ۱۹۷۲ ، ۶۸ - ۱۹۷۴ ، ۷۳ - ۱۹۷۴ .

از مقایسه سرعت رشد در کشورهای شوروی تعاون اقتصادی و جامعه اقتصادی آنها جدول زیر بدست میآید :

1. - SPD, Parteitag, Mannheim-Rosengarten, 11.-15.11.1975, S. 13.

۲ - آهنگ رشد طبیعی محصولات صنعتی با درآمد طی در هر کشور رساله های مختلف متفاوت است . مثلا جمهوری دموکراتیک آلمان در سالهای اول برنامه پنجاه ۷۵ - ۱۹۷۱ توجه اصلی خود را بر طرف کردن حد پتانسیب معینی و ویژه رشد سریع صنایع عمده معطوف مبادت . ۳ - برنامه " پروادا " ۶ دسامبر ۱۹۷۵ .

رشد متوسط سالانه (به میزان درصد)

سالها	محصولات صنعتی			
	کشورهای جامعه اقتصادی آنها	کشورهای شورای تعاون اقتصادی	کشورهای جامعه اقتصادی آنها	کشورهای شورای تعاون اقتصادی
۱۹۶۱-۱۹۶۵	۳٫۳	۴٫۷	۶٫۱	۷٫۱
۱۹۶۶-۱۹۷۰	۴٫۸	۵٫۴	۷٫۳	۸٫۰
۱۹۷۱-۱۹۷۴	۳٫۴	۴٫۱	۶٫۳	۷٫۱
۱۹۷۴ *	۵٫۰	۵٫۵	۷٫۱	۷٫۴

* نسبت به سال ۱۹۷۲

برنامه های اقتصادی شورای تعاون اقتصادی در برنامه جدید پنجاه (۱۹۸۰-۱۹۷۲) هم رشد بسیار زیاد و مستر اقتصاد را پیش بینی میدند . در این حال حتی کمترین شاخص های برنامه های جدید هم از آنچه از نظر اقتصاددانان بیرونی برای رشد اقتصادی کشورهای سرمایه داری در دهه ای که پیش از این بحران آغاز میگردد دینترین شاخص منگنه است بیشتر میباشد . تغییر افکار و نظرات مدافعان بیرونی در این زمینه هم چشمه خورد . نمایندگان آنهایی که از این حکم بینه دلیل وارد ان استاد میگردند که گویا سوسیالیسم اگر چه میتواند به رشد کمی اقتصادی تایل آید فاقد زیست از لحاظ کیفی و شریخی هم به نتایجی مطابق با آنها میرسد . در تاریخ ساختن سوسیالیستی در واقع هم مراحل بود که رشد کمی در درجه اول اهمیت قرار داشت . اما در حال حاضر کشورهای جامعه کشور های سوسیالیستی از منشی شریخی تولید اجتماعی باشد شهوگیری کامل پیروی میکنند . اما ایدئولوگ های امپریالیست میگویند این سیاست را بزنند نوی بحران اقتصاد سوسیالیستی غمیز کنند . ولی اگر رایس مورد معنی صحبت از بحران بجا باشد روشن است که فقط از بحران دلائل مبرهین شد کمونیستی آنها متوجه سخن گفت *

مهمترین پدیده در بهشت اقتصادی جران سوسیالیسم در سالهای اخیر ارتباط متقابل را تکیه سیاست اقتصادی و اجتماعی و در سطح تازه ای بود . در تمام کشورهای جامعه کمونیست های سوسیالیستی گسترده ترین برنامه اجتماعی - اقتصادی که در تاریخ این کشورهای نظیرنداشته بود مرحله اجرا آمده است بطور مثال در اتحاد جماهیر شوروی درآمد واقعی به حساب سرانه طی برنامه پنجاه اخیر تقریباً یک چهارم افزایش یافته است . حتی در آن کشورهای سوسیالیستی که بهای برخی از کالاها را بالا برده اند ، به سبب افزایش قیمت ها هه آهنگ بلند امیزد بکشی که رشد درآمد واقعی زحمتکاران را تا مین میگرد حقیقیافته است . رفاه اجتماعی و سطح زندگی زحمتکاران در کشورهای سوسیالیستی در سالهای اخیر بطور کلی افزایش یافته است .

تعداد کشورهای سوسیالیستی در سال ۱۹۷۱ به انجام برنامه های جدید پنجاه آغاز میکنند . در این برنامه ها تقریباً همان آهنگ رشدی در رشته های تعیین کننده اقتصادی پیش بینی شده است که در سالهای پیش در نظر گرفته شده بود . از جمله در اتحاد شوروی طی سالهای ۱۹۸۰-۱۹۷۱ درآمد ملی ۴۴ : ۲۸ درصد و درآمد واقعی از ۳۴ : ۲۲ درصد افزایش خواهد یافت . در جمهوری دموکراتیک آلمان درآمد ملی هر ساله تقریباً بین ۵ : ۱۰ درصد و درآمد واقعی زحمتکاران بین ۴ : ۵ درصد

افزایش مییابد. این شیاستهگیری رشد اقتصادی تمام کوششهای ایدئولوگهای بورژوازی را برای اینکه بحران کنونی سرمایه داری را بمنزله بحرانی که گویا سوسیالیسم موجود را هم در بر گرفته تلقین برآید میکند. رفیق اولهنرگر، دبیر اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان تأکید کرده که: «ما بایک مـردم سخاوتمندانه و در شاختان جامعه پیشرفته سوسیالیستی در کشورمان بحران زیادی به پیش رفته ایم. موفقیتهای آن سیاستها که ناماد را جزای وظایف اصلی خود اخذ کردیم در ثبات روزافزون و اوتوریته فزاینده کنسروکراتران و دهقانان ما، در زیربومندگی اقتصادی، مادی و فرهنگی آشکاری که در زمینه با لایردن سطح زندگی مادی و معنوی مردم بدست آورده ایم بازتاب پیدا میکند» (۱).

چندی پیش سازمان همکاری اقتصادی و پیشرفت محاسبه ای عمل آورد که طبق آن سال ۱۹۷۱ برای کشورهای سرمایه داری صنعتی سال رشد و اعتلا خواهد بود. طبق محاسبات پیش بینی شده معمول سرتانه منی در کشورهای غربی در حدود دو درصد افزایش خواهد یافت. کمی در سرتاره منطلق ایدئولوگهای بورژوازی بیندیشیم: بنظر آنها، آن درصد رشد برای سرمایه داری اعتلا است، اما پنج تا شش درصد رشد برای سوسیالیسم بحران است. منطلق شکرگی است.

حسرتی پاکس بود

ما که امروز از تاثیر تجزیه و تحلیل خود از سرمایه داری کنونی سخن میگوئیم روی این نکته تکیه میکنیم که این تجزیه و تحلیل نبراه تئوری لنینی امپریالیسم است که خود عبارت از تکامل خلاق واقعی تئوری سرمایه مارکس میباشد.

اجزاب کمونیستی و مارکسیست - لنینیست های بسیاری از کشورهای آفریقا نیز در دوم قرن بیستم کماکان تشویک طبیعی برای پژوهش روند های کنونی در جهان سرمایه انجام دادند. هم کمونیست های کشورهای سوسیالیستی و هم کمونیست های کشورهای سرمایه داری در این کار سهم خود را دادند. جلسات مشاوره بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری سالهای ۱۹۵۷، ۱۹۶۰، ۱۹۶۹ اهمیت فراوانی داشتند. سیستم سرمایه داری دولتی - انحصاری، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و اثبات شد که اگر چه پیشرفت امپریالیسم در دوران پس از جنگ با تسبیح آهنگ رشد میسمن اقتصاد ای مشخص میکرد که خود و ایست به انقلاب طعی و فنی است، ولی این جریان از رشد پید تضاد های بنیادی سرمایه داری جلوگیری نکرد.

مارکسیست ها نشان دادند که ساختار دولتی - انحصاری که بوجود آمده نه فقط تضاد های موجود را تشدید میکند، بلکه تضاد های جدیدی نیز بوجود میآورد. این ساختار نمیتواند بحران ادواری را بتواند از راه ای تعادل کند ولی نمیتواند آنرا ازین ببرد. جلسه مشاوره بین المللی احزاب کمونیست و کارگری سال ۱۹۶۹، باین نتیجه رسید که جهان امپریالیستی در آستانه مرحله ای از بحران ها و تنازلهای اجتماعی قرار گرفته است که تمام رشته های زندگی اجتماعی را در بر خواهد گرفت. در اواسط سالهای هفتاد برای هر طایفه ای آشکار شد که تجزیه و تحلیل مارکسیستی - لنینیستی کاملا درست بود.

یک اروپایی اساسی همچنانچه بحران کنونی اقتصاد سرمایه داری به کوششهای بیشتری از طرف مارکسیست هانیا زنداست. اما در این مورد بخصوص، یک نکته توجه میکنیم: بحران کنونی سرمایه داری از چهار ریبوب یک بحران تولید اضافی ادواری فراتر میرود و با تعمیم بحران عمومی تمام جامعه سرمایه داری شدت ارتباط دارد. دامنه و فراگیران آن تا حد و قاطعی شروط پتانترین بحران است. همانطور

۱ - روزنامه "نویس" دوچلند * ژوئن ۱۹۷۵، ص ۲.

که این بحران هم درست بنهجه خود بر بحران عمومی سرمایه داری تاثیر میبخشد. درست بهمین علت گذار از مرحله بحران حاد به مرحله رونقی که بنایه پیش بینی اقتصاد دانان بورژوازی همه در انتظار آن هستند نمیتواند به سرمایه داری اطمینانی را که هرگز سالهای ۵۰ و ۶۰ بود بازگرداند.

بهر حال بررسی های که بحمل آمد نشان میدهد که شاخص های رشد اقتصاد در رساله های آینده در سطح پایین باقی خواهد ماند. بیکاری بحقیق گسترده و بحران استعناز نوم باقی میماند و بحران های ساختاری بطور مستمر ادامه خواهد یافت.

بنابراین جهان امپریالیستی در آستانه یک دوران بسیار فرخند قرار دارد که نتیجه ی شیاستی حاد و پدید های بحرانی گوناگون موفتی و دشمنی است. این کاملا طبیعی است که تمام این عوامل به تشدید هر چه بیشتر مناقشات طبقاتی و اعتلای تازه مبارزه طبقاتی منجر خواهد شد. این موضوع را کنگره سیاستمداران ایدئولوگ های امپریالیستی و سوسیال دموکرات های راستگرا به این بیان شکل احساس میکنند و خود را در همین حال برای شرایط جدید مبارزه آماده میکنند. بطور مثال ز. برژنفسکی هد کمونیست مشهور سیاست شناس امریکائی میگوید که در جامعه بورژوازی "گذار از اندیشه های مترقی به افکار مربوط به انحطاط" در جریان است، این عقیده قوت میگیرد که "تخییر وضع بد و ناسانده است، چهان به آخرین حد امکانات خود دست یافت، ذخایر طبیعی طبیعی محد و دست و آید تهنه و تا رنظر میبرد" (۱). ایدئولوگ های راستگرا حزب سوسیال دموکرات آلمان جنوبی هم در این باره از آنچه ما تصور میکنیم سخت و دشوار است. ما در همه جا باین پست رور میگوئیم (۲) در دنبال این سخنان هم میگوید: "در این سالها تغییرات شدیدی بوقوع خواهد پیوست که ما هنوز قادر به تعیین ژرفای آن نیستیم" (۳).

بحران کنونی یعنی ورشکستگی کامل تئوری های اجتماعی دوران پس از جنگ است، خواه این تئوریها از ایدئولوگهای امپریالیسم یا سوسیال دموکراتهای راستگرا باشد.

اندیشه اجتماعی - اقتصادی ما حاضر بورژوازی باید بینی عقیق توأم است. امید های مربوط به ایمان بر طرف ساختن تضاد های آشنی نا پذیرمان کار سرمایه همانقدر راهی بیبوده بود که امید هائسی به بر آمدن از عهد و بحران بسته بودند. صحت تجزیه و تحلیل خلاق مارکسیستی - لنینیستی دوران معاصر را ثابت رسید.

مارکسیسم - لنینیسم منقدین خود را بگور خواهد سپرد

ایدئولوگ های بورژوازی که میگویند بحران را بمنزله پدیده ای جهانی که دامنگیر سوسیالیسم هم شده قلعه ادا کنند تنها راهنگ های رشد اقتصادی صحت نمیکند. آنها مرتب در جستجوی پنهانیه و دلایل تازه ای هستند که هدف از آنها تخطئه مشی واحد ساختن جامعه سوسیالیستی و کمونیستی است که اتحاد شوروی و سایر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی از آن پیروی میکنند. وحدت جامعه کشورها سوسیالیستی آنها را بپراس می افکند. روزنامه آلمان غربی "اکسترا دیست" نوشت که محافل کاکمه کشورهای امپریالیستی "بناسبت اینکه ممکن است سابقه اقتصادی و اجتماعی - سیاسی رابه آن سیستم دیگری به سیستم اجتماعی سوسیالیستی بپایند احساس بیم و هراس میکنند" (۴).

1 - "Europa-Archiv", Bonn, Folge 23/1974, S. 778.
 2 - Erhard Eppler, Ende oder Wende. Stuttgart, 1975, S. 25.
 3 - Frankfurter Rundschau" 1. Februar 1975, S. 7.
 4 - "Extradienst", Westberlin, 15 Juli 1975.

در نیمه اول سالهای هفتاد احزاب کمونیستی کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی یک بر تاه
 ۱ استراتژیک واحد برای ساختن و تکمیل جامعه سوسیالیستی پیشرفته تهیه کردند و تحقق آنرا در مرکز
 فعالیت ملی خود قرار دادند. رفیق برنزف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در همین
 کنگره حزب سوسیالیست کارگری مجارستان در باره اهمیت این امر چنین خاطرنشان ساخت:
 "رفقا، ما همه درک میکنیم تعیین دورنماهای تکامل جامعه سوسیالیستی در هر مرحله تاریخی نهیسن
 تاجه اندازه مهم است. از این نقطه نظر تعیین منی لازم برای ایجاد سوسیالیسم پیشرفته که با حمایت
 دیمه جمعی احزاب برادراساس تجارتب مشترک انجام یافت و در حال حاضر راکتت کشورهای
 سوسیالیستی با مراعات ویژگیهای هر یک از این کشورها تحقیق پذیرد، اهمیت عظیمی داشت (۱)."
 این منی همچنین از نقطه نظر یکاراید تولوویک و توتویک میان مارکسیسم - لنینیسم واید تولووی
 بوزوئی میا صراحت اهمیت بزرگی دارد. این منی با تأیید اینک ساختن سوسیالیستی و کمونیستی را بیسر
 تکامل اجتماعی جهان تشدید میکند. ساختن جامعه سوسیالیستی پیشرفته پخرا از هر چیز وسوسند
 تحقق ماهیت اجتماعی سوسیالیسم است. البته برای اجرای این امر یک رشد اقتصادی ثابت و وسیع بر تاد
 ضرور است. اما این رشد فقط بمنزله پایه ای برای اجرای هدفهای سوسیالیسم است؛ که آن تأمین
 هر چه بیشتر سوتزئینا مندیهای مادی و معنوی - فرهنگی و تکامل همه جانبه شخصیت سوسیالیستی است.
 این در عمل برای تعیین است که در شرایط سوسیالیسم پیشرفته مسئله ارتباط ارگانیک رشد اقتصادی و
 و بهبود شرایط کار زندگی با تکامل بیشتر دموکراسی سوسیالیستی اهمیت تعیین کننده و قاطع پیدا میکند.
 در همان سالهای ۶۰ در کشورهای سوسیالیستی شرایط ضروری برای پیوند ارگانیک سیاست
 اقتصادی - اجتماعی و رشد اقتصادی در پیوند تکون طرز زندگی سوسیالیستی ایجاد گردید. در نتیجه
 این ن تطابق منافع فردی و اجتماعی در سطح تازه ای پیشرفت میکند و برای هر یک از زحمتمندان قابل لمس
 است. در حال حاضر در اتحادیه های سوسیالیستی، کشورهای و شرورهای سازنده سوتزئینونی آزاد میگردد
 روشن است که اینها همه به پیچیده پانند به های آتی کمونیستی و "دلهای" سیاستداران
 واید تولووکهای امپریالیستی و سوسیال د میکرانهای راست تطابق میکنند. آنها با زهم با تب میگویند
 برای اثبات اینکه منی متخذه اتحاد کمونیست اتحاد شوروی و کنگره هشتم حزب سوسیالیسم
 متحد آلمان و کنگره های سایر احزاب برادری شکست خورده و یا محکوم به شکست است و دستاوردی پیدا کرده
 و بدان انگا کنند. ولی این امیدها بی پایه است. زیرا وحدت ارگانیک سیاست اجتماعی - اقتصادی
 سلاک در همین حال هم نتیجه و هم یک شرط ضروری برای ساختن سوسیالیسم و کمونیسم و هنرمند سیستم
 سوسیالیسم پیشرفته است. با همه طغنی برای تکامل بیشتر سوتزئینا لیسیم به پیش است. کمونیست ها با خوسنی
 میدانند که تحقق پیگیری منشی مشترک مستلزم جد وجه افراوان و حل مسائل پخربخ به شمار می آید.
 در ارتباط با این مسئله خاطرنشان کردن این نکته حائز اهمیت است که احزاب کمونیستی کشورهای
 سوسیالیستی یک استراتژی متحد که بر اساس قانونی تمام ساختن جامعه نهایی گذاری شده و بطرسور
 خلاق با شرایط ویژه در هر یک از این کشورها یکا برده میشود تحقیق میکنند. بطوریکه میدانیم در اتحاد
 شوروی که در آن جامعه سوسیالیستی پیشرفته اکنون ساخته شده و یا زهم تکمیل میشود بنیاد مادی - تکنیکی
 جامعه کمونیستی بوجود می آید. در سایر کشورهای سوسیالیستی استقرار سیستم سوسیالیسم پیشرفته
 نزدیکترین هدف تکامل اجتماعی است. با الهام از هدف مشترک کشورهای سوسیالیستی و طائف
 مشخص اجتماعی را که در بسیاری از آنها منطبق است فرمولبندی میکنند. مثلا وظیفه پیوند

ارگانیک سیاست اقتصادی - اجتماعی که در چهار چوب آن با لایردن تولید بظاهر راه عده تکامل
 اقتصادی و تکون طرز زندگی سوسیالیستی پیشونین در درجه اول اهمیت قرار گرفته است از طرف همه
 احزاب و جلا یکسان فرمولبندی شده است. و بالاخره بر این در نظر گرفته شده برای انجام این وظایف
 هم در یک سلسله از کشورهای یکسان است.
 کارهای با خاطر سازندگان و تکمیل جامعه سوسیالیستی پیشرفته اداهای مارکسیستاسان
 بوزوئی را در این زمینه و سوسیالیسم لنینیسم از پیوند سوتزئینا لیسیم شده و با همه طغنی از اداه و بخرورد
 جامعه مسائل کنونی این جنبه ها است در میکند. برکنس احزاب کمونیستی کشورهای برادری خلاق
 توتویک بزرگی را زین منی بر نند که خامن پیروزی های علمی ما است.
 اگر کمونیست های یک نام ساختن جامعه سوسیالیستی و کمونیستی فقط به تزارادوم از احکام
 مارکسیستی کزمانی مطرح گردید اکتفا میکردند نتیجه ای عاید شان نمیشد. در از فاجدهای "۴۰ عراظب
 کشورهای سوسیالیستی پایه های سوسیالیسم مستقر گردید و بنا سبب تولیدی سوسیالیستی پیور شد و سئله
 هدف استراتژیک آینده، مسئله محتوی و هویت تاریخی سوسیالیسم بظاهر ای اولین مرحله فراتر گشتن
 اجتماعی کمونیستی و سئله ارتباط متقابل دینامیکی میان سوسیالیسم و کمونیسم مطرح گردید که باید
 با تحمل پاسخ داد میشد. این پاسخ تئوری جامعه سوسیالیستی پیشرفته بود. امروز سوتزئینا لیسیم
 که این تئوری در چهار چوب عیدو طرز زندگی و تدوین شده و با زهم تکمیل خواهد شد. این تئوری با در نظر گرفتن
 وضع کنونی تکامل خلاق با زهم بیشتر دموکراسی سوسیالیستی است که شرایط رشد نوین سوسیالیسم و بوزوکیای
 یکا راهی اینها لیسیم را در نظر میگرد.
 احزاب کمونیستی توجه عده خود را به بررسی توتویک مسائل انقلاب علمی - فنی و ارتقا یازدهی
 تولید اجتماعی، تکمیل بر تاه بزی رهبری اقتصاد و سوتزئینا لیسیم روند اجتماعی - اقتصادی و متحرکیست
 میکنند. در رهوشی مسائل عمومی سوسیالیستی اقتصادی، مسائل پیشرفت کنونی جهان گامهای مهمی
 برداشته شده است. تئوری مارکسیستی در باب مسائل نوین در باره یازدهی و راه های این مسائل را در جویت
 منافع طبقه کار و تمام زحمتمندان نشان میدهد. اما یکا با تیز سوتزئینا لیسیم ها و سوتزئینا لیسیم
 سوتزئینا لیسیم را آوردن، دلهای سوسیالیسم، همانند معادلی در مقابل سوتزئینا لیسیم، بطرز بی پایه ای
 عیدو یازدهی است.
 سوتزئینا لیسیم در یکس از اینها تئوری فنی متقدمین مارکسیسم هوارت از این است که این اداه میکنند که
 کمونیست ها کجایه جامعه سوسیالیسم از دیدگاه دانشهای قرن نوزدهم توجه میکنند. از این اداه
 فنی و سوتزئینا لیسیم، این معنیها هم یکا از یک طرف طرفان سانیسم که آری، مارکسیست لنینیست هسبار
 دیدن اینها میکنند که احکام مارکسیست و اینک احکام اجتماعی - تاریخی باید دیده اهمیت
 خلاق و سوتزئینا لیسیم و سوتزئینا لیسیم است. کتا یکیکه از این قضیه موجود قطع اربا میگویند. سوتزئینا لیسیم
 ایله فاکتور سوتزئینا لیسیم بگیرند که سوسیالیسم در هیچ کسوتزئینا لیسیم است بدوین دیکتاتوری پرولتاریا سوتزئینا لیسیم
 نقش سوتزئینا لیسیم در سوتزئینا لیسیم است. در دوران انتقال و سوتزئینا لیسیم تولید، فعالیت اجتماعی پیور گردید.
 سوتزئینا لیسیم سوتزئینا لیسیم، سوتزئینا لیسیم در پایان قرن بیستم فقط تئوری نظام سوسیالیستی که بر این احکام سوتزئینا لیسیم
 گذارده و سوتزئینا لیسیم با عقاید سوتزئینا لیسیم و سوتزئینا لیسیم را تین کند.
 سوتزئینا لیسیم در سوتزئینا لیسیم سوتزئینا لیسیم سوتزئینا لیسیم سوتزئینا لیسیم سوتزئینا لیسیم سوتزئینا لیسیم
 شکست عظیم مخالفان آتی کمونیسم و مارکسیسم لنینیسم است.
 در سوتزئینا لیسیم که تاریخ و سوتزئینا لیسیم از این سوتزئینا لیسیم است و سوتزئینا لیسیم سوتزئینا لیسیم سوتزئینا لیسیم
 مارکسیست سوتزئینا لیسیم به هدف خود نزدیک نگذرد است. مارکسیسم لنینیسم که سوتزئینا لیسیم سوتزئینا لیسیم سوتزئینا لیسیم
 و کارگری بیشتر سوتزئینا لیسیم و سوتزئینا لیسیم سوتزئینا لیسیم سوتزئینا لیسیم سوتزئینا لیسیم سوتزئینا لیسیم سوتزئینا لیسیم
 ما است

تاریخچه و سوابق این جنبش را در شماره ۱۱ از مجله "آثار" در سال ۱۳۵۶ درج شده است. این اثر که به قلم آقایان دکتر محمد علی باهنر و دکتر محمد علی باهنر است، به خوبی به این موضوع پرداخته است.

شرایط قاطع سرنگونی دیکتاتوری فاشیستی

بسیار متشکر گویم که این

عزیز همی، حزب کمونیست
شیلی

بنازه توده با قاطع احیای دموکراسی و بازیافت دستاوردهای انقلابی در شیلی است. حزب کمونیست شیلی در نخستین سند و گنجینه روزهای انقلاب فاشیستی، هنتر ساخت این مطلب را مدعا می کند: «ما در همان موقع اعلام کردیم "رهبران، روحانیان و قوای فئودالیسم فاشیستی را از میان بردارید، بخشدید و بدین هیچگونه تردیدی از سر نو بنیاد میهن خود را به دست خواخیزد گزشتید. این مانند جنبش ما که کشور خود را برای شما ماند می، و خدمت میارزید. ما برای این امر در سطح آگاهی سیاسی آنان، کار گذاشتیم. (۱)». هزینه و زهرهای این توده های خود این آید. به ما نگاه کنید. نشان می دهد که بدین توجه دقیق و صادق و صادق است که کارها توده ها که شرایط همه را تضمین کنند و پیروزی است تا تکلیف صلح، نتواند وجود داشته باشد. اگر بکنایه توده و حرکت فعال توده ها را حکومت برون کند، توده ها با خلق ارزشهای پیروزی محسوس نخواهند شد.

شیلی در شرایط پیگرد و فشار خونین زمانه دارایی که در تاریخ کشورها بسیار است بسیار سرد و در شرایطی که جنبش خلق مجبور به عقب نشینی است و بسیاری از حلقه های سازمانی آن راه میسخته شده اند. در چنین وضع دشواری از یک سو و خطر گرایش به فاشیسم از سوی دیگر، در شرایطی که کودکی براخیزد و پیروز آید، ما می بینیم که چنین پدیده هائلی برای جنبش انقلابی این آید. ما باید در این حدت خطرناکی و پیروزی و بدین مناسبت وظیفه اولین بران این گرایشها را به یاد آورد. اصول فلسفی برای ما پیروزه از واقعیت روز است. چنین نوشته است: «کلیه به رشد خلیای دموکراسی و توده های سیاسی با بقا کارگروهی است. ما می بینیم که این جنبش را در هر چه توده قرار می دهد و تمام وظایف پیروزی و توده های گوناگون مبارزه را تابع آن می کند. او به با عطا گاهی میسند و به چنین زمان جدی وارد می آید. او را آن کسانی این وظیفه را در درجه دوم قرار می دهد که انقلابیون را دعوت به مبارزه بسازد. دولت به وسیله نیروهای گروهی را توطئه می کند که از جنبش کارگری جدا شده اند و فاشیسم را میسند. وظیفه اولیای سیاسی و سازمان دهنده این را خود در می کنند و گمانیکه "دعوت" کارگران سیاسی را فقط بر موارید اشتغال، زندگی آنها و بهنگام مراسم رسمی بنحوا امکان پذیر می آید. این اشتغال و مبارزه را از مبارزه سیاسی علیه حکومت مطلقه و با مطالبه گد گشتها و گوناگون از حکومت مطلقه جدا میسند و به این طریق کفر توجه دارند که مطالبه این گد گشتها را جدا گانه در مرحله مبارزه تنظیم و میگرد

و انحراف ناپذیر حزب انقلابی. طبقه کارگر علیه حکومت مطلقه ارتقا دهند. (۱) این جنبش شرط شده است. اما با آنکه این جنبش خط مبنی انقلابی بر پایه آزادی است، اما در عین حال، این امر امکان ندارد که وظایف و روشهای آن انقلاب و قیام مشخصی گردند. «بنازه توده» مطبوع شود و در نتیجه نظم و شفافیت عهد، همه متحد بین احتمالی طبقه کارگر در روند انقلاب به اتحاد میگردند و هم صفهای آن گمناهیان خلقی کرد مشخص نمود. چنین خط فاشیستیک محتوی انقلاب خود به خط فاشیستیک قرار میگیرد و این امر را امکان به اینکه راه برگزیده این مبارزه را پیروزی است به عرصه میگرداند. این مسائل گوناگون، مبارزه را به خاطر اینها جنبه فاشیستی است از طرف حزب ما به اتفاق دیگر نیروهای وحدت ملی طرح و انتشار یافت. بلافاصله مبارزه این توده ها با طریقه ها طبقه کارگر و دیگر نیروهای انقلابی آنها به خط فاشیستی اشاره شده است. به نظر کشید که «ما به انتشار در باره مواضع خود، با دلائل شکی را به تصدیقات لازم پاسخ میدادیم ولی مهم این است که باید حق بودن خود را در مقابل و مبارزه را به تصدیق مطلق فاشیستی قابل تطبیق با شرایط شیلی موند آن استنتاجاتی است که در گفتار این

انقلابیون است. این توده ها و با ناپدید آمدن است. در زمانه این گفتار گفته میشود: «واضح است که خلقیای این گرایشها و فشرهائی را که با همراهم متحد هستند از حاکمیت سیاسی برنگازند. نمیتوانند همه چیز را متفرق واقعی دست یابند. بدون ازین بران اشتراکات مهمی نیست و زهره از این کشورها بدین پایان در آن به سلطه گویا و سبب های چند ملیتی دست یافتن معضلات عمیق اقتصادی و اجتماعی از کشورهای این گرایش این امکان پذیر نیست تا چه رسد به تحقق یافتن "سوسیالیسم" (۲)

در شرایط سیاسی که در نتیجه کودتای فاشیستی پدید آمده، تضاد عمده جامعه شیلی همچنان تقاد میان خلق شیلی از یک سو و امپریالیسم یانکی و متفقین آن یعنی الیگارشی انحصاری و ملامکتین محلی از سوی دیگر است. در دوران قبل از پیروزی دولت وحدت خلقی آنها مطلق و با شکستهای بنیادین مواراتیک تری اعمال میگردند. در حال حاضر این نیروها از فاشیسم مانند یک توده و توده برای حفظ حاکمیت خود و احیا و گسترش امتیازاتی که طی سه سال موجودیت دولت انقلابی از دست داده بودند، استفاده میکنند. بنابراین جنبه ضد فاشیستی شکل از اشکال جنبه ضد امپریالیستی و ضد الیگارشی است. در جریان تدوین این خط فاشیستی، تصدیق استفاده از تجارب گذشته بلکه همه تریزید و توسعه آنها حاصل از اهمیت است.

خط فاشیستی توده ها که توسط خلق شیلی بنیان آید، از مبارزه ایجاد کرده شده و شرکت انقلابی در آنها یعنی ارتباط با توده ها از طریق رده اول حزب طی دو سال دوران دیگران تری فاشیستی بوده است. قبل از پیروزی جنبش بر سرسازانهای اتحادیه ای طبقه کارگر و نمایندگان و همچنین کمیته های خانها، گان های سازمان های سازمان های دانشجو و مراکز فرهنگی سازمانهای ورزشی و دیگر مراکز سازمانهاست. حزب با خاطر نشان کرده است که: «تصدیق ضد فاشیسم بطور عمده از این، در سازمانهای توده ای است که توده های مردم کار میکنند تشکیل میکنند و طرح می کنند ایجاد خواهد شد.

درست در همین حال است که انقلابی باید برپا کرد و بیانش اکثریت و کمیت را در بر آورده بود
 آرزوهای هر که متعلق آنها در آخرین تحلیل یعنی همان بیار که میوه دولتی کشور را رهبری میکند و فعالیت
 کند - در طرز نظر و با هم میزاید عدل و انصاف است و در این باره میگوید: "فایده سیاسی
 تلاش میکند اگر حکومتی استلاسی از جانب ملت از جانب خلق بیخود جلوگیری کند و
 بد نیت با امدت فاشیست با طوفان همی طبل از هر چه بر سر خط و توسعه سازمانهای پر شمار بگذرد
 جریان مبارزاتی را طوری تود بهای خلق برده تا با این نوع خود اجداد گردید و انصاف بشود - تشریح
 این سازمانها با طرز مشکلاتی که در یکتوری ایجاد کرد و به منزله گذشت در بر طرف فاشیسم و با بیایستی
 آن رختن و اکتان دادن میمانند که هم ستان سمت فاشیسم و بر این سازمانها قرار گرفته بود و در
 اصلاح خود یعنی تشکیل گروه خود را که کشورهای خود را که اقلیت گردید (۱) و
 این مستگیری که به اتفاق چندین ماب و بگروههای و موزکاتیک ایجاد شده نبرات خود را
 به آورده است - اکثریت سازمانهای توده ای همچنان به فعالیت خود ادامه میدهند - البته
 وضع آنها با دوران حکومت وحدت عملی قابل قیاس نیست - هر روز برای آنها مشکلات جدید تازه ایجاد
 میآورد - نظم و ترتیب موزکاتیک ازین سزنده شده است - در بسیاری از این سازمانها محبت ترین
 رهبران برکنار شده و سببا آنها دستشان در گان خونینا گمارده شده اند - اما هیچ چیز نمیتواند مانع
 آن باشد که این سازمانها مانند گذشته با هم در تماس باقی بمانند و در قسمتهای مختلف به سازمانها
 گستره موزکاتیک شده به دست بزنند - در برخی موارد کارکنان خونینا منفرد شده اند و در موارد دیگر
 تا گزین گردیده اند به قبول خواستهای مستقیم و غیر مستقیمشان در بر همین
 آنچه که در جنبش اتحادیهها جریان دارد و در وقت شک از مسائل بسیار مهم بود و هنوز هم هست
 در دو زمین سال موجود است حکومت و یکتوری در مشکلاتی در میان خود نبرد حق برگزاری اول با همه رانسانند
 جنبش طبقاتی خود در پی راه به دست آورند - تلاش برای جبران برادران خشن و بی در این روزگار مسلط
 عقیم ماند و در مشکلاتی تا نشأت بهما رومد ها جنبه تشکیل دادند و خونینا همگام نمیدانند - پیروانه
 او آشکاست مواجه شده است بلا فاصله آنها را در پی کرد

۲۴ در ماهیون ملی اتحادیهها که در هم در مشکلات راد در بر میگردند قوانین کامیونیست
 شده و از طرف خونینا پیروزه قانون کاری را که رژیم در یکتوری نواخته بود بصورت اولیه اثر حاصل کند و
 آشکارا رد کرد - در برخی جهت بود اکثریت از این قوانین برای خونینا کارواشن شده که در مشکلات
 عزیز راسخ دارند از اصل سازمان واحد اتحادیه ای در مقابل چند سازمانی که فاشیستها به هم پیوسته
 دفاع نمایند - در نظر آنها اینکست - سند تحصیلی گروه باقی ماند ام اکثریت قاطع در مشکلات با دفاع از
 وحدت اتحادیه ای را باید پیوسته به پیروزی مهم طبقه کارگران بیاورد - نمود

در همین حالی با روز بخاطر بر آورده شدن خواستهای اقتصادی و سیاسی از این رژیم در دست و پا
 اشتغال بگاز بندید به مشهود - اغلب بهشوران کوچک و متوسط در این مبارزات شرکت میکنند - در موارد
 بسیاری خود کارگران - بدون رهبران - بطور بیجمعیتی و بیسببیت را به ضد نمود میگردد و فعالین را
 از یکدیگر جدا میکند و با تداوم آبروی اتحادیهها میگردانند از این بگریزها میروند - فاشیستها با هم پیوسته
 شدند که در جنبشها که با طرز معمول بسیار با جدت از این بگریزها میروند - فاشیستها با هم پیوسته
 و تشنه به فعالیت توده ها میروند - اما اینها به هم پیوسته خود است - اینها نهادهای وحدت ملی و حزبی در موزکات
 سیاسی کمینسول امیر اتحادیه ها هستند - کار به ای (بلاخری) برای مبارزین تهیه کرده اند

که هم به زمین - جوامع است و با اقتصاد و هم خواستهای سیاسی است - انواع مبارزات با خلق نبرد میزاید
 فاشیستها در راه این مبارزات کشیده اند و هم از پیوسته و این امر از جهت سیاسی - موزکی است -
 است که با متواتری پیوند با توده های خلق - شرط مسلم تدارک برای "چکار زینها" را رژیم در یکتوری
 است - با مابور خستگی ناپذیر با هم پیوسته نوازه کوشش خود را هم کرد و در جهت کفایت آن - دوران در شوار
 را از سرگذازند و طبقه کارگران و شوار را با جبهه - متحد سازد - دستخیز - لگای سیاسی خود را بالا ببرد و
 بدین ترتیب نیز و اینها را با طبع آینه بدین بهترین مواضع را برای خود تاسین کند -

تشریحاتی انقلابی در شرایط احوال زور بگریزهای پر شمار و عقب نشینی آبروی عمل میکنند -
 همه مواضع و شرایط مساعد برای انقلاب در کشور ما هنوز وجود ندارد و این مواضع را باید در حالی
 تشکیل است - یعنی بر سر اساسا بیشتر و بد خیر میروند یعنی در واقع با است که - کار آمد و موزکاتیک
 برای پیرویش و سازماندهی توده های - هر روز با هم پیوسته - درجه اول کمینسول - کارطوانی بسیاری
 آماده کردی و وجهی - گردید - تر - با توجه به وظائف فاشیستها و همچنین توان (۱۶۶)

حاشیه و فاج آید و نوازه های طبقه کارگران و طبقه کارگران و در پیرویش - بهترین دوران طلوع آن - همچنین
 گرفته ایم - کاری که تاکنون انجام نگرفته - از مواضع و شرایطی نیست - اما حزبی - پیرویه مبارزین
 خطا طرز با توضیح میکند و نشو و نهادهای فعالیت خود را تا کلی میبخشد - از همان آغاز کار مبارزین و حیات
 باس و نمودی را ناشی از شکست و از هرگز کارکنان کمینسول در درجه اول اهمیت بود تا بتوان کار جمعی
 و توده ای را بدین وجه با هم پیوسته - در (۱۶۶)

در همین اوضاع نوسان سیاسی اعتبار کارکنان دولت وحدت عملی استفاده میکنند - اهتمام و اقتضا
 را با مشکلات واقعی که این دولت با آنها روبرو بود مخلوط میکند - با فاشیستها با هم پیوسته -
 این مقام و انتقاد از خود آشکارا استفاده میکنند - زیرا این شیوه به تود هها کمک میکند تا گدشته را به دست
 آری اینها با هم پیوسته بر این آینه تجربه اندوزی میکند - پیروزی در یکتوری را بدین توله که امکان میدهند که سطح آگاهی
 طبقه کارگر کمینسول بگریز فاشیسم است ارتقا - باید و بسیار بود بخاطر ایجاد دولت طرز زمین مساعد نخواهد
 کرد - هم اکنون نتایج این کار را در فعالیت کارگران مشاهده میکنیم و در طرفت اینها در گان فشرها و متوسط
 هم در این نتایج به چشم میآورد - همچون خود بداند قاصدا به خود فاشیستها و حیات آنها که با فاشیست
 اینها بداند - است به این فاشیستها کمینسول - قاصدا به خود فاشیستها کمینسول که تاکنون نتیجه بگیرند -
 فاشیستها با هم پیوسته با هم پیوسته فاشیسم است چه بدین است که همین از این قاصدا
 به هم پیوسته نیست - رژیم در یکتوری شلی بنویسد که هم از شویسم طاعت طلبانه هم - طاعت گراست
 طبقه خلق کوچک - استفاده میکند - در این جریان هم مسئله - اگر این فاشیستها بر توده های کمینسول - هم
 این فاشیستها کمینسول - کمینسول که مورد تحریف و طرد و نفرت قرار گرفته - با توجه به فاشیستها کمینسول - پیرویش
 در پیرویش - رژیم از بدین توله شلی کارکنان قبل از هر چه منطوق تاریخ ساختن - خرد و پیروازی استفاده میکنند
 فاشیستها با هم پیوسته با هم پیوسته و اغراض را فرماید - فاشیسم در بر هر چه منطوق تاریخ ساختن -
 در جنبه های نهادهای منبر - پیرویش - بر توده های کمینسول فاشیسم بگریزوند تا کمینسول
 در پیرویش - حزب فاشیستها با هم پیوسته فاشیسم میکند و در این حال از آرزوهای ملی مترقی دفاع مینماید -
 با هم پیوسته ای که در این زمینه این طبقه کارگران فاشیسم در زجر با آن است نخستین نتایج پیرویش خود را
 فاشیستها با هم پیوسته است - مثلا کمینسول و کار توله فاشیسم با هم پیوسته با هم پیوسته فاشیسم و
 و نشانی فوق العاده میسر تا درجه تبدیل آن چه به - طبقه طراز فاشیستها برای آنها فاشیستها
 فعالین فعال در یکتوری به نقد آبروی پیرویش - فاشیستها با هم پیوسته فاشیستها با هم پیوسته

کردند.

ماهر روی این پیشنهاد ها را رد کردیم و با متحدین خود درباره ایجاد کمیته‌های ضد فاشیسم برپا بستیم. خطی به توافق رسیدیم. این سازمانهای بنیادی یکواخت، تظاهراتی را که به اتحادی پیوندند در ریجینو و ما میدانیم که در اتحاد فوق الذکر استقلال کامل موضع طبقه کارگر حفظ میشود.

ما می‌خواهیم تحریکات مبارزه جنبش انقلابی بین المللی و فراگیریم و آنها را با انطباق به شرایط ویژه خود بکار بندیم. رهبری حزب ما هرگونه مشورت را مانند یکی از کشورهای همسنگی باخلاق ما تلقی میکند. فاشیستها از تجربیات ملید پلین، امریکا، برزیل، اورگوئه و پلینس کشورهای دیگر استعاره می‌کنند و اگر ما تجربیات مبارزات قهرمانانه کمونیستها و ضد فاشیستهای دیگر کشورها را فراموش نمی‌کنیم جنبش ما را می‌توانیم با آنها مقایسه کرد. ما باید گام‌ها را برداریم و پیوسته با جنبش انقلابی آنها هستیم (که دروشیلی گویا مقاومت ضد فاشیستی و پیوسته با مبارزات زمامت مسلحانه در ضد ربرنامه گنجانده نمیشود. دروشیلی هم چنین صداها را بگوش می‌رسد.

در جنبش اروپاییها با بدون شك آرزوهای نیکی برای گسترش سریع و سرورمند مبارزه ای که به سرنگونی رژیم دیکتاتوری منجر شود وجود ندارد. اگر سخن بر سر آرزو است ما هم همین آرزو را داریم ولی وظیفه خود میدانیم که عد جواق صریح خود را با جنبش نظری بیان کنیم. کمونیستها باید طریقه‌ها را در جنبش نظری می‌شنوند و موشروبی اقدامات را با اهمیت عملی آنها اشتباه میکنند. آنها با اهمیت کارصنای برای پرورش، سازماندهی، بالا بردن سطح آگاهی توده و احکام بنیادینند. آنها با اهمیت این واقعیت را درک میکنند که جنبش ما فقط دروشیلی اقدامات تئوریتی را بکار گرفته است و این نقش و نارسایی بلکه از افتخارات جنبش است که کاملاً معترف است که اعمال قهر و حرکت توده‌ها نتیجه عملی برای انقلابند. اگرچه بد شمن کمک میکند.

ما انقلابیون در برزما نیستیم به این مطلب آگاهیم که فریزه طبقاتی مترجمین برای رزهای دروشیلی سیاست و عمل انقلابی مبارز نیست. این اظهارات روزنامه "مرکوریو" بلندگوی همه سرزمین شیلی گواه این امر است: "با وجود کامیابی دروشیلی که به آن اشاره شد (منظور قتل یکی از رهبران جنبش انقلابی چپ است) توجه به این مطلب ضروری است که دشمن معده حزب کمونیست است که ساختار سازمانهای باطنی آن در سرساز کشور دستخورد و بلق مانده است. این حزب برای فاشیسم کردن فعالیت دستگاه اداری شیوه‌های دیگری بکار میبرد. حزب کمونیست بکار بردن روشنگراییها همان کارکنان فزینگی، در اتحادیه‌های کارگری را امید مید، بهضاف کلیه‌های نفوذ می‌کند. هدف وقتنیور و راه رسیدن به هدف نهایی تلافی جانی خود فروگرد از می‌کنند" (۱). اگر پرورزیان بهشرومانه و اشیا مات این اظهار نظر را بید و واقفیم و پشت بجای فاشیسم در برزما سر ماقب توده‌ها که کمونیستها متحدین ما در راه گسترش آن می‌کوشیم باقی میماند. ارتجاع و پندعه شکست خود را در زمین می‌نهد.

در صفحه سوم جلد چهارمین شماره مجله "مسائل صلح و دموکراسی" شماره آوریل ۱۹۷۶ چند پلاکات از پلاکات های حزب توده ایران گراور شده است. عنوان پلاکات ها چنین است: "طبقه کارگر نیروی قاطع است"، "صداقت" "مبارزان استوار را آزادی" و "وحدت ضامن پیروزی است". شرحی نیز در هفتین شماره مجله درباره پلاکات های حزب توده ایران چاپ رسیده است که ترجمه آنها را نیز بخوانندگان میگردانیم.

پلاکات های سیاسی در شرایط کار مخفی

حزب توده ایران که در شرایط بسیار سخت کار مخفی فعالیت میکند، در راه وحدت و یکپارچگی توده‌ها با طرهای مبارزه در راه شعارهای مشخص برای منفرد ساختن نیروهای ارتجاعی و طرفداران دموکراسی و رکنش و گوش فراوانی بدول میدارد و سعی میکند نظریه‌ها را به سنجش خود در مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران جلب نماید و سطح آگاهی رزمندگان را بالا ببرد. حزب توده ایران با در نظر گرفتن میزان سواد و سطح آگاهی سیاسی رزمندگان در فعالیت‌های تبلیغاتی خود برای تبلیغ و تبیین بصری اهمیت ویژه ای قائل است، که استفاده از پلاکات های سیاسی یکی از انواع برجسته‌است. ترسیم کنندگان این پلاکات ها بطور کلی اعضای حزب اند. هنگام انتخاب موضوع برای پلاکات ها فکرات آنها در رجه اول روی مسائلی متمرکز میگردد که مرتبط با مصالح و منافع توده‌ها است.

چنانکه میدانیم بلبله پلینس سیاسی با ساواک از مشخصات اصلی سیاست ضد دموکراتیک محافل حاکمه ایران است. این سازمان با استفاده از جزو شکنجه، قتل‌های مرموز و بکار اقدامات غیر انسانی در کشور تخم سوختن و هراس می‌پاشد تا بدینوسیله مردم را وارد اسبکوت نماید. شعاری که بهضافه اعتراضی بر طبله اقدامات ساواک در کوچه‌ها طنین می‌افکند چنین بود: "من اگر بخریزم، تو اگر بخریزی، همه بر می‌خیزند! من اگر بنشینم، تو اگر بنشینی، چه کسی بخریزد!". این شعار موضوع یکی از پلاکات ها است. موضوع اعتراضی بر طبله بیدار و مستغری در پلاکات دیگری زیر عنوان "ایران، چنانکه در واقع هست!" نیز چشم‌خورد.

محافل حاکمه بر طبله نیروهای مترقی و در رجه اول بر طبله حزب ما به تئور و حشیانه ای دست زدند. هزاران تن از افراد آزاد بخواه برندان افکند شده اند، کمونیستها در شرایط مخصوص در شوار بصر می‌زنند. بروی پلاکاتی که به این مناسبت انتشار یافته بخشی از سخنانی را که در آخرین دفاع خود در دادگاه نظامی بیان داشته نوشته شده است: "عشق آتشین من بوطنم، به خلقم، به رفقایم به تمام آنهاست که در راه صبر و روزی افراد شرافتمند و رنجبرد و تلاش می‌کنند و عشق من به رزمندگان میهنم و سراسر جهان... عشق و احترام بکمائی است که در راه صلح بین کلیممل جهان برخاسته اند، و این عشق بزرگ بهضاف تعردم است که با مصالح صوفیان در مقام فانی نشاند است".

در ماه فوریه سال دهمین پرست دیگر، یکی شاعر مشهور گسرخ و دومی دانشیان کارگردان

نیز تبره‌باران شدند . تنها گناباد ، چنانکه در ادغام نظامی با آنها اعلام گردید این بود که مارکسیست بودند . گسرخی و دانشیان عضو حزب نوده ایران نبودند . ولی طبق مبارزه در راه آزادی مردم از امپریالیسم و ارتجاع و بحاطر آزادی و ترقی آنان راجحان یعنی مارکسیستی - لنینیستی رهنمون گردید .

در پلاکاتی که پس از تبره‌باران شدن آنها انتشار یافت این سخنان گسرخی در دعوت جدی به وحدت و یکپارچگی آورده شده است :

باید که دوست بداریم بااران
باید که چون خیز خورشیدم
فریاد های ما اگر چه رسامیت
باید یکی شود

اینان هراسشان زیگانگی ماست . . .

تجربه کار رنجی نشان میدهد که پلاکات هایی که متعسکند کنند مبارزه فدائیکاران کمونیست هسان و دیگر همین پرستان است در سلسله جوان تاشه‌بزرگی دارد و در گزینش راههای مبارزه باوری میکند . در نتیجه پیشرفت سرمایه داری در تشره‌بوده طبقه کارگران با سرعت رشد میکند . طبق آمستار رسمی تعداد کارگران به بیش از سی میلیون نفر میرسد . وحدت صفوف طبقه کارگر برای آنکه به مائل پیشرفت در زندگی اقتصادی و اجتماعی کشور میل کرد ضروری است . پلاکات " طبقه کارگر نیروی مطلق است " به این مسئله اختصاص داده شده است .

ح . صفری

مسابقه تسلیحاتی در کشورهای سرمایه داری

۲ . پورتوی

تدریجی و دانشکده اقتصاد
جهانی و تناسب بین المللی
آکادمی علوم شوروی

اتقندن اقتصاد کشور و مسیر تولیدات نظامی که یکی از مشخصات ویژه سرمایه داری معاصر است در شرایط کنونی کاهش و جرات بین المللی کیفیت ناهنجاری بخود میگیرد . انحصارهای نظامی - صنعتی و محافل ارتجاعي علیرغم روند کاهش تشنج بشدت بمسابقه تسلیحاتی و افزایش بودجهای نظامی ادامه میدهند .

هزینههای مستقیم نظامی ناتودرسال ۱۹۷۴ . ۱۳۱٫۶ میلیارد دلار بود که نسبت به سال ۱۹۶۹ تقریباً هفت برابر شده است . بودجهای نظامی کشورهای سرمایه داری بطور مستمر افزایش میابد و این بویژه از مشخصات بودجه آمریکا است . برای بودجه نظامی ایالات متحده آمریکا در سال مالی ۱۹۷۵ مبلغی بمیزان ۸۵٫۸ میلیارد دلار در نظر گرفته شده بود . اما پنتاگون برای سال ۱۹۷۶ ۱۰۴٫۷ میلیارد دلار تقاضا کرد . بنا بر محاسبات خود پنتاگون بودجه نظامی در سال مالی ۱۹۸۰ به ۱۴۸ میلیارد دلار خواهد رسید . تصور میرود که طی پنج سال از ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۰ در ایالات متحده آمریکا حداقل ۶۳۶ میلیارد دلار بصرف هدفهای نظامی برسد .

بودجه نظامی جمهوری فدرال آلمان در سال ۱۹۷۵ به حد رکورد یعنی ۳۵ میلیارد مارک بالغ گردید . مبلغ کلی هزینههای پیش بینی شده در طرح بودجه نظامی فرانسه برای سال ۱۹۷۶ ۵۰ میلیارد فرانک میرسد که ۱۴٫۲٪ بیش از سال ۱۹۷۵ است . بودجه نظامی انگلستان در سال مالی ۱۹۷۵/۷۶ بمیزان ۴۵۰۰ میلیارد پوند استرلینگ برآورد گردیده که برابر با ۷۷۵٫۵ میلیارد دلار میباشد . هزینههای ژاپن طبق برنامه پنجساله چهارم بمنظور تامین نیروهای مصلح سلاح در خارج از حدود که در سال ۱۹۷۶ به پایان میرسد بمبلغی که حد رکورد برای تمام سالهای پس از جنگ است یعنی بمیزان ۲۰۰ ۶۸۲٫۲ میلیارد پوند تقریباً دوازده برابر بیشتر از پنج سال گذشته خواهد بود .

در سال ۱۹۷۴ میزان هزینههای نظامی نسبت به کل بودجه در ایالات متحده آمریکا بیش از ۳۰ درصد در فرانسه ۱۷٫۴ درصد در جمهوری فدرال آلمان ۲۱٫۶ درصد در انگلستان ۲۰٫۲ درصد بود .

بنابر تولیدات تسلیحاتی به سرمایه‌گذاری بسیار زیاد تاثیر زیان بخش هزینههای نظامی در اقتصاد کشور خواهد بود زیرا که بهای تکنیک نظامی نعمت‌ها در نتیجه بخرنج تشریف تکنولوژی تولید بلکه بمنظور افزایش کیفیت ها بصورت رونقونی است . در صورت تسلسل زیان بخش پدید می آید . هزینههای نظامی باعث بالارفتن قیمت‌ها میشود و از این پدیده اخیر نتایج منفی بمنظور افزایش بودجه نظامی

استفاده میشود . طی ده سال گذشته مخارج اہلالت متعده امریکابری ۵۱ سیستم جدید
تسلیمات از ۹۹ میلیارد دلار (صورتحساب اولیہ) بہ ۱۳۳ میلیارد دلار بالغ گردیدہ است .
درنتیجہ مسابقہ تسلیماتی بمقتاس ظہیبی نخبیرہ نیروی کارمہد ضرورت . بطورمثال مجموع
افزایہ کہ درسال مالی ۱۹۷۵ در ایالات متحده امریکادریخت نہیزوہای مسلح بودنتقریباً
۵۰۰ میلیون نفر بود کہ ۵۲٪ از مجموع نیروی کارکشور را تشکیل میدہد . تعداد افراد زیرہرچشم
درارتش جمہوری فدرال آلمان درسال ۱۹۷۵ ، ۶۷۵۰ هزار نفر بود و بیش از ۲۰۰ هزار نفر ہم
تولید اسلحہ اشتغال داشتند . این در وقت در مجموع تقریباً ۶٪ مجموع کل نیروی کارکشور است .
پژوہش ہای علمی بنظر اوستفادہ ہای نظامی وجنگی مقدار فوق العادہ زیادی کاروسرمایہ
راہی بلعند . طبق گزارش بنیاد علمی ملی ایالات متحده امریکاہزینہ ہای ویژه پژوہشہای علمیسی و
آزمایشی وطرحہریزی درسال مالی ۱۹۷۴ تقریباً بہ ۳۲ میلیارد دلار بالغ گردید کہ ۱۷ میلیارد
دلار آنرا سرمایہ گذاری دولت فدرال ، (ازجملہ ۸٫۳ میلیارد دلار سرمایہ گذاری وزارت دفاع) ،
تشکیل میداد . علاوہ برسرمایہ گذاری ہای مستقیم وزارت دفاع ، بخش بزرگی از بودجہ ای ہسم
کہ دیگر سازمانہای دولتی بہ پژوہش ہای علمی وآزمایشی مطرح ریزی اختصاص میدہند بمصرف
انجام پژوہش ہای نظامی خیرسند .

درقرانہ فقط ہزینہ ہای مستقیم پژوہش ہای علمی وزارت دفاع تقریباً ۱۰٪ مجموع کسب
بودجہ فضای است . این قبیل ہزینہ ہا برای سالہ ۱۹۷۵ بمیزان ۴۳۴۰ میلیون فرانک جدید
پہنچانین شدہ بود . زاین درسال مالی ۱۹۷۵ / ۷۶ (کہ ازاول آوریل آغاز میگردد) بودجہ ای
بمبلغ ۱۶٫۳ میلیاردین (یعنی ۳۳٫۵ درصد بیش از سال مالی گذشتہ) برای مخارج دروزشہ
پژوہشہای علمی وآزمایشی وطرحہریزی در نظر گرفته است . سرمایہ گذاری دراین رشتہ درجمہوری
فدرال آلمان ہم گرایش بہ افزایش مستمر دارد و ازنتایج آن بمختصرہای نظامی بہرہ برداری میشود .
طی پنج سال (از ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۴) ہزینہ وزارت دفاع دراین زمینہا بہ بیش از ۶۰ میلیارد
مارک رسید .

بہمین ترتیب بخش بزرگی از متخصصترین دانشمندان ومہندسان بکارویژوہش دررشتہ ہای
نظامی جلب شدہ اند . در ایالات متحده امریکادر سال ۱۹۷۳ از ارتش نیم میلیون نفری مہندسان
وکارمندان علمی کہ دررشتہ پژوہش ہای علمی وآزمایشی وطرحہریزی بکار اشتغال دارند ، ازہنرمند
نفرہکی روی طرح نظامی کار میکرد . سفارش ہای نظامی بہ استحکام باز ہم بہتر مواضع مجتہد
نظامی - صنعتی ، شرکت تولید وسرمایہ در دست بزرگترین شرکتہا و افزایش قدرت مالی آنها کسب
میکند . "زد ویند قرن" یعنی سفارش ہای چہارکشور اروپایی عضو ناتو برای خرید ہواپیما ہای جت
بجای شکاری ہای " ۱-۴ " و " متارفاپتر " نمونه ای از این قبیل است . در نتیجہ رقتا پیہ
شد بد شرکت امریکائی " جنرال داینامیکس " سفارش ۳۵ ہواپیما " ۱۶-۴۶ " بہ بمبائی
۴ میلیارد دلار برای این چہارکشور بدست آورد . علاوہ براین پنتاگون ہم ۶۵ ہواپیما
" ۱۶-۴۶ " برای نیروہای مسلح امریکاسفارش میدہد . "زد ویند قرن" شکل فازی از زمینہ
تسلیماتی را عرض میدارد ویا انحصارہا در آمد ہای سرشاری وعدہ میدہد .
با استفادہ از سیستم ہای گوناگون ، نویسندہا وفیرم ہای متوسط کوچک ہم بدایرہ تولیدات
نظامی کفایت میشوند . بزرگترین شرکت ہا ناچلب سوداگران کوچک بہ دایرہ تولیدات نظامی
میکوشند آنان را در مسابقہ تسلیماتی ذینفع ساخته و از طریق گرفتن تضمین دائم آنان را بسنا منافع
مجتمع نظامی - صنعتی مربوط کنند .

مسابقہ تسلیماتی مسترد رکشورہای سرمایہ داری دشوارہای جدی مالی بوجود میآورد .
در این کشورہا در سالہای اخیر کسری بودجہ شدت افزایش یافته است . مثلاً این کسری در ایالات
متحده امریکادر سال مالی ۱۹۷۵ بہ ۴۲ میلیارد دلار رسید و برای سال ۱۹۷۶ بمیزان ۶۰
میلیارد دلار بیش بینی شدہ است . بودجہ جمہوری فدرال آلمان ہم از سال ۱۹۷۱ بانظر
کسری دارد ، انتظار میشود کہ درسال مالی ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۶ حجم این کسری بودجہ بہ ۶۰ میلیارد
مارک برسد . افزایش کسری بودجہ بہ افزایش مداوم قرض دولتی منجر شد کہ خود ہارستکتی
اقتصاد کسرواست ، سیستم مالی را بادشواری روبرویکنند و روند تورم را تشدید نمایند . بطور
مثال قرض دولت امریکاتا ۳۰ ماہ ژوئن ۱۹۷۵ بہ ۵۳٫۸۵ میلیارد دلار بالغ میگردد .
افزایش سفا رفتہای نظامی وسود انحصارہا در شرایط صورت میگردد کہ بدیہای بحرانی
در سیستم اقتصادی سرمایہ داری حقیقتاً میشود . بحران انرژی و بحران ارزی ، تنزل تولید ، تورم
ویکاری مجموعہ حادثہن مشکلاتی است کہ دنیا سرمایہ داری اینک با آنها روبرو است . مسابقہ
تسلیماتی نہ فقط بمحل مشکلات مذکورکلیت میکند ، بلکہ بیکس تضاد ہای سرمایہ داری معاصر
را عمیق تر مینماید .

